

احكام جوانان

مطابق با فتاوى
حضرت آية الله العظمى
حاج شيخ حسين وحيد خراسانى «دام ظله»



الحمد لله
الرحمن الرحيم

شناسنامه:

تذکر

متن کتاب مطابق است با فتاوی حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی مدّ ظلّه، لکن برای سهولت در فراگیری و درك بهتر مسائل توسط جوانان، توضیحاتی در خلال متن و در پاورقی آمده است که توسط بعضی از فضلاء دفتر معظم له تنظیم شده است. البته مسائل مطرح شده در این کتاب تفصیلاتی دارد که در توضیح المسائل آمده، و هدف از این کتاب آشنایی با مسائل مورد ابتلاء است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۲۵
آثار شگفت تعالیم و پرورشهای آسمانی اسلام.....	۲۵
سیمای بندگان خداوند رحمان در قرآن.....	۲۵
در معاشرت با دیگران.....	۲۶
شبانگاه بندگان الهی.....	۲۶
دعای آنان.....	۲۶
میان‌رویی در بخشش اموال.....	۲۷
پاکی بندگان خدای رحمان.....	۲۷
طائران بلند پروازند.....	۲۷
چشمان حق بین و گوشهای حق شنو.....	۲۸
نشانه‌های مؤمن کامل.....	۲۸
چند دستور از حضرت امام صادق <small>علیه السلام</small> برای راهیان راه حق.....	۲۹
دو نکته:.....	۳۲
(اول) تعبّد و سر سپردن به دین.....	۳۲
(دوم) لزوم تقلید از علمای دین.....	۳۳
احکام تقلید.....	۳۵
شناخت مجتهد و اعلم.....	۳۷
به دست آوردن فتوا.....	۳۸
عوض شدن فتوای مجتهد.....	۳۸
فتوا و احتیاط واجب.....	۳۸
وظیفه مقلد پس از فوت مرجع تقلید.....	۳۹

۳۹ یادگیری احکام
۳۹ اشتباه گفتن مسأله
۴۰ حکم اعمال کسی که تقلید نمی کرده
۴۱ احکام طهارت
۴۱ آب مطلق و آب مضاف
۴۱ حکم آب مضاف
۴۲ آب کُر
۴۳ حکم آب کُر
۴۳ شک در کر بودن آب
۴۳ آب قلیل
۴۴ حکم آب قلیل
۴۴ غسله
۴۵ آب جاری
۴۶ حکم آب جاری
۴۶ آب باران
۴۷ آب چاه
۴۹ احکام تخلی
۵۰ استبراء
۵۰ نجاسات
۵۱ ۱- ۲- ادرار و مدفوع
۵۲ حکم ادرار و مدفوع حیوانات
۵۳ ۳- منی
۵۳ ۴- مردار

۵۴ خون	۵
۵۴ خون در تخم مرغ	
۵۵ خون مردگی	
۵۶ ۷- سگ و خوک	۶
۵۶ ۸- کافر	
۵۸ ۹- شراب	
۵۸ الکل صنعتی	
۵۸ انگور و آب انگور	
۵۹ کشمش	
۶۰ ۱۰- فقاع	
۶۰ شك در نجاست	
۶۰ سرایت کردن نجاست	
۶۱ خوردن چیز نجس و خوراندن آن به دیگران	
۶۱ مطهّرات (پاک کننده‌ها)	
۶۱ ۱- آب	
۶۲ آب کشیدن ظرفها	
۶۳ آب کشیدن لباس و فرش	
۶۴ باقی ماندن رنگ نجاست	
۶۵ آب کشیدن بدن	
۶۶ ۲- زمین	
۶۷ ۳- آفتاب	
۶۸ ۴- برطرف شدن عین نجاست	
۶۹ وضو	

- ۶۹ شستن صورت و دستها
- ۷۱ شستن دستها
- ۷۲ مسح سر
- ۷۲ محل مسح سر
- ۷۳ مسح بر موهای سر
- ۷۳ مسح روی پاها
- ۷۴ پهنای مسح پا
- ۷۴ چند نکته:
- ۷۵ شرایط صحّت وضو
- ۷۶ احکام وضو
- ۷۷ چیزهایی که باید برای آنها طهارت از حدث داشت
- ۷۸ دست زدن به نوشته قرآن
- ۷۸ وضو گرفتن قبل از وقت
- ۸۰ چیزهایی که وضو را باطل می کند
- ۸۰ وضوی جبیره
- ۸۳ تیمم جبیره ای
- ۸۳ سه نکته:
- ۸۵ غسل
- ۸۵ جنابت
- ۸۶ کارهایی که بر جنب حرام است
- ۸۸ کارهایی که بر جنب مکروه است
- ۸۹ حکم غسل جنابت
- ۸۹ نیت غسل

۸۹ روش غسل کردن
۸۹ غسل ترتیبی
۹۱ غسل ارتماسی
۹۱ احکام غسل کردن
۹۲ شستن موهای بلند
۹۲ شک در غسل
۹۲ کفایت غسل از غسل
۹۳ کفایت غسل از وضو
۹۵ غسلهای مخصوص بانوان
۹۵ استحاضه
۹۵ نشانه‌های استحاضه
۹۵ اقسام استحاضه
۹۶ وظایف مستحاضهٔ قلیله
۹۶ وظایف مستحاضهٔ متوسطه
۹۶ وظایف مستحاضهٔ کثیره
۹۷ وضو و غسل استحاضه
۹۷ قطع شدن خون
۹۸ حکم ترک وظایف
۹۸ حیض
۹۸ نشانه‌های خون حیض
۹۸ سنّ یائسگی
۹۹ حکم خون قبل از نه سال
۹۹ حداقل و حداکثر حیض

- ۹۹ استمرار خون
- ۹۹ احکام حائض
- ۱۰۰ طلاق زن حائض
- ۱۰۰ حائض شدن در بین نماز
- ۱۰۰ زمان غسل حیض
- ۱۰۰ حکم نمازهای حائض
- ۱۰۱ عبادت حائض
- ۱۰۱ قرآن خواندن حائض
- ۱۰۲ مسائل متفرقه حیض
- ۱۰۲ عوض شدن عادت
- ۱۰۲ منظور از یک ماه
- ۱۰۲ دو بار خون دیدن
- ۱۰۲ پاک شدن قبل از ده روز
- ۱۰۳ تشخیص اشتباهی
- ۱۰۳ نفاس
- ۱۰۳ حداقل و حداکثر خون نفاس
- ۱۰۴ زمان غسل نفاس
- ۱۰۴ طلاق دادن نفساء
- ۱۰۴ خون نفاس بیشتر از ده روز
- ۱۰۴ غسل مس میت
- ۱۰۴ مس میت بعد از غسل میت
- ۱۰۵ روش انجام غسل مس میت
- ۱۰۷ احکام اموات

۱۰۷	محتضر
۱۰۸	احکام بعد از مرگ
۱۰۸	احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت
۱۰۸	اجازه از ولیّ میت
۱۰۹	کیفیت غسل میت
۱۱۰	مقدار سدر و کافور
۱۱۰	شرایط غسل
۱۱۰	احکام کفن میت
۱۱۱	اندازه کفن
۱۱۱	ضخامت کفن
۱۱۲	احکام حنوط
۱۱۳	احکام نماز میت
۱۱۳	وقت خواندن نماز میت
۱۱۳	وضو و نماز میت
۱۱۴	دستور نماز میت
۱۱۵	احکام دفن
۱۱۶	غسلهای مستحب
۱۱۷	غسل مستحب به جای وضو
۱۱۷	یک غسل به جای چند غسل
۱۱۹	تیمم
۱۲۰	چیزهایی که تیمم به آنها صحیح است
۱۲۱	دستور تیمم بدل از وضو یا غسل
۱۲۳	احکام تیمم

- ۱۲۵ باطل شدن تیمم
- ۱۲۷ احکام نماز
- ۱۳۲ نمازهای واجب
- ۱۳۳ نمازهای واجب یومیه
- ۱۳۳ وقت نماز ظهر و عصر
- ۱۳۳ وقت نماز مغرب و عشا
- ۱۳۵ وقت نماز صبح
- ۱۳۶ احکام وقت نماز
- ۱۳۶ نماز در تنگی وقت
- ۱۳۶ نماز اول وقت
- ۱۳۶ نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود
- ۱۳۷ احکام قبله
- ۱۳۷ نماز مستحبی و قبله
- ۱۳۸ پوشانیدن بدن در نماز
- ۱۳۸ شرایط لباس نمازگزار
- ۱۴۰ طلا برای مردها
- ۱۴۱ لباس شهرت و موهن
- ۱۴۲ پوشیدن لباس زنانه
- ۱۴۲ مواردی که لازم نیست بدن و لباس نمازگزار پاك باشد
- ۱۴۲ مکان نمازگزار
- ۱۴۴ بودن زن و مرد نامحرم در يك مکان
- ۱۴۴ نماز خواندن در جایی که تار می‌زنند
- ۱۴۴ جاهایی که نماز خواندن در آن مستحب است

۱۴۵ نماز خواندن در حرم امامان <small>علیهم‌السلام</small>
۱۴۵ اهمیت مسجد
۱۴۵ جاهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است
۱۴۶ احکام مسجد
۱۴۶ آداب مسجد
۱۴۷ اذان و اقامه
۱۴۷ اذان و اقامه فقط مخصوص نمازهای یومیه است
۱۴۷ اذان در گوش بچه
۱۴۸ احکام اقامه
۱۴۸ واجبات نماز
۱۴۹ (اول) نیت
۱۴۹ (دوم) تکبیرة الاحرام
۱۵۰ (سوم) قیام (ایستادن)
۱۵۲ آداب قیام
۱۵۲ (چهارم) قرائت
۱۵۲ چه سوره یا ذکرى باید خوانده شود؟
۱۵۲ فراموش کردن حمد و سوره
۱۵۳ سوره و نماز مستحبی
۱۵۳ آهسته و بلند خواندن
۱۵۴ صحیح خواندن نماز
۱۵۵ آداب قرائت
۱۵۵ (پنجم) رکوع
۱۵۶ ذکر رکوع

- ۱۵۶ آرام بودن بدن
- ۱۵۷ ایستادن بعد از رکوع
- ۱۵۷ (ششم) سجود
- ۱۵۸ آرام بودن بدن
- ۱۵۸ چرک بودن مُهر
- ۱۵۸ پاک بودن جای سجده
- ۱۵۸ چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است
- ۱۵۹ سجده بر کاغذ
- ۱۶۰ بهترین چیز برای سجده
- ۱۶۱ مستحبات سجده
- ۱۶۲ (هفتم) تشهد
- ۱۶۲ (هشتم) سلام نماز
- ۱۶۳ (نهم) ترتیب
- ۱۶۳ (دهم) موالات
- ۱۶۴ قنوت
- ۱۶۵ حالت دستها در قنوت
- ۱۶۵ مبطلات نماز
- ۱۶۸ شکایات
- ۱۷۰ توضیح شکهای باطل کننده
- ۱۷۱ توضیح شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد
- ۱۷۱ توضیح شکهای صحیح
- ۱۷۲ نماز احتیاط
- ۱۷۲ سجده سهو

۱۷۳ دستور سجده سهو

۱۷۳ نماز مسافر

۱۷۳ شرایط شکسته شدن نماز

۱۷۶ وطن

۱۷۶ جایی که در حکم وطن است

۱۷۷ اعراض از وطن

۱۷۷ قصد ده روز

۱۷۷ برگشتن از قصد ده روز

۱۷۸ ماندن بیشتر از ده روز

۱۷۸ مسائل متفرقه نماز مسافر

۱۷۸ نماز قضا

۱۷۹ نماز قضا و نماز مستحبی

۱۷۹ ترتیب در نماز قضا

۱۷۹ نماز قضا با جماعت

۱۸۰ نماز قضای پدر

۱۸۰ نماز جماعت

۱۸۰ اهمیت نماز جماعت

۱۸۰ بی‌اعتنایی به نماز جماعت

۱۸۱ شرایط امام جماعت

۱۸۱ احکام جماعت

۱۸۳ وظیفه امام و ماموم در نماز جماعت

۱۸۴ نماز آیات

۱۸۶ دستور نماز آیات

۱۸۹ احکام روزه

۱۹۰ نیت

۱۹۰ وقت نیت

۱۹۰ وقت نیت روزه مستحبی

۱۹۰ وقت نیت روزه قضا

۱۹۱ روزه یوم الشک

۱۹۱ چیزهایی که روزه را باطل می کند

۱۹۲ روزه و ضعف

۱۹۳ کفاره روزه

۱۹۳ کفاره جمع

۱۹۳ کفاره باطل کردن روزه قضا

۱۹۴ روزه قضا

۱۹۴ فدیة تأخیر

۱۹۴ وظیفه مریض

۱۹۵ روزه مسافر

۱۹۵ حکم مسافرت در ماه رمضان

۱۹۷ احکام خمس

۱۹۸ منفعت کسب

۱۹۸ خمس هدیه

۱۹۸ ذخیره به خاطر قناعت

۱۹۸ مواردی که خمس ندارد

۲۰۳ احکام زکات

۲۰۴ مقدار زکات

۲۰۴ موارد مصرف زکات

۲۰۴ زکات فطره

۲۰۷ احکام امر به معروف و نهی از منکر

۲۰۸ شرایط امر به معروف و نهی از منکر

۲۰۹ شک در شرایط

۲۰۹ حرمت تجسس

۲۰۹ سختی شدید

۲۰۹ وظیفه انسان در مقابل خانواده اش

۲۱۰ مراحل امر به معروف و نهی از منکر

۲۱۰ وظیفه آمر به معروف و ناهی از منکر

۲۱۱ بعضی از گناهان کبیره

۲۱۳ احکام خرید و فروش

۲۱۴ خرید و فروش حرام

۲۱۴ شرایط فروشنده و خریدار

۲۱۵ شرایط جنس و عوض آن

۲۱۷ احکام ازدواج

۲۱۷ حکم ازدواج

۲۱۸ احکام و شرایط عقد

۲۱۸ صیغه عقد

۲۱۸ اجازه پدر

۲۱۸ احکام نگاه کردن

۲۲۱ احکام خوردنیها و آشامیدنیها

۲۲۱ قسم اول: حیوانات دریایی

- ۲۲۳ قسم دوم: چهارپایان
- ۲۲۴ قسم سوم: پرندگان
- ۲۲۵ قسم چهارم: چیزهای جامد
- ۲۲۵ قسم پنجم: چیزهای مایع
- ۲۲۶ مستحبات غذا خوردن
- ۲۲۷ مکروهات غذا خوردن
- ۲۲۸ مستحبات آب خوردن
- ۲۲۹ پرسشها و پاسخها
- ۲۲۹ تقلید
- ۲۲۹ بقاء بر تقلید
- ۲۲۹ عوض کردن مرجع تقلید
- ۲۳۰ تبعیض در تقلید
- ۲۳۰ طهارت و نجاست
- ۲۳۰ شک در نجاست
- ۲۳۱ حکم الکل
- ۲۳۱ وضو
- ۲۳۱ شستن صورت با دست چپ
- ۲۳۱ مانع رسیدن آب
- ۲۳۲ اثر خودکار
- ۲۳۲ ژل مو
- ۲۳۳ لاک ناخن دست
- ۲۳۳ لاک روی ناخن پا
- ۲۳۳ مسح سر با دست چپ

منظور از کف دست	۲۳۴
نماز	۲۳۴
روش محاسبه نیمه شب شرعی	۲۳۴
مدّ در «وَلَا الضَّالِّينَ»	۲۳۴
گفتن یک بار «سُبْحَانَ اللَّهِ»	۲۳۵
قنوت	۲۳۵
دعای فارسی در نماز	۲۳۵
نماز آیات	۲۳۵
شک در تعداد نماز قضا	۲۳۵
نماز مسافر	۲۳۶
حکم نماز در وطن پدر و مادر	۲۳۷
روزه	۲۳۷
روزه مستحبی و روزه قضا	۲۳۷
استمنا در حال روزه	۲۳۷
اعتکاف	۲۳۸
اعتکاف در مسجد دانشگاه	۲۳۹
خارج شدن از محل اعتکاف	۲۳۹
خمس	۲۳۹
خمس پول تو جیبی	۲۳۹
خمس پولی که برای جهیزیه کنار گذاشته می شود	۲۴۰
پس انداز برای ازدواج	۲۴۱
خمس کتاب و دفتر	۲۴۱
خرید و فروش	۲۴۲

- ۲۴۲ خرید و فروش فیلم
- ۲۴۲ خرید و فروش وسائل موسیقی
- ۲۴۳ خرید و فروش سازهای کوچک
- ۲۴۳ خرید و فروش مجسمه
- ۲۴۴ خرید و فروش عروسک
- ۲۴۵ معامله با بچه نابالغ
- ۲۴۵ ولی بچه
- ۲۴۶ تصرف مادر در مال صغیر
- ۲۴۶ شرکت‌های هرمی
- ۲۴۶ بازاریابی شبکه‌ای
- ۲۴۶ خرید و فروش اجناس اسرائیلی
- ۲۴۶ اجاره
- ۲۴۶ اجرت کار حرام
- ۲۴۷ اجیر شدن بچه نابالغ
- ۲۴۸ اشیاء گم شده
- ۲۴۸ مسائل متفرقه
- ۲۴۸ کروات
- ۲۴۹ غنا و موسیقی
- ۲۴۹ شرکت در مجالس عروسی
- ۲۴۹ حکم رقص
- ۲۵۰ حکم نقاشی انسان
- ۲۵۰ بازی با شطرنج
- ۲۵۰ بازی با پاسور

۲۵۱	اطاعت از پدر و مادر
۲۵۱	حکم فحش
۲۵۱	حکم تقلب در امتحان
۲۵۲	سیگار کشیدن
۲۵۲	آرایش زنانه
۲۵۲	تماشای فیلمهای مبتذل
۲۵۳	دست دادن به نامحرم
۲۵۳	حرف زدن با نامحرم
۲۵۳	نگاه کردن به عکسهای اینترنتی
۲۵۴	ازدواج با دختر بدون اجازه پدر

مقدمه

آثار شگفت تعالیم و پرورشهای آسمانی اسلام

هر يك از آیات قرآن کریم یا روایات و آثار اهل بیت علیهم السلام تأثیر معجزه‌آسایی بر آموزه‌ها و رفتارهای انسان دارد اما در این نوشته کوتاه به نمونه‌ای از آنها در آیاتی از سوره فرقان و بعضی روایات اشاره می‌کنیم.

سیمای بندگان خداوند رحمان در قرآن

بندگی و سرسپردن به دستورات خداوندی که گستره رحمت او همه چیز را گرفته، چنان در بندگان او اثر می‌کند که این رحمت در حرکات و سکنات و رفتار و گفتار آنان در شب و روز نمایان می‌شود.

مثلاً راه رفتن آنها چون متأثر از رحمت خداست نه به سختی است و نه به تکبر و فخر، بلکه ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾^(۱) «به سهولت و نرمی بر زمین راه می‌روند»

۱. سوره فرقان، آیه ۶۳.

در معاشرت با دیگران

دل آنها چنان به رحمت الهی نرم و ذلیل شده که در برابر خداوند، ذلیل و در برابر آفریدگان او متواضع و فروتن گشته‌اند به طوری که نه تنها آزار آنان به بندگان نمی‌رسد بلکه بر اذیت دیگران صبر می‌کنند و حلم و بردباری به خرج می‌دهند. و برای کسانی که به زبان آنها را می‌آزارند آرزوی سلامت از جهالت می‌کنند ﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾^(۱) و از رفتارشان در مقابل جاهلان، معلوم می‌شود که با دانایان و عاقلان چگونه رفتار می‌کنند.

شبانگاه بندگان الهی

شبانگاه، تفکر در آثار عظمت الهی و مطالعه آیات علم و قدرت و حکمت او، آنان را به قیام و به خاک افتادن در برابر آن عظمت بی‌انتهای می‌کشاند ﴿وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا﴾^(۲)

دعای آنان

از منحرف شدن از مدار دین و آیین حق تعالی بر خود هراسانند که انحراف از این صراط مستقیم الهی به آتش سوزاننده جهنم می‌انجامد از این رو دعا می‌کنند ﴿رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا﴾^(۳) «پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف گردان که عذاب آن سنگین و با دوام است»

۱. سوره فرقان، آیه ۶۳.

۲. سوره فرقان، آیه ۶۴.

۳. سوره فرقان، آیه ۶۵.

میان‌روی در بخشش اموال

در اموال خویش که مانند خون در بدن، مایه حیات جامعه است به تعادل رفتار می‌کنند نه چنان بخل می‌ورزند که مبتلا به تراکم بی جهت اموال در يك جا شود (همانند فشار خون در بدن) و نه آن‌گونه بی‌پروا بذل مال می‌کنند که خود و زنان و فرزندان‌شان به فقر و گدایی افتند (مانند کم‌خونی در بدن) هم به خویش می‌رسند و هم دیگران را از برکات اموال خود بهره‌مند می‌سازند ﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾^(۱)

پاکی بندگان خدای رحمان

دل و زبان از فکر و ذکر غیر خداوند خالی کرده‌اند و دست‌ان‌شان به خون ناحق آلوده نمی‌شود و دامانشان به تجاوز و تعدی به حرام الهی و زنا آلوده نمی‌گردد. یعنی عقاید آنها پاک و زبان و دست و دامانشان پاکیزه است زیرا بنده خدایند. ﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ الْإِبْرَاحِيَّةَ وَلَا يَزْنُونَ﴾^(۲)

طائران بلند پروازند

از دروغ و باطل (و مجلس ساز و آواز) بر کنارند و لغو و گفتار بیهوده را می‌گذارند که کرامت و بزرگواری آنها اجازه نمی‌دهد دامن به بیهودگی و عبث آلوده کنند ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾^(۳)

۱. سوره فرقان، آیه ۶۷.

۲. سوره فرقان، آیه ۶۸.

۳. سوره فرقان، آیه ۷۲.

چشمان حق بین و گوشهای حق شنو

چون همه وجودشان بندگی حق و سرسپردگی رحمان است در هنگام تذکر و یادآوری آیات پروردگارشان کور و کر نیستند ﴿وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِزُوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا﴾^(۱)

نشانه‌های مؤمن کامل

بزرگ معلم بشریت حضرت ختمی مرتبت ﷺ برای مؤمنی که می‌خواهد در مکتب وحی الهی و آموزه‌های اسلامی به تکامل برسد ویژگیهایی را بیان فرموده‌اند که به مضمون بعضی اشاره می‌کنیم:

- * علم مؤمن بسیار و بردباری او عظیم است.
- * غافل را یادآوری می‌کند و به جاهل، علم می‌آموزد.
- * کسی که او را می‌آزارد از او اذیت نمی‌بیند.
- * در آنچه به درد او نمی‌خورد وارد نمی‌شود.
- * کسی را در مصیبت شماتت و سرزنش نمی‌کند.
- * غیبت کسی نمی‌کند.
- * به غریبان کمک می‌کند.
- * برای یتیم پدری می‌نماید.
- * امین بر امانتها و دور از خیانتهاست.
- * قلب او با تقوی است.
- * چون به قدرت رسد عفو و گذشت می‌کند (انتقام نمی‌گیرد).

۱. سوره فرقان، آیه ۷۳.

* چون وعده دهد وفا می‌کند.

* باطل و ناحق را از دوست خود نمی‌پذیرد و حق را از دشمن خود ردّ (و انکار) نمی‌کند...»^(۱)

چند دستور از حضرت امام صادق علیه السلام برای راهیان راه حق

در حدیث معروف «عنوان بصری» چنین آمده که وقتی «عنوان» به آن حضرت عرض کرد: «از خداوند خواسته‌ام قلب شما را به من متوجّه و از علم شما به من روزی کند و امیدوارم دعایم مستجاب شده باشد، حضرتش در پاسخ فرمودند: «علم به آموختن نیست بلکه فقط علم، نوری است که در قلب هر کس که خداوند، هدایت او را خواسته باشد قرار می‌گیرد پس اگر به دنبال علم (حقیقی و نورانیّت) هستی در خود حقیقت بندگی (و تسلیم دستورات الهی شدن) را طلب کن و برای این به دنبال علم باش که بدان عمل کنی و از خداوند فهم بخواه تا به تو بفهماند.»

وقتی عنوان فهمید علم را تنها در حقیقت بندگی می‌توان یافت پرسید: حقیقت بندگی چیست؟

حضرت فرمودند سه چیز است:

(اول) آن که بنده خدا خود را مالک آنچه خداوند به او داده نداند چون بندگان خدا ملکی ندارند مال را مال خدا می‌بینند و هر جا که او دستور فرموده صرف می‌کنند.
(دوم) آن که بنده برای خود تدبیری نیندیشد (یعنی برای خدا و به امر خدا کار کند و همه چیز را به او واگذارد)

۱. بحار الانوار ج ۶۴ ص ۳۱۰.

(سوم) آن که تنها سرگرم و مشغول کارهایی باشد که خداوند به آن امر فرموده و از آن بازداشته است.

آنگاه حضرت، نتیجه این سه چیز را چنین بیان کردند:

پس چون برای خود ملکی ندید (و مال را مال خداوند دید) خرج کردن مال در راهی که خداوند امر فرموده برای او آسان می‌شود. و چون تدبیر و عاقبت اندیشی کارها را به مدیر و مدبر خود (یعنی خداوند) واگذار کرد پیش آمدها (و ناگواریها) برای او آسان می‌شود. و چون به انجام امر و نهی الهی مشغول شد فرصت بحث و جدل و فخر و مباهات کردن با مردم پیدا نمی‌کند.

پس چون بنده خدا خود را به این سه مطلب آراسته و گرامی داشت، دنیا و شیطان و خلق بر او سهل و آسان می‌شود، دیگر دنیا را برای بیشتر خواهی و فخرفروشی نمی‌خواهد. و نمی‌خواهد آنچه نزد مردم است برای عزیز شدن و برتری بر آنان، بدست آورد. و روزهای عمر خود را بیهوده از دست نمی‌دهد.

این اول درجه تقواست که خداوند تبارک و تعالی فرمود: ﴿تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا

لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ غُلُوبًا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا﴾^(۱) «آن سرای آخرت است که آن را برای

کسانی قرار می‌دهیم که برتری و فساد در زمین را نمی‌طلبند».

عنوان می‌گوید: گفتم ای ابا عبدالله! مرا توصیه و سفارش فرما.

فرمود: تو را به نُه چیز وصیت می‌کنم و آن سفارش من است برای آنان که می‌خواهند راهی به سوی خدا بیابند و از خداوند می‌خواهم که تو را برای عمل به آن موفق بدارد.

۱. سوره قصص، آیه ۸۳.

سه وصیت در ریاضت و سختی دادن به نفس و سه وصیت در حلم و بردباری و سه وصیت در مورد علم.

اما آنچه در ریاضت است اینکه: پرهیز از اینکه آنچه را اشتها نداری بخوری که حماقت و ابله‌ی را به ارث می‌گذارد و جز هنگام گرسنگی مخور. و چون خوردی حلال بخور و نام خدا را ببر و حدیث پیامبر ﷺ را بیاد آور که فرمودند: آدمی ظرفی را بدتر از شکم خود پُر نکرده است پس اگر چاره‌ای از پر کردن آن نبود يك سوم آن را برای خوردن و يك سوم آن را برای نوشیدن و يك سوم دیگر برای نفس کشیدن باشد.

اما وصیتهایی که در مورد بردباری است؛ کسی که به تو گفت: اگر یکی بگویی ده تا می‌شنوی تو بگو: اگر ده تا بگویی یکی هم نمی‌شنوی و کسی که به تو ناسزا گوید به او بگو: اگر آنچه می‌گویی راست است از خداوند می‌خواهم مرا بیامرزد و اگر دروغ می‌گویی از خداوند می‌خواهم تو را بیامرزد.

و کسی که به تو وعده فحش می‌دهد (مثلاً می‌گوید تو را در فلان وقت فحش خواهم داد و رسوا خواهم کرد و...) تو به او وعده خیر خواهی و نصیحت بده (مثلاً به او بگو: من به خیر تو خواهم گفت و برای تو خوب خواهم خواست).

اما آن وصیتهایی که در مورد علم است؛ آنچه نمی‌دانی از دانایان بپرس و پرهیز از اینکه از آن‌ها به راه تعنت و تجربه‌پرسی (یعنی پرس که آنها را امتحان کنی و در جواب خجل سازی) و پرهیز از اینکه در آنچه نمی‌دانی به رأی و گمان خود عمل کنی و تا آنجا که می‌شود به احتیاط عمل کن و از فتوی و نظر دادن بگریز آن چنان که از شیر می‌گریزی و گردنت را پُل قرار مده که مردم از آن بگذرند...»^(۱)

۱. بحار الانوار جلد ۱ ص ۲۲۴.

دو نکته:

(اول) تعبد و سر سپردن به دین

زندگی انسان منحصر به عالم دنیا نیست بلکه از عالم صلب پدر به عالم رحم مادر و از آنجا به دنیا و از دنیا به عالم برزخ و پس از آن به حیات جاودانی آخرت سفر می‌کند. از این رو برنامه‌های دین باید طوری باشد که در تمام این مراحل، نیازها و احتیاجات او را در نظر بگیرد و تأمین نماید. و کسی می‌تواند این برنامه را طراحی و اجرا کند که احاطه کامل به تمام این عالمها داشته باشد و بتواند قانونی جعل نماید که در تمام این مراحل کارساز باشد. بنابراین انسان با این علم محدود که حتی نیازهای زندگی خود در چند روز آینده‌اش را نمی‌داند چگونه می‌تواند حکمت و اسرار احکام الهی را درک نماید؟! این است که يك مؤمن واقعی سر بسته می‌داند که خداوندی که علم بی‌نهایت و حکمت بی‌پایان و قدرت بی‌انتهاست در هر قانون و حکمی که قرار داده است حکمت‌های بسیار دنیوی و برزخی و آخرتی می‌باشد و ندانستن و نفهمیدن ما نسبت به حکمت احکام الهی، دلیل بر بی‌حکمت بودن آن نمی‌شود. و فلسفه‌هایی که بشر برای احکام الهی می‌بافد نمی‌تواند صحیح یا بیانگر کامل حکمت‌های نهفته در دستورات الهی باشد. و چنانچه طفل در رحم مادر حکمت داشتن دست و پا و چشم و... را نمی‌فهمد و وقتی به دنیا می‌آید فوائد آن تا حدودی برایش روشن می‌شود حکمت احکام الهی نیز در دنیا برای ما مجهول است لذا پس از شناخت خداوند عالمیان به صفات حمیده و کمالیه‌اش و شناخت انبیاء و اولیاء الهی به عصمت و پاکی و صداقت، دیگر سرسپردن به دستورات آنان و اطاعت مطلق از آنان، وظیفه عقلی و فطری هر انسان است.

و البته بالاتر از این مقام، مقام آنهایی است که از ضرر محرمات و مکروهات و نفع واجبات و مستحبات الهی چشم پوشیده‌اند و تنها برای آن که خداوند متعال امر و نهی

فرموده، عمل می‌کنند و البته این مقام مقرّبین درگاه الهی و خاصّان دربار قدس حضرت حق متعال است.

(دوم) لزوم تقلید از علمای دین

چنانچه سلامتی و زندگی پاکیزه و راحتِ بدن و دنیای انسان در گرو این است که به قوانین و دستوراتی که در بهداشت و درمان است عمل کند و سه راه بیشتر ندارد یا طبیب و عالم به این مقررات باشد یا از دستورات پزشک پیروی کند یا احتیاط نماید، سلامتی دین و روح و آخرت انسان نیز در گرو این است که از قوانین و مقررات دین و دستورات الهی پیروی کند پس یا باید عالم به قوانین الهی باشد یا اگر جاهل است از علما پیروی کند یا راه احتیاط را در پیش گیرد.

پس کسی که عالم نیست و احتیاط هم نمی‌کند به حکم عقل و فطرت، راهی جز تقلید و پیروی از دستورات علما ندارد. و اگر علما با هم اختلاف نظر دارند چنانچه در هنگام اختلاف نظر پزشکان به عالم‌ترین آنها رجوع می‌کند در دین نیز باید به عالم‌ترین آنان مراجعه نماید.

لزوم پیروی جاهل از عالم يك امر فطری است و در سرشت هر انسان نهاده است. چه اینکه در همه چیز جاهل باشد یا اینکه در رشته خاصی بدون علم و اطلاع باشد مثل اینکه پزشک قلب نسبت به امور چشم تخصص و اطلاع ندارد و باید در این امر به چشم پزشک مراجعه و به دستور او عمل کند.

بنابراین پیروی از علمای دین مختص به بی‌سوادها نیست بلکه جامعه‌شناس، روان‌شناس، پزشک، مهندس و همه اینها چون در امور دین و احکام الهی سر رشته ندارند گریزی جز رجوع به علمای دین و تقلید از آنها ندارند.

پس مقلد به حکم عقل و فطرت خود علم دارد که باید از مجتهد و عالم دین در احکام الهی پیروی کند و تقلید او از روی علم و معرفت است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، و الصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين
 محمد وآله الطيبين الطاهرين لا سيما بقیة الله فی الارضین، و اللعنة الدائمة
 على أعدائهم أجمعين.

احکام تقلید

اعتقاد انسان به اصول دین اسلام باید بر پایه علم باشد، و تقلید - یعنی پیروی از
 غیر بدون حصول علم - در اصول دین باطل است، ولی در غیر اصول دین از احکامی
 که قطعی و ضروری نیست و همچنین موضوعاتی که محتاج به استنباط است باید یا
 مجتهد باشد که بتواند وظایف خود را از روی مدرک آنها به دست آورد، و یا به دستور
 مجتهدی که شرایط آن خواهد آمد رفتار نماید، و یا احتیاط کند، یعنی به گونه ای عمل
 نماید که یقین پیدا کند تکلیف را انجام داده، مثلاً اگر عده ای از مجتهدین عملی را
 حرام می دانند و عده ای دیگر می گویند حرام نیست، آن عمل را ترك کند، و اگر عملی
 را بعضی واجب و بعضی جایز می دانند به جا آورد، پس کسانی که مجتهد نیستند و

نمی‌توانند به احتیاط عمل کنند باید تقلید نمایند.^(۱)



۱. بنابراین انسان باید در غیر ضروریات از فروع دین تقلید نماید؟

توضیح:

اصول دین عبارتند از: توحید، عدل، نبوت، معاد، امامت.

انسان باید به این اصول پنجگانه از روی علم و دلیل معتقد باشد، یعنی خودش باید از روی عقل و منطقی که خداوند متعال به او عنایت فرموده تشخیص دهد که این عالم دارای صانع و پروردگاری است و او عادل است و ظالم نیست و از برای او پیامبری است که دستوراتش را خود اجراء کند و به مردم برساند و برای پیامبرش جانشینی باید باشد و در نهایت بازگشت همه موجودات به سوی اوست.

فروع دین عبارتند از: نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر، تولی و تبری. اینها مجموعه‌ای از دستورات و احکام الهی در زندگی انسانهاست که با عمل به آنها، انسان می‌تواند سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت را برای خود تضمین نماید، و آنها بر دو قسم است:

الف - ضروری: آن دسته از احکامی که برای همه مسلمانان واضح است و برای فهمیدن آن نیاز به استنباط نیست. مانند اصل وجوب نماز و روزه، که در این قسم از احکام تقلید راه ندارد.

شناخت مجتهد و اعلم

مجتهد و اعلم^(۱) را از چند راه می‌توان شناخت:

- (اول) آن که خود انسان یقین کند، مثل آن که در مرتبه‌ای از علم باشد که بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.
- (دوم) آن که دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند،



ب - غیر ضروری: احکامی که برای همه روشن نیست و برای فهمیدن آن نیاز به استدلال و استنباط است. مثل احکام نماز و روزه، که در این قسم از احکام تقلید راه دارد.

سن تقلید

هرگاه بچه‌ای ممیز شود - یعنی به سنّی برسد که خوب و بد را تشخیص می‌دهد - می‌تواند تقلید نماید، ولی از زمانی که به سنّ بلوغ رسید اگر مجتهد نباشد و نخواهد به احتیاط عمل کند، تقلید کردن بر او واجب می‌شود.

سن بلوغ

نشانه‌های بلوغ یکی از موارد زیر است:

(اول) روییدن موی درشت زیر شکم بالای عورت در پسر.

(دوم) بیرون آمدن منی.

(سوم) تمام شدن پانزده سال قمری در پسر، و تمام شدن نُه سال قمری در دختر، و خون حیض دیدن در مورد دختری که معلوم نیست نُه سال او تمام شده یا نه.

نکته: تمام شدن پانزده سال قمری، حدود چهارده سال و شش ماه و هفده روز شمسی است، و تمام شدن نُه سال قمری، حدود هشت سال و هشت ماه و بیست و دو روز شمسی است، و باید توجه داشت که اگر یکی از سه نشانه بلوغ در انسان پیدا شد کافی است و لازم نیست هر سه نشانه با هم باشد، و روییدن موی درشت در صورت و پشت لب و در سینه و زیر بغل و درشت شدن صدا و مانند اینها نشانه بالغ شدن نیست، مگر انسان به واسطه اینها یقین یا اطمینان به بلوغ پیدا کند.

۱. یکی از شرایط مرجع تقلیدی که انسان از او پیروی می‌کند اعلم بودن است، و اعلم کسی است که در فهمیدن حکم خدا و وظایف مقررّه به حکم عقل و شرع از تمام مجتهدهای زمان خود بهتر باشد.

مجتهد یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند به شرط آن که دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نمایند، و اقوی ثبوت اجتهاد و اعلمیّت به گفته ثقه خبیر است در صورتی که ظنّ بر خلاف گفته او نباشد^(۱).

(سوم) آن که عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

به دست آوردن فتوا

به دست آوردن فتوای مجتهد چهار راه دارد:

(اول) شنیدن از خود مجتهد.

(دوم) شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل کنند.

(سوم) شنیدن از شخصی که مورد وثوق^(۲) است و ظنّ بر خلاف گفته او نیست،

یا به گفته او اطمینان دارد.

(چهارم) دیدن در رساله مجتهد در صورتی که انسان به درستی آن رساله اطمینان

داشته باشد.

عوض شدن فتوای مجتهد

تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است می‌تواند به آن عمل نماید، و

اگر احتمال دهد که فتوای او عوض شده جستجو لازم نیست.

فتوا و احتیاط واجب

اگر مجتهد اعلم در مسأله‌ای فتوا دهد، کسی که وظیفه‌اش تقلید از اوست نمی

۱. یعنی اجتهاد و اعلمیّت به گفته يك نفر مورد اطمینان که در مرتبه‌ای از علم باشد که بتواند مجتهد و اعلم را تشخیص دهد ثابت می‌شود در صورتی که گمان به خلاف گفته او نباشد.

۲. مورد اطمینان.

تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگری عمل کند، ولی اگر فتوا ندهد و بفرماید احتیاط آن است که فلان طور عمل شود - مثلاً بفرماید: احتیاط آن است که در رکعت سوم و چهارم نماز سه مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» مقلد باید به این احتیاط که احتیاط واجبش گویند عمل کند، یا به فتوای مجتهد دیگری که بعد از او از دیگران اعلم باشد و می‌گوید يك مرتبه کفایت می‌کند عمل نماید، و همچنین است اگر مجتهد اعلم بفرماید مسأله محل تأمل یا محل اشکال است.

وظیفه مقلد پس از فوت مرجع تقلید

سؤال: اگر مرجع تقلید از دنیا برود، وظیفه مقلد او چیست؟

جواب: اگر مجتهدی که وظیفه انسان تقلید از او بوده از دنیا برود، در صورتی که اعلم بودن مجتهد زنده از میت برایش ثابت شود، واجب است به مجتهد زنده رجوع کند، و در صورتی که اعلمیت مجتهد میت برایش ثابت بوده، تا زمانی که اعلم بودن مجتهد زنده برایش ثابت نشود باید به فتوای مجتهد میت عمل کند، چه در زمان حیات او التزام به عمل به فتوای او داشته یا نداشته باشد، و چه عمل به فتوای او کرده یا نکرده باشد، و چه فتوای او را یاد گرفته یا یاد نگرفته باشد.

یادگیری احکام

سؤال: آیا بر هر مکلفی واجب است که تمام مسائل شرعی را یاد بگیرد؟

جواب: خیر، فقط مسائلی را که انسان معمولاً به آنها مبتلا می‌شود واجب است یاد بگیرد.

اشتباه گفتن مسأله

اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود لازم نیست به او خبر دهد که فتوای آن مجتهد عوض شده، ولی اگر بعد از گفتن

فتوا بفهمد اشتباه کرده، در صورتی که مخالفت حکم الزامی^(۱) لازم بیاید و ممکن باشد باید اشتباه او را برطرف کند.

حکم اعمال کسی که تقلید نمی کرده

سؤال: شخصی چند سال از سنّ تکلیف او گذشته ولی مرجع تقلید ندارد،

آیا همه اعمال گذشته او باطل است؟

جواب: در صورتی اعمال او صحیح است که بداند آن اعمال را یا مطابق واقع یا

مطابق با فتوای مجتهدی که فعلاً وظیفه اش تقلید از اوست انجام داده است.

۱. حکم بر دو قسم است: الف - حکم الزامی که شامل وجوب و حرمت است. ب - حکم غیر الزامی که شامل استحباب و کراهت و اباحه می شود. پس اگر مسأله را به نحوی اشتباه گفته که آن شخص مرتکب فعل حرام می شود، یا اینکه واجبی را ترك می کند، باید به او بگوید.

احکام طهارت^(۱)

آب مطلق و آب مضاف

آب یا مطلق است یا مضاف، آب مضاف آبی است که آن را از چیزی بگیرند مثل آب هندوانه و گلاب، یا با چیزی مخلوط باشد مثل آبی که به قدری با گل یا مانند آن مخلوط شود که دیگر به آن آب نگویند، و غیر اینها آب مطلق است، و آن بر پنج قسم است: (اول) آب کر، (دوم) آب قلیل، (سوم) آب جاری، (چهارم) آب باران، (پنجم) آب چاه.

حکم آب مضاف

آب مضاف چیز نجس را پاک نمی‌کند و وضو و غسل هم با آن باطل است، و به

۱. از آنجا که در بسیاری از کارها انسان باید مسائل طهارت را رعایت نماید بر هر مکلفی لازم است نسبت به فراگیری این مسائل اقدام نماید. مثلاً در وضو باید اعضای وضو و آبیکه با آن وضو می‌گیرد پاک باشد، و همچنین در غسل در تیمم باید چیزی که روی آن تیمم می‌کند پاک باشد. در احکام اموات، در نماز، خوردن و آشامیدن، معاملات، حج و در موارد زیاد دیگری که در محل خودش به آنها پرداخته خواهد شد، لازم است مسائل طهارت و نجاست رعایت شود.

محض برخورد با نجاست نجس می شود.

مضاف } آب
 مطلق }
 کر }
 قلیل }
 جاری }
 باران }
 چاه }



مضاف (آب گل)



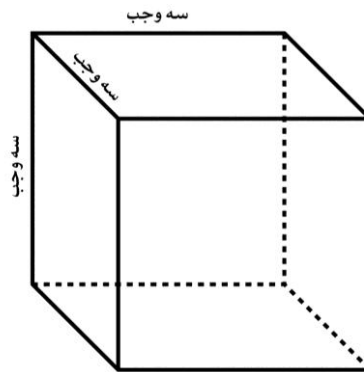
مطلق



مضاف
(آب میوه)

آب کُر

آب کُر مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر يك سه وجب است بریزند، آن ظرف را پُر کند.^(۱)



۱. مقدار آب کُر از جهت وزن تقریباً ۳۷۷ کیلو می باشد.



حکم آب کُر

اگر عین نجس مانند بول و خون یا چیزی که نجس شده است مانند لباس نجس به آب کُر برسد، چنانچه به واسطه نجاست بو یا رنگ یا مزه آب تغییر کند نجس می شود، و اگر تغییر نکند نجس نمی شود.

شک در کر بودن آب

آبی که به اندازه کر بوده، اگر انسان شك کند کمتر از کُر شده یا نه مثل آب کُر است، یعنی نجاست را پاک می کند و اگر نجاستی هم به آن برسد نجس نمی شود، و آبی که کمتر از کُر بوده اگر انسان شك کند به مقدار کُر شده یا نه حکم آب کمتر از کُر را دارد.

آب قلیل

آب قلیل آبی است که از زمین نجو شد و از کُر کمتر باشد.^(۱)



۱. مثل آب پارچ، آب آفتابه، آب لیوان و....

حکم آب قلیل

اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد یا چیز نجس به آن برسد نجس می‌شود، ولی اگر با فشار روی چیز نجس بریزد، مقداری که به آن چیز می‌رسد نجس است، و مقداری که به آن نرسیده پاک است.^(۱)



غساله

سؤال: اگر آب قلیل را روی چیز نجس بریزیم، آبی که از آن جدا می‌شود (غساله) چه حکمی دارد؟

جواب: آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته شود و از آن جدا گردد نجس است، و بنابر احتیاط واجب از آب قلیلی که بعد از برطرف شدن عین نجاست برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می‌ریزند و از آن جدا

۱. مثلاً اگر آب لیوان روی زمین نجس بریزد، یا یک قطره خون در آب لیوان بیفتد تمام آب لیوان نجس می‌شود. ولی اگر مقداری از آب لیوان از بالا روی زمین نجس بریزد و مقداری در لیوان باقی بماند، مقداری که در لیوان مانده پاک و مقداری که روی زمین ریخته نجس است.

می شود، اجتناب کنند.^(۱)



آب جاری

آب جاری آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد، مانند آب چشمه و

قنات.



۱. مثلاً اگر دست انسان آلوده به خون باشد، آن مقدار از آب قلیل - مثل آب آفتابه - که روی آن می‌ریزد و از آن جدا می‌شود نجس است، ولی چنانچه عین خون به واسطه دستمال و مانند آن برطرف شد و بعد آب قلیل را روی دست بریزند، و از آن جدا گردد، بنابر احتیاط واجب آن آب نجس است، هر چند خود دست پاک شده است.

حکم آب جاری

آب جاری اگر چه کمتر از گُر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی که بویا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.

سؤال: آب لوله‌کشی در ساختمانها چه آبی حساب می‌شود؟

جواب: آب لوله‌های حمام و عمارات^(۱) که از شیرها و دوشها می‌ریزد، اگر متصل به مخزنی باشد که آب آن کمتر از گُر نباشد حکم آب جاری را دارد.



آب باران

اگر به چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست يك مرتبه باران بیارد، جایی که باران به آن برسد پاک می‌شود، و در فرش و لباس و مانند اینها فشار لازم نیست، ولی باریدن دو سه قطره فایده ندارد، بلکه باید طوری باشد که بگویند باران می‌آید، و بنابر احتیاط واجب به اندازه‌ای باشد که اگر در زمین سخت بیارد جریان داشته باشد.

۱. ساختمانها

زمین نجسی که باران بر آن ببارد پاک می‌شود، و اگر باران بر زمین جاری شود و در حال باریدن به جای نجسی که زیر سقف است برسد، آن را نیز پاک می‌کند.



آب چاه

آب چاهی که از زمین می‌جوشد اگر چه کمتر از کُر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی که بویا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.



احکام تخلی^(۱)

سؤال: هنگام دستشویی رفتن چه نکاتی باید رعایت شود؟

جواب: ۱- واجب است مکلف وقت تخلی و مواقع دیگر عورت خود را از کسانی که خوب و بد را تشخیص می دهند بپوشاند اگرچه با او محرم باشند، چه مکلف باشند و چه غیر مکلف.^(۲)

۲- موقع تخلی باید طرف جلوی بدن یعنی شکم و سینه رو به قبله و پشت به قبله نباشد. و احتیاط مستحب آن است که بچه را نیز در وقت تخلی رو به قبله یا پشت به قبله نشانند.

سؤال: روش آب کشیدن مخرج ادرار چگونه است؟

جواب: مخرج ادرار با غیر آب پاک نمی شود، و در گُر و جاری يك مرتبه شستن

۱. دستشویی رفتن.

۲. غیر از زن و شوهر.

کافی است، ولی با آب قلیل بنابر احتیاط واجب باید دو مرتبه شُست.

سؤال: روش آب کشیدن مخرج مدفوع چگونه است؟

جواب: اگر مخرج مدفوع را یکبار با آب بشویند که دیگر نجاستی در آن نماند پاک می‌شود. - چه با آب کر و چه با آب قلیل و چه با آب جاری. و همچنین با دستمال کاغذی و سنگ و کلوخ و پارچه و مانند اینها اگر خشک و پاک باشند، می‌شود مخرج غایط را تطهیر کرد، و چنانچه رطوبت کمی داشته باشند که به مخرج نرسد اشکال ندارد.

استبراء

استبراء عملی است که مردها بعد از بیرون آمدن بول انجام می‌دهند، برای آن که اگر بعداً رطوبتی از مجرا خارج شود حکم بول را نداشته باشد، و آن دارای اقسامی است، و بهترین آنها این است که بعد از قطع شدن بول، سه دفعه با انگشت میانه دست چپ از مخرج غایط تا بیخ آلت بکشند و بعد انگشت شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارند و سه مرتبه تا ختنه‌گاه بکشند و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهند.

سؤال: آیا زنها هم استبراء دارند؟

جواب: برای زن استبراء از ادرار نیست، و اگر رطوبتی ببیند وشک کند که ادرار است یا نه، پاک می‌باشد و وضو و غسل او را هم باطل نمی‌کند.

نجاسات

نجاسات ده چیز است که به آن عین نجاسات هم گفته می‌شود:

(اول): بول (ادرار) (دوم): غایط (مدفوع)

(سوم): منی (چهارم): مردار

(پنجم): خون	(ششم): سگ
(هفتم): خوک	(هشتم): کافر
(نهم): شراب	(دهم): فقاع ^(۱)

۱- ۲- ادرار و مدفوع

ادرار و مدفوع انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد - یعنی اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند - نجس است، و غایط حیوان حرام گوشتی که خون جهنده ندارد مثل ماهی حرام گوشت و همچنین فضله حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارند پاک است، و بنابر احتیاط مستحب از بول حیوان حرام گوشتی که خون جهنده ندارد اجتناب شود.

سؤال: حکم فضله پرندگان چیست؟

جواب: بول و فضله پرندگان - چه حلال گوشت و چه حرام گوشت - پاک است، ولی بهتر است از ادرار و فضله پرندگان حرام گوشت اجتناب شود.

۱. همه چیز در عالم پاک است مگر ده چیز که به خودی خود نجس است و به آنها عین نجاست گفته می‌شود. و چیزی که ذاتاً پاک است ولی در اثر برخورد با عین نجاست آلوده شده است را متنجس می‌گویند، مثلاً اگر قطره‌ای خون روی دست ما بریزد، خود خون عین نجاست و دست ما متنجس است.

حکم ادرار و مدفوع حیوانات

خون جهنده دارند؛ مثل گاو، گوسفند، مرغ، کبوتر و... که ادرار و مدفوع آنها پاک است.



خون جهنده ندارند؛ مثل ماهی پولک دار و میگو. که ادرار و مدفوع آنها پاک است.



حلال
گوشت

خون جهنده دارند؛ مثل گربه، خرگوش، موش و... که ادرار و مدفوع آنها نجس است.



ولی پرندگان حرام گوشت - مثل کلاغ و عقاب - ادرار و فضله‌ی آنها پاک است.



حرام
گوشت

خون جهنده ندارند؛ مثل ماهی حرام گوشت، مار، لاک پشت و...، که ادرار و مدفوع آنها پاک است ولی بنا بر احتیاط مستحب از ادرار آنها اجتناب شود.



حیوانات

۳- منی

منی انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد نجس است، و همچنین بنا بر احتیاط واجب منی حیوان حلال گوشتی که خون جهنده دارد.

۴- مردار

مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است، چه خودش مُرده باشد یا کشتن آن به دستوری که در شرع معین شده نباشد، و ماهی چون خون جهنده ندارد اگرچه در آب بمیرد پاک است.

چیزهایی که روح ندارند از مرده‌ای که زنده آن نجس العین نیست، مانند پشم، مو و کرک پاک است.^(۱)



سؤال: حکم داروها و لوازم آرایشی و مانند اینها که از کشورهای خارجی می‌آورند چیست؟

جواب: دواجات روان و عطر و روغن و واکس و صابون که از ممالک کفر

۱. سگ و خوک و کافر نجس العین هستند.

می‌آورند، اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد پاك است.



۵- خون

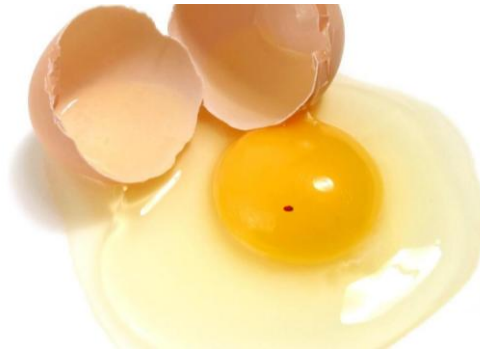
خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد نجس است، و خون حیوانی که خون جهنده ندارد - مانند پشه و ماهی - پاك است.



خون در تخم مرغ

خونی که در زرده تخم مرغ پیدا می‌شود خوردن آن حرام و بنا بر احتیاط محکوم به

نجاست است.



خون مردگی

خونی که به واسطه کوبیده شدن زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند^(۱) پاک، و اگر به آن خون بگویند نجس است، و چنانچه پوست پاره شود و چیزی با آن ملاقات کند آن چیز نجس می‌شود، و در این صورت اگر بیرون آوردن خون و تطهیر محل جهت وضو یا غسل حرجی باشد^(۲)، باید تیمم نماید.



۱. مثلاً تبدیل به جرم جامد سیاهی بشود که دیگر به آن خون گفته نشود.
۲. حرجی باشد: یعنی آنقدر سخت باشد که عرفاً قابل تحمل نیست.

اگر انسان نداند که خون زیر پوست مُرده یا گوشت به واسطه کوبیده شدن به آن حالت در آمده، پاک است.

سؤال: گاهی اطراف زخم مایع زردرنگی دیده می‌شود، آیا نجس است؟

جواب: زردابه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است، پاک می‌باشد.

۶-۷- سگ و خوک

سگ و خوک که در خشکی زندگی می‌کنند - حتی مو و استخوان و ناخن و رطوبت‌های آنها نجس است - ولی سگ و خوک دریایی پاک است.



۸- کافر

کافر (یعنی کسی که منکر خدا یا رسالت حضرت خاتم الانبیاء ﷺ یا معاد

است، یا شك در خدا و رسول است، یا برای خدا شريك قرار می‌دهد یا در وحدانیت خدا شك دارد) نجس است، و همچنین است خوارج - یعنی کسانی که بر امام معصوم علیه السلام خروج کنند - و غلات - یعنی آنهایی که قائل به خدایی یکی از ائمه علیهم السلام می‌باشند یا بگویند خدا در او حلول کرده است - و نواصب - یعنی کسانی که دشمن یکی از ائمه علیهم السلام یا حضرت زهراء علیها السلام باشند - و کسی که یکی از ضروریات دین را - مثل نماز و روزه - با علم به اینکه ضروری دین است منکر شود.^(۱)



۱. طبق این مسأله افراد زیر کافر و نجس هستند:

(اول) کسی که می‌گوید خدایی وجود ندارد. (دوم) کسی که می‌گوید پیامبر اسلام وجود نداشته است.

(سوم) کسی که منکر معاد است. (چهارم) کسی که در وجود خدا شك دارد.

(پنجم) کسی که در وجود پیامبر اسلام شك دارد.

(ششم) کسی که می‌گوید خدا وجود دارد ولی برای او شريك قرار می‌دهد.

(هفتم) کسی که شك دارد خدا یگانه است. (هشتم) خوارج.

(نهم) غلات. (دهم) نواصب.

(یازدهم) منکر ضروری دین، در صورتی که انکار آن به انکار رسالت برگردد. مثلاً با اینکه می‌داند نماز

ضروری دین است باز بگوید نماز جزء دین نیست.

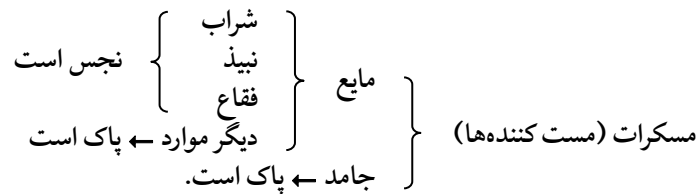
سوال: آیا یهودیها و مسیحیها نجس هستند؟

جواب: اهل کتاب - یعنی یهود و نصاری - پاک هستند، هر چند بهتر است از آن اجتناب شود.

نکته: شخصی که به یکی از چهارده معصوم علیهم السلام از روی دشمنی دشنام دهد نجس است.

۹- شراب

شراب و نیبذ مسکر نجس است، و در غیر این دو از مسکرات مایع بجز فقاغ - که حکم آن خواهد آمد - احتیاط مستحب اجتناب است، و اگر مثل بنگ و حشیش روان نباشد پاک است اگرچه چیزی در آن بریزند که روان شود.^(۱)



الکل صنعتی

الکل صنعتی که برای رنگ کردن در و پنجره و میز و صندلی و مصارف دیگر به کار می‌برند، تمام اقسامش پاک است. و همچنین است الکل طبّی اگر از مواد نجس درست نشده باشد.

انگور و آب انگور

اگر انگور یا آب انگور به واسطه پختن جوش بیاید، پاک ولی خوردن آن حرام

۱. استفاده کردن از همه مواد مست کننده حرام است، ولی بعضی از اقسام آن نجس و بعضی دیگر پاک می‌باشد.

است، و اگر به غیر آتش جوش بیاید خوردن آن حرام و بنا بر احتیاط نجس است.



کشمش

خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگر چه جوش بیایند پاک و خوردن آنها حلال است.



مویز



خرما



خرما



کشمش

۱۰- فقاہ

فقاہ که از جو گرفته می شود و به آن آبجو می گویند نجس است، ولی آبی که به دستور طیب از جو می گیرند و به آن (ماء الشعیر) می گویند پاک می باشد.

شک در نجاست

اگر به واسطه ندانستن مسأله، نجاست و طهارت چیزی را نداند، مثلاً نداند خون پاک است یا نه، باید مسأله را بپرسد و تا زمانی که سؤال نکرده باید احتیاط کند، و اگر با اینکه مسأله را می داند در چیزی شک کند که پاک است یا نه، مثلاً شک کند که آن چیز خون است یا نه، یا بداند خون است و نداند خون پشه است یا خون انسان، پاک است و پرسیدن لازم نیست.^(۱) و چیز نجسی که انسان شک دارد پاک شده یا نه، نجس است، و چیز پاک را اگر شک کند نجس شده یا نه، پاک است، و اگر هم بتواند نجس یا پاک بودن آن را بفهمد لازم نیست واری کند.

سرایت کردن نجاست

اگر چیز پاک به چیز نجس برسد و هر دو یا یکی از آنها به طوری تر باشد که تری یکی به دیگری برسد، چیز پاک نیز نجس می شود، و اگر تری به قدری کم باشد که به دیگری نرسد، چیزی که پاک بوده نجس نمی شود.

۱. هر مسأله شرعی دارای يك موضوع و يك حکم است. مثلاً در مسأله (خون نجس است) خون موضوع، و نجاست حکم آن می باشد. اگر کسی نمی داند که خون نجس است یا پاک، لازم است این حکم شرعی که مورد نیاز اوست را بپرسد و یاد بگیرد، ولی اگر حکم را می داند ولی در موضوع شک دارد، جستجو و پرسیدن برای فهمیدن موضوع لازم نیست. مثلاً کسی که لکه قرمزی به لباس خود می بیند و نمی داند که آن لکه خون است یا چیز دیگر، لازم نیست بررسی کند. و یا اگر بداند که فضله موش نجس است ولی نمی داند دانه سیاهی که در ظرف برنج است فضله موش است یا چیز دیگر، لازم نیست بررسی کند و از دیگران بپرسد و برنج برای او پاک حساب می شود.

خوردن چیز نجس و خوراندن آن به دیگران

خوردن و آشامیدن چیز نجس و متنجس حرام است، و همچنین است خوراندن آن به دیگری، ولی خوراندن متنجس به طفل یا دیوانه جایز است، و اگر خود طفل یا دیوانه متنجس را بخورد یا با دست نجس غذا را نجس کند و بخورد، جلوگیری از او لازم نیست. و اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می خورد یا با لباس نجس نماز می خواند لازم نیست به او بگوید.

مطهرات (پاک کننده ها)

دوازده چیز نجاست را پاک می کند که بعضی از آنها عبارتند از:

۱- آب



آب با چهار شرط چیز نجس را پاک می کند:

(اول) آن که مطلق باشد، پس آب مضاف مانند گلاب و عرق بید چیز نجس را

پاک نمی کند.

(دوم) آن که پاک باشد.

(سوم) آن که وقتی چیز نجس را با آن می‌شویند آب مضاف نشود، و در شستنی که بعد از آن شستنِ دیگر لازم نیست باید بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکند و در غیر آن شستن تغییر ضرر ندارد، مثلاً اگر چیزی دو دفعه شستن در او لازم باشد، در دفعه اول اگر چه تغییر کند، و در دفعه دوم به آبی تطهیر کند که تغییر نکند، پاک می‌شود. (چهارم) آن که بعد از آب کشیدن چیز نجس، عین نجاست در آن نباشد، و پاک شدن چیز نجس با آب قلیل یعنی آب کمتر از کُر- شرطهای دیگری هم دارد.

آب کشیدن ظرفها

اگر داخل ظرف نجس شود با آب قلیل باید سه مرتبه شُست و در کُر و جاری يك مرتبه کافیت.^(۱)



۱. البته اگر سگ یا خوک از ظرف مایعی بخورد یا ظرفی به شراب نجس شود یا موش صحرائی در آن مرده باشد نحوه آب کشیدن آن متفاوت است.

سؤال: روش آب کشیدن ظرف نجس با آب قلیل چگونه است؟

جواب: ظرف نجس را با آب قلیل دو گونه می شود آب کشید، یکی آن که سه مرتبه پُر کنند و خالی کنند، و دیگر آن که سه دفعه قدری آب در آن بریزند و در هر دفعه آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند.

آب کشیدن لباس و فرش

اگر چیز نجس را یک مرتبه در آب گُر یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد پاک می شود، و در فرش و لباس و مانند اینها فشار یا مانند آن - از مالیدن یا با پا لگد کردن - لازم است، و در صورتی که لباس و مانند آن متنجس به بول باشد در آب جاری و گُر یک مرتبه شستن کفایت می کند.



شستشو با آب جاری



شستشو با آب گُر

اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده با آب قلیل آب بکشند، چنانچه يك مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود، در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد، يك مرتبه دیگر که آب روی آن بریزند پاك می شود، ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید بعد از هر دفعه به فشار و مانند آن غُساله آن بیرون آید. (و غساله آبی است که معمولاً در وقت شستن و بعد از آن از چیزی که سُسته می شود خود به خود یا به وسیله فشار و مانند آن می ریزد.)



شستشو با آب قلیل

سؤال: چیزی که به ادرار پسر شیرخوار نجس شده چگونه پاک می شود؟

جواب: اگر چیزی به بول پسر شیرخواری که غذاخور نشده نجس شود، چنانچه يك مرتبه آب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس آن برسد پاك می شود، ولی احتیاط مستحب آن است که يك مرتبه دیگر آب روی آن بریزند، و در لباس و مانند اینها فشار لازم نیست.

سؤال: چیزی که به غیر ادرار - مثل خون - نجس شده چگونه با آب قلیل پاک می شود؟

جواب: در متنجس به غیر بول، کیفیت تطهیر آن به آب قلیل این است که با اِزاله^(۱) عین نجاست، يك مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود و احتیاط واجب آن است که آب ریختن بعد از ازاله عین نجاست باشد، ولی باید در مثل لباس غساله آن به فشار و مانند آن بیرون آید.

باقی ماندن رنگ نجاست

سؤال: اگر چیز نجسی را آب بکشیم ولی رنگ نجاست کاملاً برطرف نشود

۱. یعنی بر طرف کردن.

چه حکمی دارد؟

جواب: هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن برطرف نکنند پاک نمی شود، ولی چنانچه بوی یا رنگ نجاست در آن مانده باشد اشکال ندارد، پس اگر خون را از لباس برطرف کنند و آن را آب بکشند اگرچه رنگ خون در آن بماند پاک می باشد، اما چنانچه به واسطه بوی یا رنگ احتمال دهند که ذره های نجاست در آن چیز مانده، نجس است.



آب کشیدن بدن

اگر نجاست بدن را در آب گُر یا جاری برطرف کنند بدن پاک می شود، و تعدّد شستن حتی در بول لازم نیست.



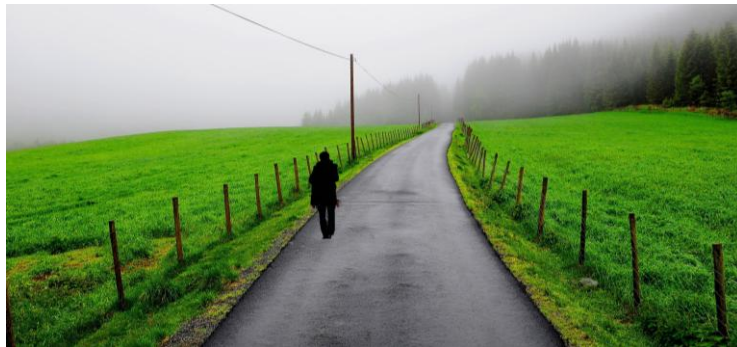
۲- زمین

زمین با سه شرط کف پا و ته کفش را که به راه رفتن یا پا گذاشتن بر زمین نجس، نجس شده پاک می‌کند:



(اول) آن که زمین پاک باشد. (دوم) آن که خشک باشد. (سوم) آن که اگر عین نجس - مانند خون و بول - یا متنجس - مثل گلی که نجس شده - در کف پا و ته کفش باشد، به واسطه راه رفتن یا مالیدن به زمین برطرف شود، و نیز زمین باید خاک یا سنگ یا آجر فرش و مانند اینها باشد، و با راه رفتن روی فرش و حصیر و سبزه و مانند اینها کف پا و ته کفش نجس پاک نمی‌شود.

پاك شدن كف پا و ته كفش نجس به واسطه راه رفتن روی آسفالت و روی زمینی که با چوب فرش شده محل اشکال است.



لازم نیست كف پا یا ته كفش نجس تر باشد، بلکه اگر خشك هم باشد به راه رفتن پاك می شود.

۳- آفتاب

آفتاب زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند در و پنجره در ساختمان به کار بُرده شده و همچنین میخی را که به دیوار کوبیده اند با پنج شرط پاك می کند:



(اول) آن که چیز نجس تر باشد، پس اگر خشک باشد باید به وسیله‌ای آن را تر کنند تا آفتاب آن را خشک کند.

(دوم) آن که اگر عین نجاست در آن چیز باشد پیش از خشک شدن به تابیدن آفتاب آن را برطرف کنند.

(سوم) آن که چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند اینها بتابد و چیز نجس را خشک کند، آن چیز پاک نمی‌شود، ولی اگر آن چیز به قدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند اشکال ندارد.

(چهارم) آن که آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند، پس اگر مثلاً چیز نجس به واسطه باد و آفتاب خشک شود پاک نمی‌گردد، ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده اشکال ندارد.

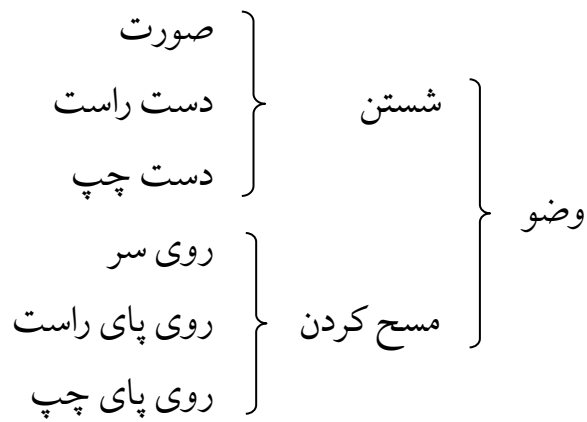
(پنجم) آن که آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته یک مرتبه خشک کند، پس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشک کند، و دفعه دیگر زیر آن را خشک نماید فقط روی آن پاک می‌شود و زیر آن نجس می‌ماند.

۴- برطرف شدن عین نجاست

اگر بدن حیوان به عین نجس مثل خون یا متنجس مثل آب نجس آلوده شود، چنانچه آنها برطرف شود بدن آن حیوان پاک می‌شود، و همچنین است باطن بدن انسان مثل توی دهان و بینی، مثلاً اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در آب دهان از بین برود آب کشیدن توی دهان لازم نیست، ولی اگر دندان مصنوعی در دهان با خون دهان ملاقات کند بنا بر احتیاط باید آن را آب کشید.

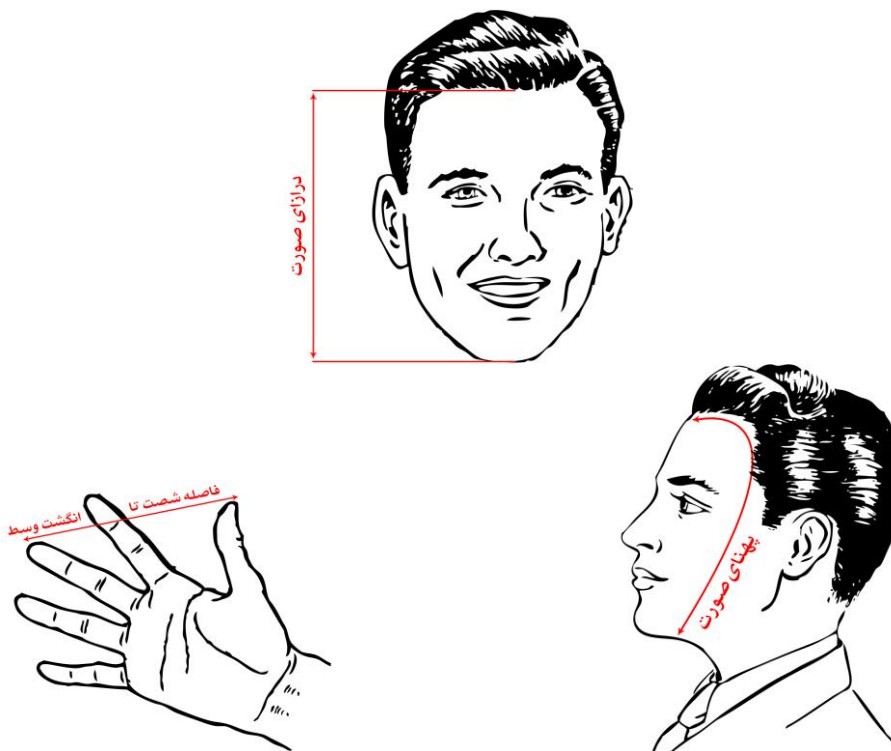
وضو

در وضو واجب است صورت و دستها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح نمایند.

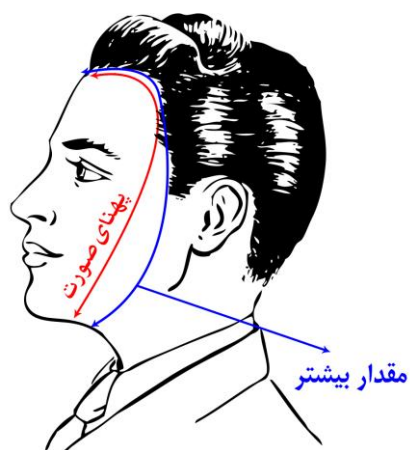


شستن صورت و دستها

درازای صورت که از بالای پیشانی - جایی که موی سر می‌روید - تا آخر چانه است باید شست، و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می‌گیرد باید شسته شود.

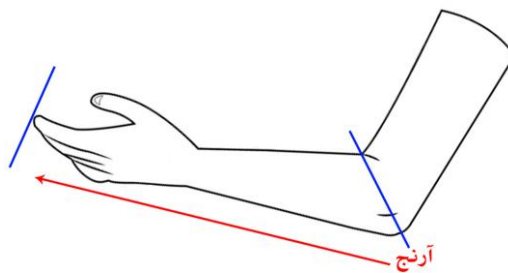


و برای آن که یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده باید کمی از اطراف آن را هم بشوید.

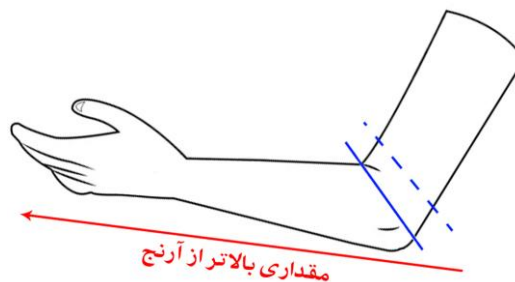


نشستن دستها

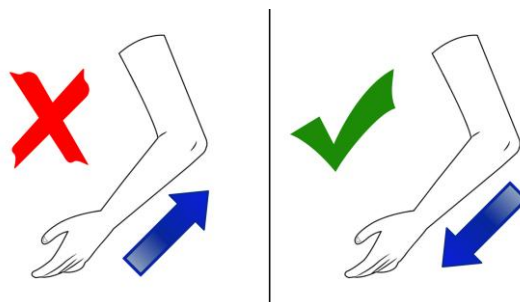
بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید.



برای آن که یقین کند آرنج را کاملا شسته باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.



باید دستها را از بالا به پایین شست، و اگر از پایین به بالا بشوید باطل است، و همچنین صورت را بنا بر احتیاط واجب.



مسح سر

بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، و احتیاط واجب آن است که مسح با باطن کف دست راست باشد، و بنا بر احتیاط مستحب مسح را از بالا به پایین انجام دهد.



محل مسح سر

یک قسمت از چهار قسمت سر، که مقابل پیشانی است جای مسح می باشد، و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است، و مستحب است که اندازه مسح از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته باشد، و بهتر است از درازا به اندازه درازای یک انگشت باشد.

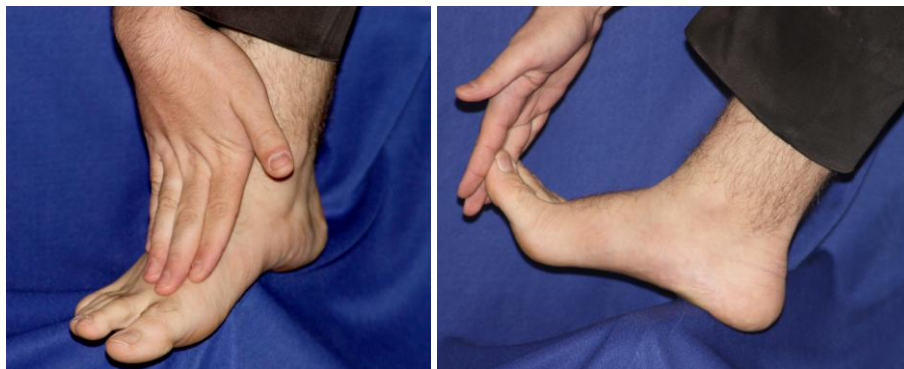


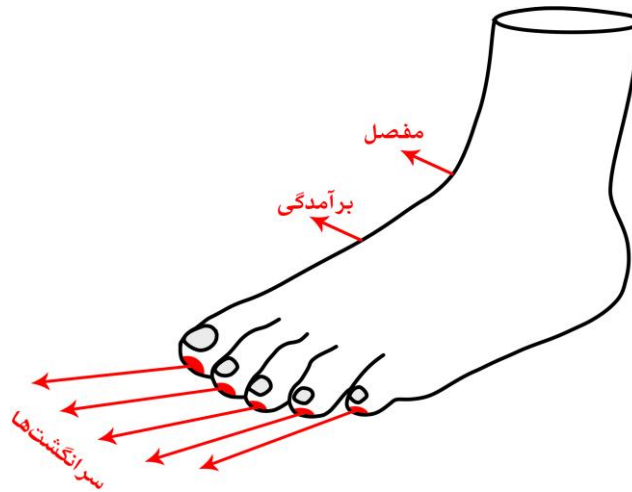
مسح بر موهای سر

لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه‌ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می‌ریزد یا به جاهای دیگر سر می‌رسد، باید بیخ موها را مسح کند، یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید، و اگر موهایی را که به صورت می‌ریزد یا به جای دیگر سر می‌رسد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید یا بر موی جاهای دیگر سر که جلوی آن آمده مسح کند، چنین مسحی باطل است.

مسح روی پاها

بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده است روی پاها را مسح کند، و اندازه واجب آن از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا است، و احتیاط مستحب آن است که تا مفصل مسح نماید، و احتیاط واجب آن است که پای راست را مقدم بر پای چپ بدارد، و همچنین پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح نماید.





پهنای مسح پا

پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است، ولی افضل^(۱) آن است که تمام روی پا را با تمام کف دست مسح نماید.

چند نکته:

- ۱- در مسح سر و روی پا باید دست را روی آنها بکشد، نه آن که دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد، ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا مختصری حرکت کند اشکال ندارد.
- ۲- جای مسح باید خشک باشد، و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند مسح باطل است، ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می شود عرفاً بگویند فقط از تری کف دست است اشکال ندارد.

۱. بهتر.

۳- مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است.



شرایط صحّت وضو

شرایط صحیح بودن وضو چند چیز است:

(اول) آن که آب وضو پاک باشد.

(دوم) آن که مطلق باشد.

(سوم) آن که آب وضو مباح^(۱) باشد، و بنابر احتیاط واجب فضایی که در آن وضو

می‌گیرد نیز مباح باشد.

(چهارم) آن که ظرف آب وضو مباح باشد.

(پنجم) آن که ظرف آب وضو بنابر احتیاط واجب طلا و نقره نباشد.

(ششم) آن که اعضای وضو موقع شستن و مسح کردن پاک باشد.

(هفتم) آن که وقت برای وضو و نماز کافی باشد. بنابراین، هرگاه وقت به قدری

تنگ باشد که اگر وضو بگیرد تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود،

۱. یعنی غصبی نباشد.

باید تیمم کند، ولی اگر برای وضو و تیمم يك اندازه وقت لازم است باید وضو بگیرد.

(هشتم) آن که به قصد قربت و با اخلاص وضو بگیرد.

(نهم) آن که وضورا به ترتیبی که بیان شد به جا آورد. یعنی اول صورت و بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح نمایید، و اگر به این ترتیب وضو نگیرد باطل است و بنابراین احتیاط واجب - پای چپ را بعد از پای راست مسح کند.

(دهم) آن که کارهای وضورا پشت سر هم انجام دهد.

(یازدهم) آن که شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها را خود انسان انجام دهد، و اگر دیگری او را وضو دهد، یا در شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک نماید، وضو باطل است.

(دوازدهم) آن که استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد. پس کسی که می‌ترسد که اگر وضو بگیرد مریض شود نباید وضو بگیرد.

(سیزدهم) آن که در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد.

احکام وضو

۱- کسی که در کارهای وضو و شرایط آن خیلی شك می‌کند، در صورتی که به حدّ وسواس برسد باید به شك خود اعتنا نکند.

۲- اگر شك کند که وضوی او باطل شده یا نه، بنا می‌گذارد که وضوی او باقی است، ولی اگر بعد از بول استبراء نکرده و وضو گرفته باشد، و بعد از وضو رطوبتی از او بیرون آید که نداند بول است یا چیز دیگری، وضوی او باطل است.

۳- کسی که شك دارد وضو گرفته یا نه باید وضو بگیرد.

چیزهایی که باید برای آنها طهارت از حدث داشت^(۱)

برای شش چیز باید وضو گرفت که سه مورد آن عبارتند از:

(اول) برای نمازهای واجب غیر از نماز میت، و برای نمازهای مستحب وضو شرط صحت است.^(۲)

(دوم) برای سجده و تشهد فراموش شده و دو سجده سهوی که برای تشهد فراموش شده بجا می‌آورد، و اگر بین آنها و نماز حدثی از او سرزد - مثلاً بول کرده باشد - بنا بر احتیاط واجب نماز را اعاده کند^(۳)، ولی برای سجده سهو در غیر موردی که ذکر شد واجب نیست وضو بگیرد.

(سوم) اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، در صورتی که آن نذر صحیح باشد^(۴)، مانند بوسیدن قرآن.

-
۱. یعنی کارهایی که انسان باید برای آنها وضو بگیرد یا غسل کند یا بجای وضو و غسل تیمم نماید.
 ۲. چون خود نماز مستحب است وضو گرفتن واجب نیست ولی اگر بخواهد آن عمل به طور صحیح انجام شود باید وضو بگیرد.
 ۳. یعنی دوباره بخواند.
 ۴. کاری را که انسان نذر می‌کند انجام بدهد باید انجام دادن آن از ترکش بهتر باشد. ولی اگر هر دو مساوی باشند نذر باطل است. مس خط قرآن هم اگر از جهتی بهتر باشد - مثل بوسیدن خط قرآن یا دست زدن به آن به قصد تیمن و تبرک - نذر صحیح است. و الا اگر فقط صرف دست زدن باشد، انجام دادن این کار با ترك آن مساوی است و نذر باطل است.

دست زدن به نوشته قرآن



مس نمودن خط قرآن - یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن - برای کسی که وضو ندارد حرام است و اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگری ترجمه کنند مس آن در غیر اسم ذات و اسماء صفات^(۱) خداوند متعال اشکال ندارد. و همچنین کسی که وضو ندارد - بنا بر احتیاط واجب - نباید اسم ذات و اسماء صفات خداوند متعال را به هر زبانی که نوشته شده باشد مس نماید، و احتیاط مستحب آن است که اسماء مبارکه چهارده معصوم علیهم السلام را هم بدون وضو مس ننماید.

وضو گرفتن قبل از وقت

اگر پیش از وقت نماز به قصد اینکه با طهارت باشد وضو بگیرد یا غسل کند، صحیح است، و اگر نزدیک وقت نماز هم به قصد مهیا بودن برای نماز وضو بگیرد اشکال ندارد، بلکه مستحب است.^(۲)

۱. اسم ذات، لفظ جلاله الله است و اسماء صفات مثل رحمن و رحیم و....

۲. بنابراین اگر کسی مثلاً ساعت ده صبح فقط به قصد وضوی واجب برای نماز ظهر و عصر وضو بگیرد وضوی او باطل است.

سؤال: برای چه کارهایی وضو گرفتن مستحب است؟

جواب: مستحب است انسان برای اموری که وضو هر چند شرط صحت آنها نیست ولی در کمال آنها معتبر است وضو بگیرد.^(۱)

مانند مناسک حج به غیر از طواف واجب و نماز طواف - که وضو در آن دو شرط صحت است - و همچنین برای نماز میت و ادخال میت در قبر و رفتن به مسجد و برای خواندن قرآن و نوشتن آن و برای خوابیدن، و نیز مستحب است کسی که وضو دارد دوباره وضو بگیرد.

و هرگاه برای یکی از این کارها وضو بگیرد می تواند هر کاری را که باید با وضو انجام داد بجا آورد مثلاً می تواند با آن وضو نماز بخواند یا طواف واجب انجام دهد.^(۲)

۱.

<p>الف - وضو برای آن واجب است و بدون وضو آن عمل باطل است. مثل نمازهای واجب.</p> <p>ب - وضو واجب نیست ولی اگر بدون وضو انجام شود باطل است. مثل نمازهای مستحب.</p> <p>ج - وضو برای آن واجب نیست و اگر بدون وضو هم انجام شود صحیح است ولی چنانچه با وضو بجا آورده شود ثواب آن بیشتر است. مثل خواندن قرآن.</p>	}	<p>کارهایی که برای آنها وضو می گیریم سه دسته است:</p>
--	---	---

۲. وضو گرفتن به خودی خود مستحب است و به طور کلی اگر انسان برای هر کار واجب یا مستحب وضو بگیرد، تا زمانی که آن وضو باطل نشده است می تواند با آن وضو هر کار واجب یا مستحب دیگری را انجام دهد. بنابراین اگر کسی برای نماز صبح وضو بگیرد و این وضو تا اذان ظهر باطل نشود، می تواند با همان وضو نماز ظهر را بخواند. و یا اگر کسی برای قرآن خواندن وضو گرفت چنانچه آن وضو تا وقت نماز باطل نشود می تواند با همان وضو نمازش را هم بخواند.

چیزهایی که وضو را باطل می کند

هفت چیز وضو را باطل می کند:

(اول و دوم) ادرار و مدفوع.

(سوم) باد روده در صورتی که بر آن یکی از دو اسم مخصوص گفته شود.

(چهارم) خواب، و وقتی محقق می شود که گوش نشنود.

(پنجم) چیزهایی که عقل را از بین می برد مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی.

(ششم) استحاضه زنان. (هفتم) جنابت.

وضوی جبیره

چیزی که با آن زخم و شکسته را می بندند، و دویایی که روی زخم و مانند آن می

گذارند جبیره نامیده می شود.



اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب ضرر ندارد باید به طور معمول وضو گرفت.

اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد، چنانچه باز کردن آن مشقت ندارد و

آب هم برای آن ضرر ندارد، باید باز کند و وضو بگیرد، چه زخم و مانند آن در صورت و دستها باشد، یا جلوی سر و روی پاها باشد.

اگر زخم یا شکستگی که بسته است در صورت و دستها باشد، چنانچه باز کردن یاریختن آب روی آن ضرر یا مشقت دارد، باید مقداری را که ضرر و مشقت ندارد از اطراف شسته و روی جبیره را مسح کند^(۱).



اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها یا تمام هر دو دست را گرفته باشد، احتیاط واجب آن است که جمع کند بین وضوی جبیره‌ای و تیمم^(۲).

اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد^(۳)، بنا بر احتیاط واجب جمع کند بین وضوی جبیره و تیمم.

۱. مسح کردن یعنی کف دست را با آب خیس کند و روی جبیره دست دیگر یا روی جبیره صورتش بکشد. بنابراین اگر دست کسی بخاطر شکستگی گچ گرفته باید با کف دست دیگر روی گچ، دست تر بکشد و باید مقداری از دست - مثل نوک انگشتان - که بیرون از گچ است را مثل همیشه که وضو می‌گیرد بشوید.
۲. یعنی بنا بر احتیاط واجب هم وضوی جبیره بگیرد و هم تیمم نماید.
۳. یعنی هم صورت و هم دستها و هم جلوی سر و هم روی پاها جبیره بسته باشد و باز کردن هم ممکن نباشد.

سؤال: اگر در کف دست جبیره باشد چگونه باید مسح کند؟

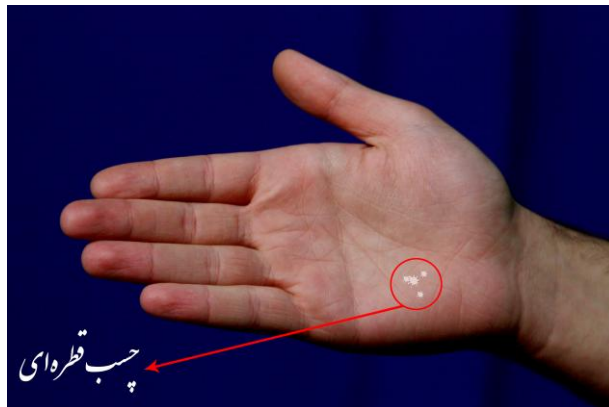
جواب: کسی که در کف دست و انگشتها جبیره دارد، و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است، سر و پاها را با همان رطوبت مسح کند.

سؤال: اگر زخم و مانند آن در اعضای وضو نباشد و به جهت دیگری آب ضرر داشته باشد وظیفه انسان برای وضو چیست؟

جواب: اگر در اعضای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست ولی به جهت دیگری آب برای آنها ضرر دارد باید تیمم کند.

سؤال: با چسب قطره‌ای کار می‌کردم که مقداری از آن به کف دستم چسبیده و برداشتن آن ممکن نیست. برای وضو چه وظیفه‌ای دارم؟

جواب: اگر در اعضای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست یا موجب حرج^(۱) است بنا بر احتیاط واجب جمع کند بین وضو یا غسل جبیره‌ای و تیمم.



۱. یعنی باعث شود انسان در سختی زیادی که عرفاً قابل تحمل نیست قرار بگیرد.

تیمم جبیره‌ای

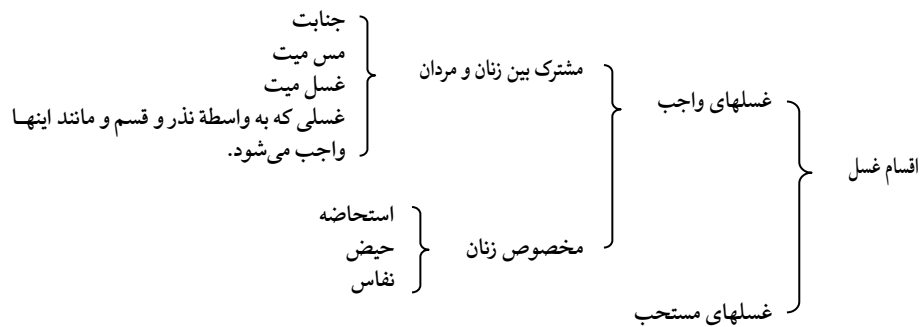
کسی که وظیفه او تیمم است اگر در بعضی از جاهای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد، باید به دستور وضوی جبیره‌ای تیمم جبیره‌ای نماید.

سه نکته:

- ۱- اگر انسان برای مرضی که در چشم اوست، موی چشم خود را بچسباند، یا از جهت درد چشم آب برای آن ضرر داشته باشد باید تیمم نماید.
- ۲- کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش تیمم است یا وضوی جبیره‌ای، باید احتیاط کند به جمع بین وضو و تیمم.
- ۳- نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره‌ای خوانده و تا آخر وقت عذرش مستمر بوده، صحیح است و می‌تواند با آن وضو نمازهای بعدی را در صورتی که در تمام وقت عذرش مستمر باشد به جا آورد، و هرگاه عذرش برطرف شد برای نمازهای بعد بنابر احتیاط واجب وضو بگیرد.

غسل (۱)

غسل بر دو قسم است: واجب و مستحب، و غسلهای واجب هفت مورد است:



جنابت

به دو چیز انسان جُنُب می شود:

(اول) جماع

(دوم) بیرون آمدن منی، در خواب باشد یا بیداری^(۲)، کم باشد یا زیاد، با شهوت

۱. غسل آن است که انسان سر و گردن و بدن خود را به روشی که بعداً خواهد آمد بشوید.

۲. یعنی وقتی انسان خواب است از بدن او واقعاً منی خارج شود. بنابراین اگر کسی در خواب ببیند که منی

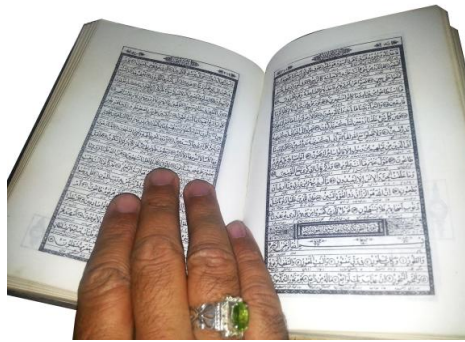
از او خارج شده - در حالی که واقعاً چیزی خارج نشده - غسل بر او واجب نمی شود.

باشد یا بی شهوت، با اختیار باشد یا بی اختیار.

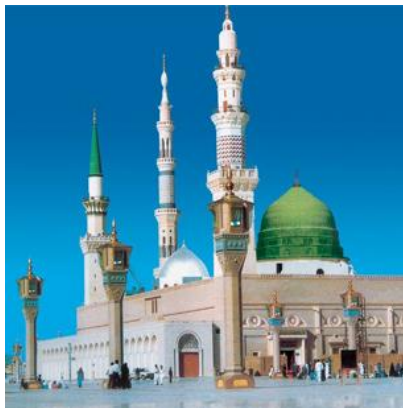
کارهایی که بر جنب حرام است

پنج چیز بر جنب حرام است:

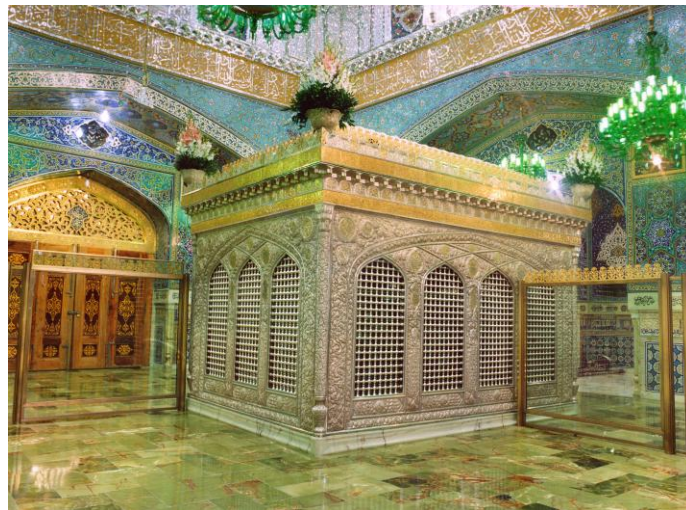
(اول) رساندن جایی از بدن خود به خط قرآن، یا به اسم مبارک ذات خداوند متعال - به هر لغتی که باشد - و سایر اسماء حُسنی و بنابر احتیاط مستحب اسمای انبیا و ائمه و حضرت زهراء علیها السلام را مسّ ننماید.



(دوم) رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله اگرچه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.



(سوم) توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از يك در مسجد داخل و از در دیگر خارج شود مانعی ندارد، و همچنین توقف در حرم امامان علیهم السلام حرام است، و احتیاط واجب آن است که از رفتن در حرم ائمه علیهم السلام خودداری کند اگرچه از يك در داخل و از در دیگر خارج شود.^(۱)



(چهارم) گذاشتن چیزی در مسجد، و همچنین بنابر احتیاط واجب داخل شدن در مسجد برای برداشتن چیزی.

(پنجم) خواندن هر يك از آیات سجده واجب، و آن آیات در چهار سوره است:

۱- سوره سی و دوم قرآن ﴿الرَّتَّنَزِيلِ﴾^(۲)

۲- سوره چهل و یکم (حم سجده - فصلت -)

۱. و منظور از حرم، قسمتی است که ضریح مطهر در آن قرار دارد.

۲. سوره سجده.

۳ - سوره پنجاه و سوم ﴿والنجم﴾

۴ - سوره نود و ششم ﴿اقراء﴾^(۱)

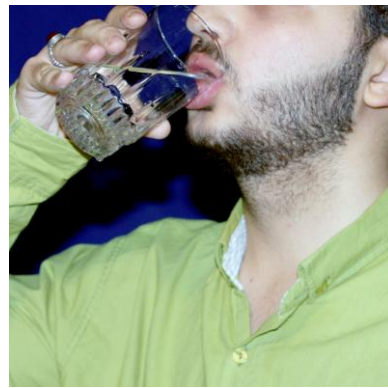
و بنابر احتیاط واجب از خواندن بقیه این چهار سوره، حتی از خواندن «بسم الله الرحمن الرحیم»، بلکه بعضی آن به قصد این سوره‌ها نیز خودداری کند.

کارهایی که بر جنب مکروه است

نُه چیز بر جنب مکروه است:

(اول و دوم) خوردن و آشامیدن، ولی اگر وضو بگیرد یا دستها را بشوید مکروه

نیست.



(سوم) خواندن بیشتر از هفت آیه از سوره‌هایی که سجده واجب ندارد.

(چهارم) رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خط‌های قرآن.

۱. سوره علق.

(پنجم) همراه داشتن قرآن.

(ششم) خوابیدن، ولی اگر وضو بگیرد و یا به واسطه نداشتن آب، بدل^(۱) از غسل تیمم کند، مکروه نیست.

(هفتم) خضاب^(۲) کردن به حنا و مانند آن.

(هشتم) مالیدن روغن به بدن.

(نهم) جماع کردن، بعد از آن که محتمل شده، یعنی در خواب منی از او بیرون آمده است.

حکم غسل جنابت

غسل جنابت به خودی خود مستحب است^(۳)، و برای واجبات مشروط به طهارت^(۴) واجب می‌شود، ولی برای نماز میّت و سجده سهو - مگر سجده سهو در مورد تشهد فراموش شده - و سجده شکر و سجده‌های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست.

نیت غسل

لازم نیست در وقت غسل نیت کند که غسل واجب یا مستحب می‌کند، بلکه اگر به قصد قربت - چنانکه در وضو گذشت - و با اخلاص غسل کند کافی است.

روش غسل کردن

غسل را چه واجب و چه مستحب به دو قسم می‌شود انجام داد، ترتیبی و ارتماسی:

غسل ترتیبی

در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد بدن را بشوید، و بنا بر

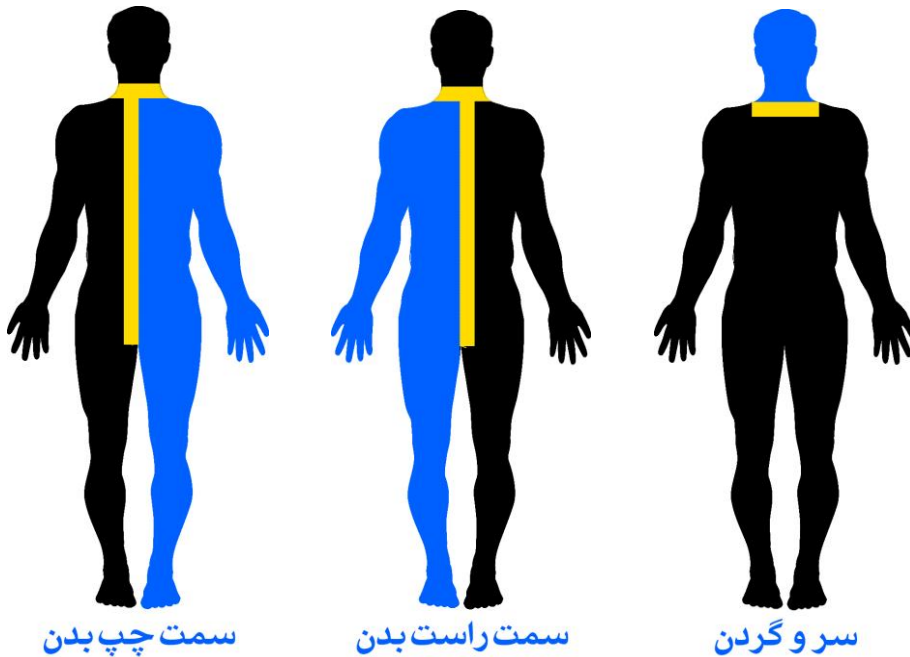
۱. یعنی به جای غسل تیمم کند.

۲. رنگ کردن به حنا و مانند آن.

۳. اگر کسی جُنُب باشد و کارهایی که غسل جنابت لازم دارد مانند نماز را هم نخواهد انجام دهد غسل جنابت به خودی خود برای او مستحب است. ولی اگر کسی جُنُب نباشد و بخواهد همینطور به قصد غسل جنابت غسل کند، چنین غسلی وجود ندارد.

۴. یعنی کارهایی که واجب است و اگر بدون وضو یا غسل یا تیمم انجام شود باطل است.

احتیاط واجب اول طرف راست و بعد طرف چپ بدن را بشوید.^(۱)



سؤال: اگر انسان بعد از غسل متوجه شود که مقداری از اعضای غسل را

نشسته، وظیفه چیست؟

جواب: اگر بعد از غسل و قبل از آنکه کاری که وضو را باطل می‌کند از او سر بزند بفهمد مقداری از بدن را نشسته، چنانچه از طرف چپ باشد شستن همان مقدار کافیت، و اگر از طرف راست باشد بعد از شستن آن مقدار - بنابر احتیاط واجب - طرف چپ را بشوید، و اگر از سر و گردن باشد بعد از شستن آن مقدار بدن را بشوید، و بنابر احتیاط واجب، طرف راست را بر طرف چپ مقدم بدارد.^(۲)

۱. و برای این که مطمئن شود هر قسمت را کامل شسته است باید مقداری بیشتر از آن قسمت را هم بشوید.

۲. چند نکته در مورد غسل:

(اول) هنگام غسل لازم نیست نیت غسل را بر زبان جاری کند یا از ذهن خود بگذراند، بلکه همین مقدار

غسل ارتماسی

غسل ارتماسی به فرو بردن تمام بدن در آب محقق می‌شود، و در تحقق غسل ارتماسی در صورتی که قسمتی از بدن در آب باشد به فرو بردن باقی بدن مورد اشکال است^(۱)، و بنا بر احتیاط واجب به گونه‌ای باشد که عرفاً صدق کند که بدن را دفعه در آب فرو برده است.^(۲)

احکام غسل کردن

- ۱- تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گذشت، مثل پاك بودن آب و مباح بودن آن، در صحیح بودن غسل هم شرط است، ولی در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید، و نیز در غسل ترتیبی لازم نیست بعد از شستن هر قسمت فوراً قسمت دیگر را بشوید، پس اگر بعد از شستن سر و گردن صبر کند و بعد از مدتی بدن را بشوید، یا بعد از طرف راست مدتی صبر کند و بعد طرف چپ را بشوید، اشکال ندارد.
- ۲- کسی که از حرام جنب شده غسل او با آب گرم اگرچه عرق کند صحیح است، و احتیاط مستحب آن است که با آب سرد غسل کند.
- ۳- چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است باید برطرف نماید^(۳).



که تصمیم دارد به قصد قربت غسل کند کافی است.
 (دوم) در هنگام غسل لازم نیست انسان رو به قبله باشد.
 (سوم) دست کشیدن به بدن در هنگام غسل لازم نیست. و همین قدر که آب به همه جای بدن برسد کفایت.
 (چهارم) برای غسل لازم نیست بدن خشک باشد.
 ۱. مثلاً کسی داخل استخر ایستاده و آب تا کمر او را فرا گرفته است، چنانچه به نیت غسل بقیه اعضای بدن را زیر آب ببرد بنا بر احتیاط واجب غسل او صحیح نیست.
 ۲. بنا بر این اگر آهسته و به تدریج بدن را زیر آب ببرد بنا بر احتیاط واجب غسل او صحیح نیست.
 ۳. مثلاً اگر چسب یا هر جرم دیگری که از رسیدن آب به بدن جلوگیری می‌کند به بدن او باشد باید در هنگام غسل برطرف نماید. و اگر کسی با روغن یا کرم سر و کار داشته و بدن یا موهای او چرب شده چنانچه چربی آن به طوری باشد که از رسیدن آب جلوگیری کند باید چربی آن را برطرف نماید.

شستن موهای بلند

در غسل باید موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می‌شود بشوید، و شستن موهای بلند واجب نیست، بلکه اگر آب را طوری به پوست برساند که آنها تر نشود، غسل صحیح است، ولی اگر رساندن آب به پوست بدون شستن آنها ممکن نباشد، باید آنها را بشوید که آب به بدن برسد.

شك در غسل

اگر شك کند که غسل کرده یا نه باید غسل کند، ولی اگر بعد از غسل شك کند که غسل او درست بوده یا نه، در صورتی که احتمال بدهد که وقت غسل تلفت بوده، غسلش صحیح است.

سؤال: اگر در بین غسل یکی از کارهایی که وضو را باطل می‌کند پیش بیاید، حکم غسل چیست؟

جواب: اگر در بین غسل حدث اصغر از او سرزند^(۱) - مثلاً بول کند - بنا بر احتیاط واجب غسل را تمام کند و اعاده نماید^(۲) و وضو هم ضمیمه کند مگر اینکه از غسل ترتیبی به غسل ارتماسی عدول کند.

کفایت غسل از غسل

کسی که چند غسل بر او واجب است، می‌تواند آنها را جدا جدا انجام دهد، ولی بعد از غسل اول برای بقیه نیت وجوب نکند^(۳)، و همچنین می‌تواند به نیت همه آنها

۱. به کارهایی که موجب وضو می‌شود حدث اصغر می‌گویند مثل خروج ادرار یا مدفوع. و به کارهایی که موجب غسل می‌شود، حدث اکبر می‌گویند، مثل جنابت و حیض.

۲. یعنی دوباره از اول غسل کند.

۳. همان‌طور که در پایان مسأله آمده است؛ اگر انسان به نیت يك غسل معین غسل نماید، از بقیه غسلها کفایت می‌کند، یعنی لازم نیست دیگر غسلها را بجا بیاورد. بنابراین با انجام يك غسل، دیگر غسلی به

يك غسل به جا آورد، بلکه اگر يك غسل معين از آنها را قصد کند، از بقيه کفایت می‌نماید^(۱).

کفایت غسل از وضو

کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد^(۲)، بلکه با غسلهای دیگر واجب غیر از غسل استحاضه متوسطه و با غسلهای مستحب که در مسائل بعد می‌آید، نیز می‌تواند بدون وضو نماز بخواند، اگرچه احتیاط مستحب آن است که وضو هم بگیرد.



گردن او باقی نمی‌ماند، پس نیت وجوب نکند.

۱. مثلاً کسی غسل حیض و جنابت و استحاضه و مس میت بر او واجب است. چنانچه به عنوان مثال نیت غسل مس میت نماید، این غسل جای بقیه غسلها را گرفته و لازم نیست تك تك آنها را جداگانه انجام دهد.
۲. اگر کسی جنب بوده و غسل جنابت کرده باشد، تا زمانی که یکی از مبطلات وضو را انجام نداده است نباید وضو بگیرد. البته اگر وضو بگیرد گناه کرده ولی ضرری به نماز او نمی‌زند.

غسل‌های مخصوص بانوان^(۱)

استحاضه

یکی از خون‌هایی که از زن خارج می‌شود خون استحاضه است، و زن را در موقع دیدن خون استحاضه مستحاضه می‌گویند.

نشانه‌های استحاضه

خون استحاضه در بیشتر اوقات زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید و غلیظ هم نیست، ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید.

اقسام استحاضه

استحاضه سه قسم است: قلیله و متوسطه و کثیره.

استحاضه قلیله: آن است که خون فقط روی پنبه‌ای را که زن با خود برمی‌دارد

۱. در این کتاب خلاصه‌ای از احکام بانوان آمده است، و برای اطلاع بیشتر به کتاب احکام بانوان (مطابق با فتاوی حضرت آیه‌الله العظمی وحید خراسانی مدّظله) مراجعه نمایید. در آن کتاب مسائل مربوط به بانوان با جدول و شکل توضیح داده شده است.

آلوده کند و در آن فرو نرود.

استحاضه متوسطه: آن است که خون در پنبه فرو رود اگر چه در يك گوشه آن باشد، ولی از پنبه به دستمال و مانند آن که معمولاً زنها برای جلوگیری از خون می بندند نرسد.

استحاضه کثیره: آن است که خون پنبه را فرا گرفته و به دستمال برسد.

وظایف مستحاضه قلیله

در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز يك وضو بگیرد، و بنا بر احتیاط واجب پنبه را عوض کند، و باید ظاهر فرج^(۱) را اگر خون به آن رسیده آب بکشد.

وظایف مستحاضه متوسطه

در استحاضه متوسطه باید زن برای هر نماز صبح غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود، کارهای استحاضه قلیله را که در مسأله پیش گذشت انجام دهد، و هرگاه زن قبل از نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشاء حالت استحاضه متوسطه برایش پیش آید باید برای همان نماز غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود، کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد^(۲). و اگر عمداً یا از روی فراموشی قبل از نمازی که باید غسل نماید غسل نکند، قبل نماز بعد غسل نماید، چه آن که خون بیاید یا قطع شده باشد.

وظایف مستحاضه کثیره

در استحاضه کثیره علاوه بر آنچه که در استحاضه متوسطه در مسأله قبل گذشت،

۱. عورت زن.

۲. پس اگر کسی مثلاً ساعت ده صبح خون استحاضه متوسطه ببیند، باید برای نماز ظهر غسل نماید و کارهای استحاضه قلیله را انجام بدهد تا نماز صبح فردا.

باید برای هر نماز - بنابر احتیاط واجب - دستمال را عوض کند یا آب بکشد، و لازم است يك غسل دیگر برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشاء بجا آورد، و بین نماز ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشاء فاصله نیندازد، و اگر فاصله انداخت باید برای نماز دوم - چه عصر باشد و چه عشاء - دوباره غسل کند، و در استحاضه کثیره غسل از وضو کفایت می‌کند^(۱).

وضو و غسل استحاضه

مستحاضه متوسطه که باید وضو بگیرد و غسل کند، هر کدام را اول به جا آورد صحیح است، ولی بهتر آن است که اول وضو بگیرد. و اما مستحاضه کثیره اگر بخواهد وضو بگیرد، باید قبل از غسل وضو بگیرد.^(۲)

قطع شدن خون

زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد، فقط برای نماز اولی که می‌خواند باید

۱. بنابراین کارهایی که باید مستحاضه کثیره انجام دهد عبارتند از:

(اول) بنابر احتیاط واجب برای هر نماز پنجه و دستمال را عوض کند.

(دوم) اگر ظاهر فرج آلوده به خون است آب بکشد.

(سوم) برای نماز صبح يك غسل، برای ظهر و عصر يك غسل و برای مغرب و عشاء هم يك غسل به جا آورد، و غسل باید بعد از دخول نماز وقت انجام شود.

(چهارم) بین غسل و خواندن نماز فاصله نیندازد، و بین نماز ظهر و عصر و همچنین بین نماز مغرب و عشاء فاصله نیندازد.

(پنجم) اگر خون جریان دارد و قطع نمی‌شود، چنانچه برای او ضرر ندارد، باید بعد از غسل از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید.

(ششم) وضو لازم نیست، ولی می‌تواند وضو بگیرد، که در این صورت باید قبل از غسل وضو بگیرد.

۲. بخاطر اینکه نباید بین غسل و خواندن نماز فاصله شود اگر می‌خواهد وضو بگیرد باید قبل از غسل باشد.

کارهای استحاضه را انجام دهد، و برای نمازهای بعد لازم نیست.

حکم ترک وظایف

اگر مستحاضه یکی از کارهایی را که بر او واجب می‌باشد ترك کند، نمازش باطل است.

حیض

حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زن‌ها خارج می‌شود، و زن را در موقع دیدن خون حیض حائض می‌گویند.

نشانه‌های خون حیض

خون حیض در بیشتر اوقات غلیظ و گرم و رنگ آن سیاه یا سُرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می‌آید.

سنّ یائسگی

زن بعد از تمام شدن شصت سال یائسه^(۱) می‌شود، و چنانچه خونی ببیند حیض نیست، و احتیاط واجب آن است که بعد از تمام شدن پنجاه سال تا تمام شدن شصت^(۲) سال جمع کند بین احکام یائسه و غیر یائسه - چه قرشیه باشد و چه غیر قرشیه^(۳) - بنابراین اگر در این فاصله با نشانه‌های حیض یا در روزهای عادت خون ببیند، بنابر احتیاط واجب جمع کند بین تروك^(۴) حائض و افعال مستحاضه.^(۵)

۱. یائسه یعنی زنی که دیگر خون حیض نمی‌بیند، و باید توجه داشت که یائسگی به سنّ است و ملاک دیگری ندارد. بنابراین اگر زنی در سنّ ۳۰ سالگی اصلاً خون نبیند یائسه نیست.

۲. سنّ قمری ملاک است نه شمسی.

۳. چه از نسل قبیله قریش باشد یا نباشد.

۴. یعنی کارهایی را که بر حائض حرام است انجام ندهد.

۵. یعنی کارهایی را که بر مستحاضه واجب است انجام دهد.

حکم خون قبل از نه سال

خونی که دختر پیش از تمام شدن نه سال می‌بیند، حیض نیست.

حداقل و حداکثر حیض

مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی‌شود.

استمرار خون

باید سه روز اول حیض پشت سر هم باشد.

سؤال: شروع حیض از چه زمانی حساب می‌شود؟

ابتدای حیض لازم است خون بیرون بیاید، ولی لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید، بلکه اگر در باطن فرج خون باشد کافیهست، ولی بودن در رحم کافی نیست، و چنانچه در بین سه روز مختصری پاک شود به نحوی که در بین زنها متعارف^(۱) است، باز هم حیض است.

نکته: اگر خونی ببیند و شك کند که خون حیض است یا استحاضه، چنانچه شرایط^(۲) حیض را داشته باشد، باید حیض قرار دهد.

احکام حائض

چند چیز بر حائض حرام است:

(اول) عبادتهایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شود - مراد از حرمت در مورد این عبادات این است که جائز نیست آنها را به قصد امر^(۳) و

۱. مثلاً ده دقیقه.

۲. یعنی غلیظ و گرم باشد. رنگ آن سیاه یا سُرخ باشد. با فشار و سوزش خارج شود. حداقل سه روز پشت سر هم باشد.

۳. یعنی نماز بخواند به این قصد که خداوند دستور داده است که انسان باید در حال حیض هم نماز بخواند.

مطلوبیت شرعی به جا آورد - ولی به جا آوردن عبادت‌هایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست - مانند نماز میّت - مانعی ندارد.

(دوم) تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گذشت.
(سوم) جماع کردن.

طلاق زن حائض

طلاق دادن زن در حال حیض، باطل است.

حائض شدن در بین نماز

اگر زن در بین نماز حائض شود نماز او باطل است.

زمان غسل حیض

سؤال: زن حائض چه زمانی باید غسلش را انجام بدهد؟

جواب: بعد از آن که زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادت‌های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شود غسل کند، و دستور آن مثل غسل جنابت است، و احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل وضو هم بگیرد.

حکم نمازهای حائض

۱- نمازهایی که زن در حال حیض نخوانده قضا ندارد، و روزه ماه رمضان را باید قضا نماید، ولی در روزه واجب به نذر معین - یعنی نذر کرده باشد که روز معینی روزه بگیرد - اگر مصادف با ایام حیض شود بنابر احتیاط واجب قضا نماید.

۲- هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می شود، باید فوراً نماز را بخواند، و همچنین بنابر احتیاط واجب اگر احتمال دهد.

۳- اگر زن نماز را از اول وقت تأخیر بیندازد و به اندازه خواندن يك نماز واجد

شرایط و فاقد موانع صحت به حسب حال خودش بگذرد^(۱) و حائض شود، قضای آن نماز بر او واجب است، و همچنین است - بنابر احتیاط واجب - اگر به مقدار نماز با طهارت از حدث هر چند با تیمم وقت داشته باشد، اگر چه متمکن از داشتن بعضی از شرایط، مانند ساتر و طهارت از خبث^(۲) نباشد.

۴- اگر زن در آخر وقت نماز از خون پاک شود، و به اندازه غسل و خواندن يك ركعت نماز یا بیشتر از يك ركعت وقت داشته باشد باید نماز را بخواند و اگر نخواند باید قضای آن را به جا آورد.

عبادت حائض

سؤال: چه عبادتی برای حائض سفارش شده است؟

جواب: مستحب است زن حائض در وقت نماز، خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد، و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد تیمم نماید و در جای پاکی رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و تسبیح و تهلیل و تحمید^(۳) به مقدار نماز بشود.

قرآن خواندن حائض

خضاب کردن به حنا و مانند آن و رساندن جایی از بدن را به ما بین خطهای قرآن برای حائض مکروه است، و همراه داشتن قرآن، و خواندن قرآن برای او مانعی ندارد.^(۴)

۱. مثلاً آنقدر وقت داشته باشد که وضو بگیرد و اگر بدن یا لباسش نجس است آن را عوض کند یا آبکشی

نماید و لباس کامل بپوشد تا بدن و موهایش پیدا نباشد و مانند اینها.

۲. نجاسات مانند ادرار و خون و ...

۳. سبحان الله و لا اله الا الله و حمد خدا گفتن.

۴. به جز آیاتی که سجده واجب دارند و بنابر احتیاط واجب بقیه آن سوره‌ها.

مسائل متفرقه حیض

عوض شدن عادت

زنی که در حیض عادت دارد - چه در وقت حیض عادت داشته باشد، چه در عدد حیض یا هم در وقت و هم در عدد آن - اگر دو ماه پشت سر هم بر خلاف عادت خود خونی ببیند، که وقت آن یا شماره روزهای آن یا هم وقت و هم شماره روزهای آن یکی باشد، عادتش برمی گردد به آنچه که در این دو ماه دیده است، مثلاً اگر از روز اول ماه تا هفتم خون می دیده و پاک می شده، چنانچه دو ماه از دهم تا هفدهم ماه خون ببیند و پاک شود از دهم تا هفدهم عادت او می شود.

منظور از یک ماه

مقصود از يك ماه گذشتن، سی روز از ابتدای خون دیدن است، نه از روز اول ماه تا آخر ماه.

دو بار خون دیدن

زنی که معمولاً ماهی يك مرتبه خون می بیند، اگر در يك ماه دو مرتبه خون ببیند و هر دو خون نشانه های حیض را داشته باشد چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز کمتر نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهد^(۱).

پاک شدن قبل از ده روز

اگر زن پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست، باید برای عبادت های خود غسل کند، اگر چه گمان داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند، ولی اگر یقین داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره

۱. هیچگاه بین دو حیض کمتر از ده روز فاصله نیست. یعنی اگر در کمتر از ده روز خونی ببیند، حکم حیض را ندارد.

خون می‌بیند نباید غسل کند.

تشخیص اشتباهی

اگر بعضی از روزها را حیض قرار دهد و عبادت نکند و بعد بفهمد حیض نبوده است، باید نماز و روزه‌ای را که در آن روزها به جا نیاورده قضا نماید، و اگر به گمان اینکه حیض نیست عبادت کند و بعد بفهمد حیض بوده، چنانچه آن روزها را روزه گرفته باشد باید قضا نماید.

نفاس

خونی که مادر بعد از ولادت بچه - از جهت ولادت - می‌بیند اگر پیش از ده روز یا سرده روز قطع شود، خون نفاس است و همچنین است - بنابر احتیاط واجب - خونی که با اولین جزء بیرون بیاید، و زن را در حال نفاس، نفساء می‌گویند. خونی که زن پیش از بیرون آمدن اولین جزء بچه می‌بیند نفاس نیست.

سؤال: آیا خون بعد از سقط جنین هم حکم نفاس را دارد؟

جواب: لازم نیست که خلقت بچه تمام باشد، بلکه اگر ناتمام نیز باشد - در صورتی که عرفاً بگویند زاییده است - خونی که تا ده روز ببیند خون نفاس است، و در صورت شك در صدق زاییدن به نظر عرف، آن خون محکوم به احکام نفاس نیست^(۱).

حداقل و حداکثر خون نفاس

ممکن است خون نفاس يك آن بیشتر نیاید، ولی بیشتر از ده روز نمی‌شود.

سؤال: چه کارهایی بر نفساء حرام است؟

جواب: رساندن جایی از بدن به خط قرآن و اسم مبارک ذات خداوند متعال و سایر اسماء حسنی بر نفساء حرام است، و همچنین است - بنابر احتیاط واجب - سایر

۱. یعنی ممکن است حیض باشد و ممکن است استحاضه باشد.

کارهایی که بر حائض حرام است، و آنچه بر حائض واجب است بر نفساء هم واجب می‌باشد.

زمان غسل نفاس

وقتی زن از خون نفاس پاک شد به طوری که در باطن فرج خون نباشد باید غسل کند و عبادت‌های خود را به جا آورد.

طلاق دادن نفساء

طلاق دادن زنی که در حال نفاس است باطل است و نزدیکی کردن با او حرام است، ولی اگر شوهرش با او نزدیکی کند کفاره ندارد.

خون نفاس بیشتر از ده روز

اگر خون نفاس زن از ده روز بگذرد، چنانچه در حیض عادت دارد، به اندازه روزهای عادت او نفاس و بقیه استحاضه است و اگر عادت ندارد تا ده روز نفاس و بقیه استحاضه می‌باشد.

غسل مس میت

اگر کسی بدن انسان مرده‌ای را که سرد شده و غسلش نداده‌اند مس کند - یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند - باید غسل مس میت نماید، چه در خواب مس کند چه در بیداری، با اختیار مس کند یا بی اختیار، حتی اگر ناخن و استخوان او به ناخن و استخوان میت برسد باید غسل کند، ولی اگر حیوان مرده‌ای را مس کند، غسل بر او واجب نیست و برای مس مرده‌ای که تمام بدن او سرد نشده غسل واجب نیست، اگر چه جایی را که سرد شده مس نماید.

مس میت بعد از غسل میت

اگر انسان میتی را که سه غسل او کاملاً تمام شده مس نماید، غسل بر او واجب نمی‌شود ولی اگر پیش از آن که غسل سوم تمام شود جایی از بدن او را مس کند، اگر

چه غسل سوم آن جا تمام شده باشد، باید غسل مس میت نماید.

روش انجام غسل مس میت

غسل مس میت را باید مثل غسل جنابت انجام داد، و کسی که غسل مس میت کرده اگر بخواند نماز بخواند، وضو واجب نیست، هرچند احتیاط مستحب آن است که وضو هم بگیرد.

سؤال: آیا کارهایی که بر جنب حرام است بر کسی هم که مس میت کرده حرام است؟

جواب: برای کسی که بعد از مس میت غسل نکرده باشد، توقف در مسجد و جماع و خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارد مانعی ندارد، ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند.

احکام اموات^(۱)



محتضر

مسلمانی را که محتضر است - یعنی در حال جان دادن می‌باشد - مرد باشد یا زن،

۱. یکی از غسل‌های واجب غسل میت است. به مناسبت بیان احکام غسل میت، مختصری به دیگر احکام مربوط به اموات پرداخته می‌شود.

بزرگ باشد یا کوچک، بنابر احتیاط واجب در صورت امکان به پشت بخوابانند به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد.

مستحب است شهادتین و اقرار به دوازده امام علیهم السلام و سایر عقاید حقّه را به کسی که در حال جان دادن است، طوری تلقین کنند که بفهمد، و همچنین مستحب است چیزهایی را که ذکر شد تا وقت مرگ تکرار کنند، و نیز دعای فرج^(۱) را به محتضر تلقین نمایند. مستحب است که بر بالین محتضر سوره مبارکه یس و صافات و احزاب و آیه الکرسی و آیه پنجاه و چهارم از سوره اعراف و سه آیه آخر سوره بقره، بلکه هر چه از قرآن ممکن است بخوانند.

احکام بعد از مرگ

بعد از مرگ مستحب است چشمها و لبها و چانه میت را ببندند، و دست و پای او را دراز کنند، و پارچه‌ای روی او ببندازند و مؤمنین را برای تشییع جنازه او خبر کنند، و اگر شب مرده است در جایی که مرده چراغ روشن کنند، و در دفن او عجله نمایند و اگر یقین به مردن او ندارند باید صبر کنند تا معلوم شود.

احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت

غسل و حنوط و کفن و نماز و دفن مسلمان بر هر مکلفی واجب است، و اگر بعضی انجام دهند از دیگران ساقط می‌شود، و چنانچه هیچ کس انجام ندهد همه معصیت کرده‌اند.

اجازه از ولی میت

برای غسل و حنوط و کفن و دفن میت، باید از ولی او اجازه گرفت.

سؤال: ولی میت چه کسی است؟

۱. «لا إله الاّ الله الحليمّ الكريم، لا إله الاّ الله العليّ العظيم، سبحان الله ربّ السموات السبع و ربّ الارضين السبع و ما بينهنّ و ما بينهنّ و ربّ العرش العظيم و الحمد لله ربّ العالمين»

جواب: ولی زن شوهر اوست، و در غیر زن مردهایی که از میت ارث می‌برند مقدم بر زنهای ایشانند، و تقدم، تابع تقدم در ميراث است.^(۱)

کیفیت غسل میت

واجب است میت را سه غسل بدهند:

(اول) با آبی که با سدر مخلوط باشد.



(دوم) با آبی که با کافور مخلوط باشد.



۱. کسانی که از انسان ارث می‌برند سه طبقه هستند که با وجود حتی يك نفر از طبقه اول هیچکدام از طبقه دوم ارث نمی‌برند و همچنین است نسبت به طبقه دوم و سوم. بنابراین با وجود پدر یا پسر میت، اجازه گرفتن از برادر یا پدر بزرگ لازم نیست.

(سوم) با آب خالص

مقدار سدر و کافور

سدر و کافور باید به اندازه‌ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند، و به اندازه‌ای هم کم نباشد که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است.

شرایط غسل

کسی که میت را غسل می‌دهد باید مسلمان دوازده امامی و عاقل و بالغ باشد، و مسائل غسل را هر چند به تعلیم دیگری^(۱) در اثنای غسل بداند.

سؤال: روش انجام غسل میت چگونه است؟

جواب: غسل میت مثل غسل جنابت است، و احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است میت را غسل ارتماسی ندهند، و در غسل ترتیبی هم باید طرف راست را بر طرف چپ مقدم بدارد، و مخیرند بین این که آب را روی بدن بریزند، یا بدن را در آب فرو برند.

نکته: کسی را که در حال حیض یا در حال جنابت مرده لازم نیست غسل حیض یا غسل جنابت بدهند، بلکه همان غسل میت برای او کافی است.

احکام کفن میت

میت مسلمان را باید با سه پارچه که آنها را لنگ و پیراهن و سرتاسری می‌گویند کفن نمایند.

۱. یعنی کسی به غسل دهنده یاد بدهد و او در همان وقت میت را غسل بدهد.



اندازه کفن

مقدار واجب از لنگ و پیراهن، آن اندازه‌ای است که عرفاً بر آن لنگ و پیراهن گفته شود، ولی احتیاط واجب است آن است که لنگ از ناف تا زانو اطراف بدن را بپوشاند، و افضل^(۱) آن است که از سینه تا روی پا برسد، و پیراهن باید از سر شانه و - بنابر احتیاط واجب - تا نصف ساق پا تمام بدن را بپوشاند، و افضل آن است که تا روی پا برسد، و درازای سرتاسری باید به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد، و پهنای آن باید به اندازه‌ای باشد که يك طرف آن روی طرف دیگر بیاید.

ضخامت کفن

واجب است که مجموع سه پارچه کفن طوری باشد که بدن میت از زیر آن پیدا نباشد، بلکه - بنابر احتیاط واجب - هر يك از سه پارچه، کفن به قدری نازک نباشد که

۱. یعنی بهتر است.

بدن میت از زیر آن پیدا باشد.^(۱)

نکته: مستحب است انسان، کفن خود را تهیه کند، و هرگاه به آن نظر کند مأجور است.



احکام حنوط

بعد از غسل واجب است میت را حنوط کنند، یعنی به پیشانی و کف دستها و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند، و بنا بر احتیاط مستحب مقداری کافور هم بر این مواضع بگذارند^(۲)، و مستحب است به سر بینی میت نیز کافور بمالند، و باید کافور ساییده و تازه باشد، و اگر به واسطه کهنه بودن عطر آن از بین رفته باشد کافی نیست.

۱. البته کفن میت شرایط دیگری هم دارد. مثل این که نباید نجس باشد. و همچنین نباید غصبی باشد. بنابراین اگر کسی کفن خریده و خمس به آن تعلق گرفته باشد، قبل از این که خمس آن را پردازند نمی توانند از آن کفن استفاده کنند.

۲. یعنی بهتر است وقتی کافور را می مالند مقداری از آن را بر بدن باقی بگذارند.

سؤال: آیا مالیدن کافور ترتیب خاصی دارد؟

جواب: احتیاط مستحب آن است که اول کافور را به پیشانی میت بمالند، ولی در جاهای دیگر ترتیب لازم نیست.
نکته: مستحب است دو چوب تر و تازه در قبر همراه میت بگذارند.



احکام نماز میت

نماز خواندن بر میت مسلمان، و همچنین بچه‌ای که محکوم^(۱) به اسلام و شش سال او تمام شده باشد واجب است.

وقت خواندن نماز میت

نماز میت باید بعد از غسل و حنوط و کفن کردن او خوانده شود، و اگر پیش از اینها یا در بین اینها بخوانند - اگر چه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد - کافی نیست.

وضو و نماز میت

کسی که می‌خواهد نماز میت بخواند لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمم باشد، و بدن و لباسش پاک باشد.

۱. مثل بچه‌ای که از پدر و مادر مسلمان متولد شده است، که به خود بچه تا زمانی که ممیز نشده و اظهار اسلام نکرده است، نمی‌گویند مسلمان است، بلکه می‌گویند محکوم به اسلام است. یعنی احکام اسلام را برای او رعایت می‌کنند.

سؤال: کسی که بر میت نماز می خواند چه نکاتی را باید رعایت نماید؟

جواب: کسی که بر میت نماز می خواند باید رو به قبله باشد، ولی باید از جای میت زیاد پست تر یا بلندتر نباشد، و اگر پستی و بلندی زیاد نباشد اشکال ندارد، همچنین نمازگزار باید مقابل میت بایستد.

دو نکته:

۱- کسی که نماز میت را می خواند باید مؤمن^(۱) باشد.

۲- اگر میت را عمداً یا از روی فراموشی یا به جهت عذری بدون نماز دفن کنند، تا وقتی که جسد او از هم نپاشیده واجب است با شرطهایی که برای میت ذکر شد به قبرش نماز بخوانند، و همچنین در صورتی که نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است.

دستور نماز میت

نماز میت پنج تکبیر دارد، و اگر نمازگزار پنج تکبیر را به این ترتیب بگوید کافیت:

بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»

و بعد از تکبیر دوم بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»

و بعد از تکبیر سوم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ»

و بعد از تکبیر چهارم بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ» و اگر زن است بگوید:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ» و بعد تکبیر پنجم بگوید.^(۲)

باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخواند که نماز از صورت خود خارج نشود. کسی که نماز میت را به جماعت می خواند باید تکبیرها و دعاهای آن را هم

۱. مومن در مسائل فقهی یعنی شیعه دوازده امامی.

۲. نماز میت را می توان به طور مفصل - به نحوی که در رساله های عملیه آمده است - هم خواند.

بخواند اگرچه مأموم باشد.

احکام دفن

واجب است میت را طوری در زمین دفن کنند که بوی او بیرون نیاید، و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند، و اگر ترس آن باشد که جانور بدن او را بیرون آورد، باید قبر را با آجر و مانند آن محکم کنند.



سؤال: چگونه باید میت را در قبر بخوابانند؟

جواب: میت را باید در قبر به پهلو راست طوری بخوابانند که جلوی بدن او رو به قبله باشد.

دفن مسلمان در قبرستان کفار، و دفن کافر در قبرستان مسلمانان جایز نیست.
دفن میت در جای غصبی و در زمینی که برای غیر دفن کردن وقف شده، جایز نیست.

نکته: مستحب است قبر را به اندازه قد انسان متوسط گود کنند، و میت را در نزدیکترین قبرستان دفن نمایند، مگر آن که قبرستان دورتر از جهتی بهتر باشد، مثل آن که مردمان خوب در آن جا دفن شده باشند، یا مردم برای فاتحه اهل قبور بیشتر به آن جا بروند^(۱).

غسلهای مستحب

در شرع مقدس اسلام غسل‌هایی مستحب است و از آن جمله است:

- ۱ - غسل جمعه، و وقت آن بعد از اذان صبح است، تا ظهر، و بهتر آن است که نزدیک ظهر به جا آورده شود، و اگر تا ظهر انجام ندهد بهتر است که بدون نیت اداء و قضا تا غروب به جا آورد، و اگر در روز جمعه غسل نکند مستحب است از صبح شبیه تا غروب قضای آن را به جا آورد، و کسی که می‌داند در روز جمعه آب پیدا نخواهد کرد می‌تواند روز پنجشنبه غسل را رجاء^(۲) انجام دهد.
- ۲ - غسل شب اول و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و بیست و چهارم ماه رمضان.

۱. تا اینجا شش مورد از غسلهای واجب بیان شد، و مورد هفتم غسلی است که به واسطه نذر و قسم و مانند اینها واجب می‌شود. یعنی اگر انسان نذر کند که فلان غسل مستحب را انجام بدهد، انجام آن غسل مستحب بر او واجب می‌شود. مثلاً کسی نذر کند اگر حاجتم برآورده شد در روز جمعه، غسل جمعه را بجا می‌آورم.

۲. رجاء یعنی به امید ثواب و امید مطلوبیت نزد خدای متعال. وقتی مستحب بودن عملی برای انسان ثابت شود، شخص می‌تواند آن عمل را به قصد عمل مستحب به جا آورد. ولی وقتی استحباب آن ثابت نشود ولی احتمال استحباب باشد می‌تواند آن عمل را رجاء انجام دهد. یعنی به امید اینکه اگر آن عمل در نزد خداوند متعال مستحب باشد به ثواب آن برسد.

۳ - غسل روز عید فطر و قربان.

۴ - غسل زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام از نزدیک.



۵ - غسل توبه از فسق و کفر.

غسل مستحب به جای وضو

انسان با غسلهای مستحبی که بیان شد می تواند کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد، و اما غسلهایی که رجاء به جا آورده می شود از وضو کفایت نمی کند.^(۱)

یک غسل به جای چند غسل

اگر چند غسل بر کسی مستحب باشد، و به نیت همه يك غسل به جا آورد کافیت.

۱. غسلهایی که استحباب آن ثابت شده در رساله عملیه در يك مسأله جداگانه (مسأله ۶۵۰)، و غسلهایی که رجاء به جا آورده می شود در مسأله دیگری (مسأله ۶۵۱) بیان شده است.



در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد که سه مورد آن عبارتند از:
(اول) آن که تهیه آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد.^(۱)

۱. اگر آب لوله‌ها قطع باشد و در خانه آب پیدا نشود شخص باید دنبال آب برود و آب را از بیرون تهیه

(دوم) اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد، یا بترسد که مرض یا عیبی در او پیدا شود، یا مرضش طول بکشد، یا شدت کند، یا به سختی معالجه شود، باید تیمم نماید، ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

(سوم) هرگاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن در خارج وقت واقع می‌شود، باید تیمم کند، مگر اینکه وقت وضو یا غسل به اندازه تیمم باشد که در این صورت باید وضو بگیرد یا غسل کند.

کسی که شك دارد اگر وضو بگیرد یا غسل کند، وقت برای نماز او می‌ماند یا نه باید تیمم نماید.

چیزهایی که تیمم به آنها صحیح است

تیمم به خاک و ریگ و کلوخ و سنگ و هرچه در عرف او را از اجزای زمین می‌دانند صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر خاک ممکن باشد به چیز دیگر تیمم نکنند، و اگر خاک نباشد با ریگ یا کلوخ و چنانچه ریگ و کلوخ هم نباشد با سنگ تیمم نماید.



سنگ و ریگ

خاک

نمایند. مثلاً می‌تواند از مغازه آب معدنی تهیه کند و با آن وضو بگیرد.

تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک صحیح است، و بنابر احتیاط مستحب در حال اختیار به گچ و آهک پخته و آجر پخته تیمم ننماید، و اما بر مثل سنگ فیروزه و عقیق و مانند اینها تیمم جایز نیست.



سنگ فیروزه



سنگ عقیق

سؤال: چیزی که بر آن تیمم می‌کنند چه شرایطی باید داشته باشد؟

- ۱- چیزی که بر آن تیمم می‌کند باید پاک باشد.
- ۲- چیزی که بر آن تیمم می‌کند و مکان آن چیز باید غصبی نباشد.
- ۳- بنابر احتیاط واجب چیزی که بر آن تیمم می‌کند، در صورت امکان باید گردی داشته باشد که به دست بمالد و بعد از زدن دست بر آن، مستحب است دست را بتکاند.

دستور تیمم بدل از وضو یا غسل

در تیمم بدل از وضو یا غسل چهار چیز واجب است:

(اول) نیت.

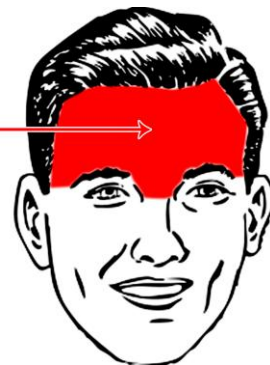
(دوم) زدن کف دو دست بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است، و بنا بر احتیاط واجب کف دو دست را با هم بزند.



(سوم) کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی، و احتیاط واجب آن است که دستها روی ابروها هم کشیده شود.



جای مسح پیشانی



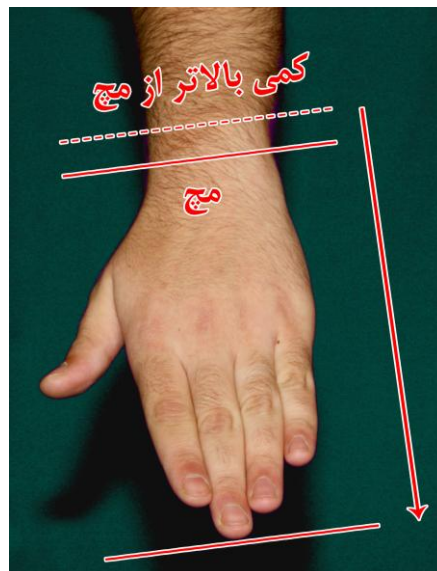
(چهارم) کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست، و بعد از آن کشیدن

کف دست راست به تمام پشت دست چپ.



احکام تیمم

۱- برای آن که یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده باید مقداری بالاتر از مچ را هم مسح نماید، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.



۲- پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پایین مسح نماید و کارهای آن را باید پشت سر هم به جا آورد، و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می‌کند باطل است.

۳- در تیمم در صورت تمکن - بنابر احتیاط مستحب - باید پیشانی و کف دستها و پشت دستها پاک باشد.

۴- انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد، و اگر در پیشانی یا پشت دستها یا کف دستها مانعی باشد - مثل آن که چیزی به آنها چسبیده باشد - باید برطرف نماید.



۵- اگر پیشانی و پشت دستها مو داشته باشد اشکال ندارد، ولی اگر موی سر روی پیشانی آمده باشد، باید آن را عقب بزنند.



باطل شدن تیمم

اگر به واسطه نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، بعد از برطرف شدن عذر تیمم او باطل می‌شود. و چیزهایی که وضو را باطل می‌کند تیمم بدل از وضو را هم باطل می‌کند، و چیزهایی که غسل را باطل می‌نماید تیمم بدل از غسل را هم باطل می‌نماید.

سؤال: آیا تیمم بدل از غسل جای وضو را می‌گیرد؟

جواب: اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر بدل از غسل‌های دیگر تیمم کند، باید وضو بگیرد، و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری هم بدل از وضو بنماید.

سؤال: کسی که تیمم بدل از غسل جنابت کرده اگر موجبات وضو برایش

اتفاق افتاد وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند و بعد یکی از مبطلات وضو پیش آید اگر برای نمازهای بعد نتواند غسل کند باید مجدداً بدل از غسل تیمم نماید و بنا بر احتیاط مستحب وضو هم بگیرد.

احکام نماز

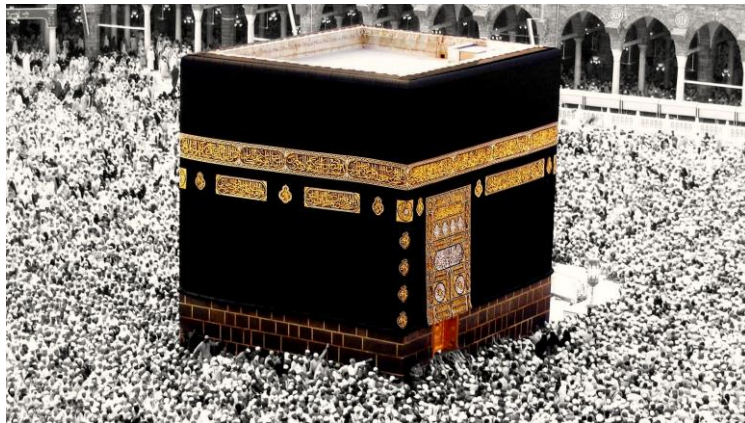


قبل از ورود در احکام نماز اشاره به دو نکته لازم است:
(اول) اهمیت نماز: در قرآن مجید نزدیک به صد مورد از نماز گفتگو شده، و اشاره به دو مورد آن کافاست:



۱ - بعد از آن که خداوند متعال حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام را به مقام نبوت و رسالت و خُلَّت^(۱) اختیار نمود و به کلمات آزمایش و مبتلا کرد و آن حضرت کلمات را اتمام نمود، به مقام امامت نایل شد، و آن قدر عظمت مقام امامت - بعد از آن همه مقامات - در نظرش جلوه کرد که **﴿قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾**^(۲) (گفت و از برای فرزندان من هم؟) جواب شنید **﴿لَا يَتَّالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾**^(۳) (پیمان من به ظالمین نمی‌رسد)، و در عظمت نماز همین اندازه بس که آن کس که خداوند متعال برای او مقام امامت را خواست و او برای ذریه‌اش مسألت کرد - بعد از طی تمام مقدمات - در جوار خانه خدا از خداوند متعال خواست: **﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾**^(۴) (پروردگارا مرا اقامه کننده نماز قرار بده و ذریه مرا).

و همچنین بعد از آن که ذریه خود را در نزد بیت مسکن داد، گفت **﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ﴾**^(۵) (پروردگارا ما هر آینه من از ذریه خودم مسکن دادم به بیابان بدون زرع نزد خانه محترم تو، پروردگارا برای اینکه اقامه نماز بنمایند).



۳. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۲. سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۱. دوستی.

۵. سوره ابراهیم، آیه ۳۷.

۴. سوره ابراهیم، آیه ۴۰.

۲ - در قرآن مجید يك سوره به نام مؤمنون است، و در آن مؤمنان به خصوصياتی معرفی شده‌اند، و اول خصوصیتی که به آن ابتدا شده این است که: ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾^(۱) (آنان که همانا در نمازشان خاشعند) و آخر خصوصیتی هم که به آن ختم می‌شود ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾^(۲) (و آن چنان کسانی که همانها بر نمازهایشان محافظت دارند).

سُورَةُ الْمُؤْمِنُونَ

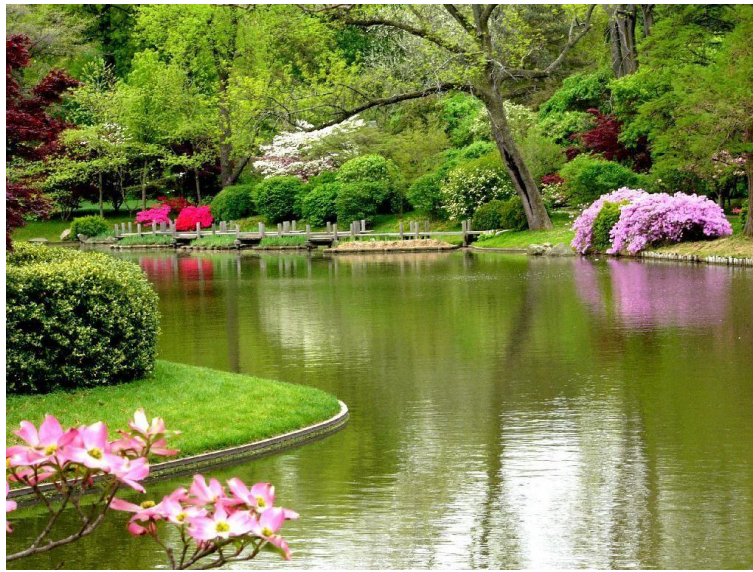
الْبُرْجَانِ



۱. سوره مؤمنون، آیه ۲.

۲. سوره مؤمنون، آیه ۹.

پس افتتاح ایمان و ختم ایمان به نماز است، ثمره آن هم این آیه است: ﴿وَلِيكَ هُمُ الْوَارِثُونَ﴾ * الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿^(۱)



و از سنت^(۲) همین اندازه بس است که از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: بعد از معرفت خدا چیزی را افضل از این صلوات پنجگانه نمی دانم، و عدم علم از آن حضرت، علم به عدم است^(۳) و این روایت بیان کلام خداست، و خداوند متعال هم در قرآن مجید می فرماید: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ * الَّذِينَ

۱. سوره مؤمنون، آیه ۱۰ و ۱۱.

۲. روایات چهارده معصوم علیهم السلام.

۳. وقتی حضرت می فرماید (چیزی را بهتر از نمازهای پنجگانه نمی دانم) یعنی می دانم که چیزی بهتر از نمازهای پنجگانه نیست.

يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ ^(۱) بعد از ایمان به غیب اقامه نماز ذکر شده است.

و در عظمت نماز همین اندازه کفایت می‌کند که جامع‌تر از نماز بین عبادات، عبادتی یافت نمی‌شود، زیرا این عبادتی است مشتمل بر عبادت فعلی و بر عبادت قولی، و عبادت فعلی آن شامل افعال عبادی از رکوع و سجود و قیام و قعود است، و عبادت قولی آن شامل قرائت و ذکر و جامع جمیع معارف الهیه از تسبیح و تکبیر و تحمید و تهلیل که ارکان اربعه معارف حضرت حق سبحانه و تعالی است، و مشتمل است بر تمام عبادات ملائکه مقربین، که عده‌ای از آنها عبادتشان در قیام است و عده‌ای در قعود و جمعی در رکوع و جمعی در سجود.

(دوم) انسان مواظب باشد که به عجله و شتاب زدگی نماز نخواند، و در حال نماز به یاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد، و متوجه باشد که با چه کسی سخن می‌گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم ناچیز ببیند. و نیز باید نمازگزار توبه و استغفار نماید و گناहانی را که مانع قبول شدن نماز است مانند حسد، کبر، غیبت، خوردن حرام، آشامیدن مسکرات، ندادن خمس و زکات و بلکه هر معصیتی را ترك کند.

و همچنین سزاوار است کارهایی را که ثواب نماز را کم می‌کند به‌جا نیاورد، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول به نماز نایستد و در موقع نماز به آسمان نگاه نکند، و کارهایی را که ثواب نماز را زیاد می‌کند به‌جا آورد، مثلاً انگشتر عقیق به

۱. سوره بقره، آیه ۲ و ۳.

دست کند و لباس پاکیزه بپوشد و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید.



نمازهای واجب

نمازهای واجب شش است:

(اول) نماز یومیه

(دوم) نماز آیات

(سوم) نماز میت

(چهارم) نماز طواف واجب خانه کعبه

(پنجم) نماز قضای پدر که بر پسر بزرگتر واجب است.

(ششم) نمازی که به واسطه اجاره و نذر و قسم و عهد و شرط در ضمن عقد^(۱)

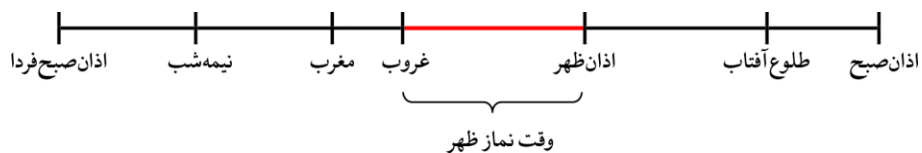
واجب می شود.

۱. مثلاً کسی ماشین خود را به دیگری بفروشد به شرط اینکه دو رکعت نماز برای اموات او بخواند.

نمازهای واجب یومیه^(۱)

نمازهای واجب یومیه - غیر از جمعه - پنج است، ظهر و عصر هر کدام چهار رکعت، مغرب سه رکعت، عشاء چهار رکعت، صبح دو رکعت.

وقت نماز ظهر و عصر



وقت نماز ظهر و عصر ما بین زوال^(۲) تا غروب آفتاب است.

وقت نماز مغرب و عشا

احتیاط واجب آن است که نماز مغرب را از پنهان شدن قرص خورشید تأخیر

۱. مهمترین مسائلی که در بحث نماز یومیه مطرح می شود عبارتند از:

(اول) مقدمات نماز که به آن شرایط نماز هم می گویند، یعنی کارهایی که انسان باید رعایت کند تا بتواند نماز را شروع کند، و مقدمات نماز پنج چیز است، وقت نماز، قبله، لباس نمازگزار، مکان نمازگزار، طهارت.

(دوم) مقارنات نماز که به آن واجبات یا اجزای نماز هم می گویند که یازده چیز است.

(سوم) مبطلات نماز که در آن از دوازده چیزی که نماز را باطل می کند بحث می شود.

(چهارم) شکایات نماز که در آن از ۲۳ شکی که ممکن است در نماز پیش بیاید بحث می شود.

(پنجم) نماز مسافر.

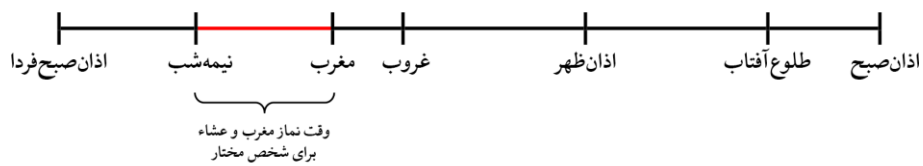
(ششم) نماز قضا.

(هفتم) نماز جماعت.

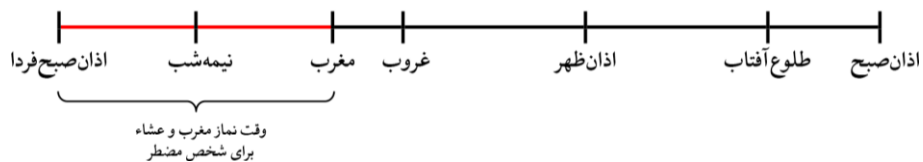
۲. وقت زوال یعنی وقت اذان ظهر. و آن وقتی است که سایه از طرف غرب به نهایت درجه کم می شود و از

سمت شرق شروع به زیاد شدن می کند.

بیندازد تا سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود از بالای سر انسان بگذرد.



وقت نماز مغرب و عشاء برای مختار تا نیمه شب امتداد دارد، و اما برای مضطر به جهت خواب یا فراموشی یا حیض یا غیر اینها تا طلوع فجر صادق^(۱) امتداد دارد. اگر عمداً نماز مغرب یا عشاء را تا نصف شب نخواند^(۲)، احوط آن است که تا قبل از اذان صبح بدون اینکه نیت ادا و قضا کند آن نماز را به جا آورد.^(۳)



۱. فجر صادق یعنی وقت اذان صبح.

۲. گناه کرده است.

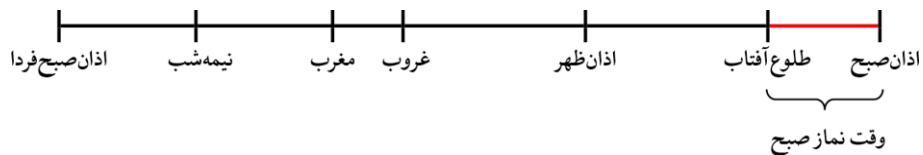
۳. یعنی بنا بر احتیاط واجب به قصد ما فی الذمه بخواند.

وقت نماز صبح

نزدیک اذان صبح از طرف مشرق، سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را فجر اول گویند، و موقعی که آن سفیده پهن شد، فجر دوم و اول وقت نماز صبح است.



و آخر وقت نماز صبح موقعی است که آفتاب طلوع می‌کند.



احکام وقت نماز

موقعی انسان می‌تواند مشغول نماز شود که یقین یا اطمینان کند وقت داخل شده است، یا دو مرد عادل یا شخصی که مورد وثوق باشد و ظن بر خلاف قول او نباشد، به داخل شدن وقت خبر دهد، یا کسی که وقت‌شناس و مورد اطمینان باشد برای اعلام دخول وقت اذان بگوید.

نماز در تنگی وقت

اگر وقت نماز به قدری تنگ است که به واسطه به‌جا آوردن بعضی از کارهای مستحب نماز مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید آن مستحب را به‌جا نیاورد، مثلاً اگر به واسطه خواندن قنوت، مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، باید قنوت را نخواند.

کسی که به اندازه خواندن يك رکعت نماز وقت دارد، نماز او اداء است، ولی نباید عمداً نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد.

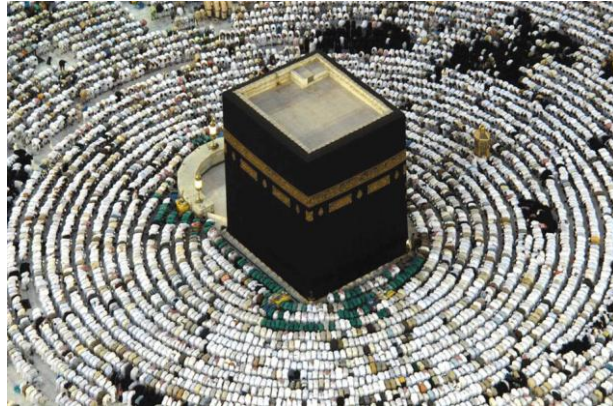
نماز اول وقت

مستحب است انسان نماز را در اول وقت بخواند، و راجع به آن خیلی سفارش شده است و هرچه به اول وقت نزدیکتر باشد بهتر است، مگر آن که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثل آن که صبر کند که نماز را به جماعت بخواند. (در صورتی که جماعت وقت فضیلت نباشد)

نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود

انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشاء را بعد از نماز مغرب بخواند، و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشاء را پیش از نماز مغرب بخواند، باطل است.

احکام قبله



مکانی که خانه کعبه در آن می باشد، قبله است و باید رو به آن نماز خواند، ولی کسی که دور است، اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند کافیت، و همچنین است کارهای دیگری - مانند سر بریدن حیوانات - که باید رو به قبله انجام گیرد.

سؤال: چه قسمت‌هایی از بدن باید رو به قبله باشد؟

جواب: کسی که نماز واجب را ایستاده می خواند، باید صورت و سینه و شکم او رو به قبله باشد، و احتیاط مستحب آن است که انگشتان پای او هم رو به قبله باشد. کسی که باید نشسته نماز بخواند، باید در موقع نماز صورت و سینه و شکم او رو به قبله باشد.

نماز مستحبی و قبله

نماز مستحبی را در حال استقرار بر زمین^(۱)، باید رو به قبله خواند، ولی در حال راه رفتن و سواری لازم نیست رو به قبله باشد، هر چند به نذر واجب شده باشد.

۱. یعنی اگر انسان در يك جا ساکن است (چه ایستاده باشد و چه نشسته) باید نماز مستحبی را رو به قبله بخواند.

پوشانیدن بدن در نماز

مرد باید در حال نماز اگرچه کسی او را نمی‌بیند عورتین خود را بپوشاند، و احتیاط مستحب آن است که از ناف تا زانو را هم بپوشاند.

زن باید در موقع نماز تمام بدن حتی سر و مو را بپوشاند، و احتیاط مستحب آن است که کف پاها را هم بپوشاند، ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود و دستها تا مچ و روی پاها تا مچ پا لازم نیست، اما برای آن که اطمینان کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین‌تر از مچ پاها را هم بپوشاند.^(۱)

شرایط لباس نمازگزار



لباس نمازگزار شش شرط دارد:
(اول) آن که پاک باشد.

۱. این حکم مربوط به مقدار واجب پوشش در نماز است و ربطی به مقدار واجب حجاب زن از نامحرم ندارد و حکم مقدار واجب حجاب زن خواهد آمد.

(دوم) آن که مباح باشد.

(سوم) آن که از اجزاء مردار نباشد. (از پوست یا بقیه اعضای حیوان مرده نباشد)

(چهارم) آن که از حیوان حرام گوشت نباشد.

(پنجم و ششم) آن که اگر نمازگزار مرد است لباس او ابریشم خالص و طلا باف

نباشد، و تفصیل اینها در مسائل آیند خواهد آمد.

توضیح شرط اول

لباس نمازگزار باید پاک باشد، و اگر کسی بداند که لباسش نجس است و در حال

اختیار با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است.

اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نمازش

صحیح است، و بنابر احتیاط مستحب اگر در وقت بفهمد اعاده^(۱) کند.

اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش

بیاید، نماز را دوباره بخواند، و اگر وقت گذشته قضا کند.

توضیح شرط دوم

پوشیدن لباس دیگران بدون رضایت صاحب آن حرام است و کسی که این حکم را

می‌داند اگر عمداً با لباس غصبی عورت خود را بپوشاند و نماز بخواند نمازش باطل

است ولی اگر نداند که لباس او غصبی است و با آن ستر^(۲) عورت کند و نماز بخواند،

نمازش صحیح است.

توضیح شرط سوم

لباس نمازگزار باید از اجزاء حیوان مرده‌ای که خون جهنده دارد - یعنی اگر رگش را

ببرند خون از آن جستن می‌کند - نباشد، بلکه اگر از حیوان مرده‌ای که مانند ماهی و

۱. اعاده کند یعنی دوباره بخواند.

۲. ستر عورت کند یعنی عورت را بپوشاند.

مار خون جهنده ندارد لباس تهیه کند، بنابر احتیاط واجب با آن نماز نخواند.

توضیح شرط چهارم

لباس نمازگزار باید از اجزاء حیوان حرام گوشت مانند گربه یا خرگوش نباشد، و اگر مویی از آن هم بر بدن یا لباس نمازگزار باشد نمازش باطل است.



توضیح شرط پنجم

پوشیدن لباس طلا باف برای مرد حرام، و نماز با آن باطل است، ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

طلا برای مردها

سؤال: حکم استفاده کردن از طلا برای مردان چیست؟

جواب: پوشیدن طلا^(۱)، مثل آویختن زنجیر طلا به گردن و بستن ساعت مچی طلا به دست و عینک طلا گذاشتن و انگشتر طلا به دست کردن و مانند اینها بر مرد

۱. چه طلای زرد و چه طلای سفید.

حرام، و نماز خواندن با آنها باطل است، ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.



اگر مردی نداند یا فراموش کند که مثلاً انگشتر یا لباس او از طلا است، یا شك داشته باشد و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.

توضیح شرط ششم

لباس مرد نمازگزار باید ابریشم خالص نباشد، و همچنین است بنا بر احتیاط واجب مثل عرقچین و بند شلوار، و در غیر نماز هم پوشیدن لباسی که ابریشم خالص باشد برای مردان حرام است.

پوشیدن لباس ابریشمی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

لباس شهرت و موهن

پوشیدن لباسی که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می خواهد آن را بپوشد معمول نیست، در صورتی که موجب هتك حرمت او، یا موجب شهرت و انگشت نما شدنش بشود حرام است، و اگر با آن در نماز ستر عورت کند بعید نیست که حکمش حکم لباس غضبی باشد.

پوشیدن لباس زنانه

اگر مرد لباس زنانه و زن لباس مردانه بپوشد، در صورتی که زیّ - پوشش - خود قرار دهد^(۱)، بنا بر احتیاط حرام است، و ستر عورت با آن در نماز بنا بر احتیاط موجب بطلان است.^(۲)

مواردی که لازم نیست بدن و لباس نمازگزار پاک باشد

در سه صورت اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است:

(اول) آن که به واسطه زخم یا جراحت یا دُملی که در بدن اوست، لباس یا بدنش به خون آلوده شده باشد.^(۳)

(دوم) آن که بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم به خون آلوده باشد، و اندازه درهم - از جهت عفو خون کمتر از آن در نماز - تقریباً به مقدار بند سرانگشت سبّابه (شهادت) می باشد.

(سوم) آن که ناچار باشد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

مکان نمازگزار

مکان نمازگزار هفت شرط دارد که بعضی از آنها عبارتند از

شرط اول

آن که مباح باشد.

۱. یعنی این لباس را یکی از لباسهای پوشیدنی خود مانند سایر لباسهایش قرار دهد نه اینکه اتفاقی به خاطر نداشتن لباس یا جهت دیگر گاهی بپوشد.

۲. و همچنین احتیاط واجب آن است که در لباس و انگشتری که نقش صورت - مثل انسان و حیوان - دارد نماز نخواند.

۳. البته باید به نحوی باشد که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای نوع مردم مشقت داشته باشد. ولی اگر خیلی سخت نباشد باید با بدن و لباس پاک نماز بخواند.

شرط دوم

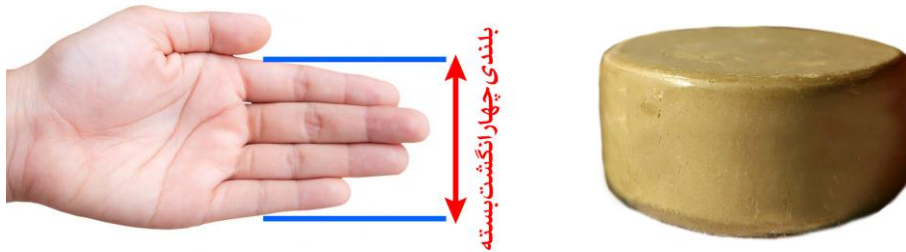
آن که مکان نمازگزار اگر نجس است طوری تر نباشد که نجاستی که موجب بطلان نماز است به بدن یا لباس او برسد^(۱)، ولی جایی که پیشانی را برای سجده بر آن می‌گذارد باید پاک باشد، و اگر نجس باشد، در صورتی که خشک هم باشد نماز باطل است، و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلاً نجس نباشد.

شرط سوم

باید بین مرد و زن^(۲) در حال نماز، حد اقل مقدار يك وجب فاصله باشد، ولی نماز خواندن در فاصله کمتر از ده ذراع^(۳) در غیر شهر مکه مکروه است.

شرط چهارم

باید جای پیشانی نمازگزار (مثلاً مهري که بر آن سجده می‌کند) از جای سر انگشتان پای او و بنا بر احتیاط واجب از جای زانوهای او، بیش از چهار انگشت بسته پست‌تر یا بلندتر نباشد.



۱. بنابراین اگر جایی که در آن نماز می‌خواند نجس ولی خشک باشد - در غیر محل سجده - اشکال ندارد.

۲. چه محرم باشند و چه نامحرم.

۳. هر ذراع تقریباً ۴۵/۸ سانتی متر است، و ده ذراع ۴۵۸ متر است.

بودن زن و مرد نامحرم در يك مكان

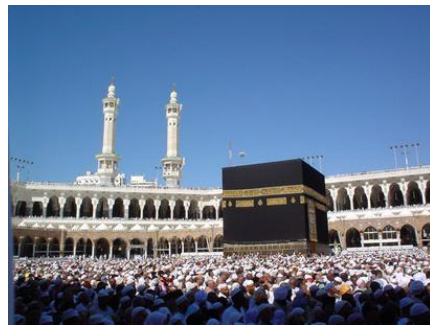
بودن زن و مرد نامحرم در جایی که کسی در آن جا نیست و کسی هم نمی‌تواند وارد شود در صورتی که احتمال وقوع در معصیت را بدهند، جایز نیست، و احتیاط مستحب آن است که در آن جا نماز نخوانند.

نماز خواندن در جایی که تار می‌زنند

نماز خواندن در جایی که تار می‌زنند، یا مانند آن را استعمال می‌کنند، باطل نیست، ولی گوش دادن به آنها حرام است، و همچنین است بودن در آن جا، مگر برای کسی که بودنش برای جلوگیری از آن عمل باشد.

جاهایی که نماز خواندن در آن مستحب است

در شرع مقدس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند، و بهتر از همه مسجدها مسجد الحرام است، و بعد از آن مسجد پیغمبر ﷺ، و بعد از آن مسجد کوفه، و بعد از آن مسجد بیت المقدس و بعد از آن مسجد جامع هر شهر، و بعد از آن مسجد محله، و بعد از آن مسجد بازار است.



سؤال: بهترین مکان برای نماز خواندن خانمها چه جایی است؟

جواب: برای زنها نماز خواندن در خانه، بلکه در پستوی خانه و اتاق عقب بهتر است.

نماز خواندن در حرم امامان علیهم السلام

نماز خواندن در حرم امامان علیهم السلام مستحب است، بلکه از بعضی روایات استفاده می‌شود که نماز در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و سیدالشهداء علیه السلام افضل از مسجد است.^(۱)



اهمیت مسجد

زیاد رفتن به مسجد و رفتن در مسجدی که نمازگزار ندارد مستحب است، و همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد، مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.

جاهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است

نماز خواندن در چند جا مکروه است، و از آن جمله است:

- ۱ - حمام، ۲ - مقابل انسان، ۳ - مقابل دری که باز است، ۴ - در آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشد، ۵ - روبروی عکس و مجسمه چیزی که روح دارد، مگر آن که روی آن پرده بکشند، ۶ - جایی که صورت جاندار باشد اگر چه روبروی نمازگزار نباشد.

۱. و منظور از حرم قسمتی است که ضریح مطهر در آن قرار دارد.

احکام مسجد

نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است و هر کس بفهمد که نجس شده است باید فوراً آن را تطهیر کند، و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکند و اگر نجس شود نجاستش را برطرف کند.



نجس کردن حرم امامان علیهم السلام حرام است، و اگر نجس شود، چنانچه نجس ماندن آن بی احترامی باشد تطهیر آن واجب است، بلکه احتیاط مستحب آن است که اگر بی احترامی هم نباشد آن را تطهیر کنند.

آداب مسجد

تمیز کردن مسجد و روشن کردن چراغ در آن مستحب است، و کسی که می خواهد مسجد برود مستحب است خود را خوشبو کند و لباس پاکیزه و قیمتی بپوشد، و ته کفش خود را واریسی کند که نجاستی به آن نباشد، و موقع داخل شدن به مسجد اول پای راست، و موقع بیرون آمدن اول پای چپ را بگذارد و همچنین مستحب است که از همه زودتر به مسجد آید و از همه دیرتر بیرون رود.

خوابیدن در مسجد اگر انسان ناچار نباشد، و صحبت کردن راجع به کارهای دنیا، و مشغول صنعت شدن، و خواندن شعری که نصیحت و مانند آن نباشد مکروه است، و نیز مکروه است گم شده‌ای را طلب کند، و صدای خود را بلند کند، ولی بلند کردن صدا برای اذان مانعی ندارد، بلکه مستحب است.

اذان و اقامه

اذان و اقامه فقط مخصوص نمازهای یومیه است

برای مرد و زن مستحب است پیش از نمازهای واجب یومیه اذان و اقامه بگویند، و برای نمازهای دیگر واجب یا مستحب مشروع نیست.

اذان در گوش بچه

مستحب است بچه‌ای که به دنیا می‌آید، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند، و بهتر است که روز اول ولادت باشد.

اذان هیجده جمله است:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» چهار مرتبه. «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هر يك دو مرتبه.

و اقامه هفده جمله است:

یعنی دو مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» از اول اذان، و يك مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» از آخر آن کم می‌شود و بعد از گفتن «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» باید دو مرتبه «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» اضافه نمود.

«أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» جزء اذان و اقامه نیست، ولی چون ولایت آن حضرت مکمل دین است، شهادت به آن در هر حال و از جمله بعد از «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

رَسُولُ اللَّهِ» از افضل قُرْبَات (۱) است.

اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

احکام اقامه

اقامه باید بعد از اذان گفته شود، و اگر قبل از اذان گفته شود صحیح نیست، و نیز در اقامه معتبر است که در حال ایستادن و طهارت از حدث (با وضو یا غسل یا تیمم) باشد.

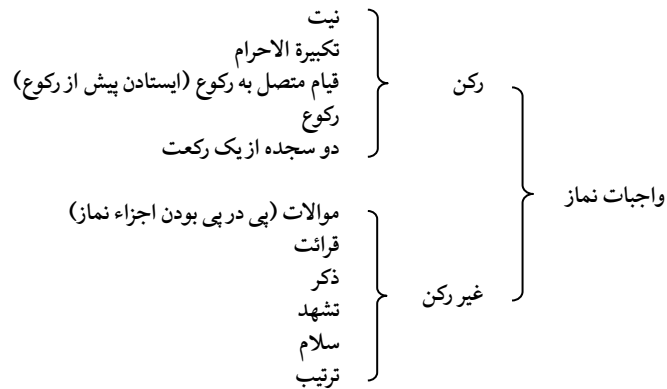
نکته: اذان و اقامه باید به عربی صحیح گفته شود.

واجبات نماز

واجبات نماز دو قسم است: رکن و غیر رکن.

رکن یعنی اگر انسان آن را بجا نیاورد عمداً باشد یا اشتبهاً نماز باطل می شود، و

غیر رکن یعنی اگر اشتبهاً کم شود نماز باطل نمی شود.



واجبات نماز یازده چیز است:

۱. یعنی از بهترین چیزهایی است که انسان را به خداوند متعال نزدیک می کند.

(اول) نیت

انسان باید نماز را به قصد قربت و با اخلاص به جا آورد، و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذرانند یا بر زبان جاری کند. (مثلاً لازم نیست بگوید چهار رکعت نماز ظهر بجا می آورم قربتاً الی الله)

انسان باید فقط برای خداوند عالم نماز بخواند، پس کسی که ریا کند، یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است، خواه فقط برای مردم باشد یا خدا و مردم هر دو را در نظر بگیرد.

(دوم) تکبیرة الاحرام



گفتن «اللَّهُ أَكْبَرُ» در اول هر نماز واجب و رکن است، و باید حروف «الله» و حروف «اکبر» و دو کلمه «الله اکبر» را پشت سر هم بگوید، و نیز باید این دو کلمه به عربی صحیح گفته شود و اگر به عربی غلط بگوید یا ترجمه آن را بگوید، باطل است. موقع گفتن تکبیرة الاحرام باید بدن آرام باشد، و اگر عمداً در حالی که بدنش حرکت دارد تکبیرة الاحرام را بگوید، باطل است.

تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را باید طوری بخواند که خودش بشنود، و اگر به واسطه سنگینی یا کری گوش یا سر و صدای زیاد نمی شنود، باید طوری بگوید که اگر

مانعی نباشد بشنود.

مستحب است موقع گفتن تکبیر اول نماز و تکبیرهای بین نماز دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد.



(سوم) قیام (ایستادن)

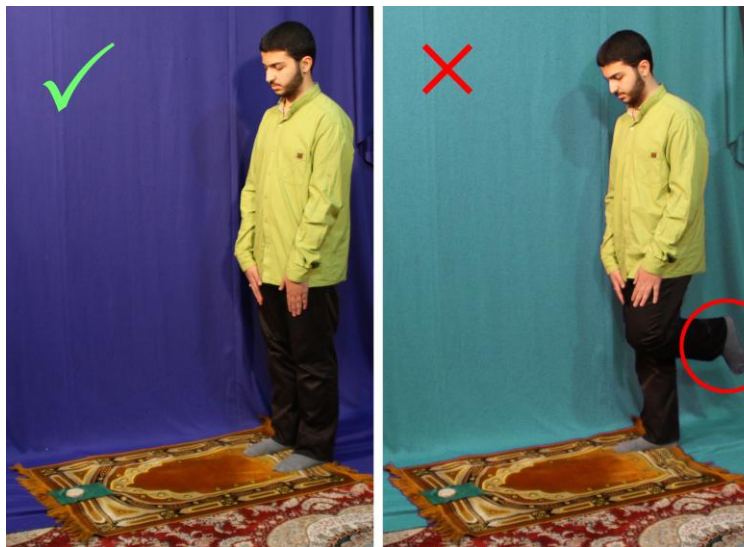


قیام در موقع گفتن تکبیرة الاحرام، و قیام پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می گویند

رکن است، ولی قیام در غیر این دو مانند قیام موقع خواندن حمد و سوره، و قیام بعد از رکوع رکن نیست، و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترك کند، نمازش صحیح است.

سؤال: در قیام چه نکاتی باید رعایت شود؟

جواب: موقعی که برای تکبیرة الاحرام یا قرائت ایستاده است، باید بدن را حرکت ندهد و به طرفی خم نشود، و بنابر احتیاط واجب در حال اختیار به جایی تکیه نکند، ولی اگر از روی ناچاری باشد، یا در حال خم شدن برای رکوع پاها را حرکت دهد، اشکال ندارد. احتیاط واجب آن است که در موقع ایستادن، هر دو پا روی زمین باشد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد، و اگر روی يك پا هم باشد اشکال ندارد.



موقعی که انسان در نماز مشغول خواندن چیزی از اذکار واجب است، باید بدنش آرام باشد و موقعی که می خواهد کمی جلو یا عقب رود، یا کمی بدن را به طرف راست یا چپ حرکت دهد، باید چیزی نگوید.

حرکت دادن دست و انگشتان در موقع قرائت و ذکرهای واجب اشکالی ندارد،

اگرچه احتیاط مستحب آن است که آنها را هم حرکت ندهد.
تا انسان می‌تواند ایستاده نماز بخواند، نباید بنشیند.
تا انسان می‌تواند بنشیند، نباید خوابیده نماز بخواند.

آداب قیام

مستحب است در حال ایستادن فقرات پشت و گردن را راست نگهدارد، و شانه‌ها را پایین بیندازد، و دستها را روی رانها بگذارد، وانگشتها را به هم بچسباند، و جای سجده را نگاه کند، و سنگینی بدن را به طور مساوی روی دو پا بیندازد، و با خضوع و خشوع باشد، و پاها را پس و پیش نگذارد، و اگر مرد است پاها را از سه انگشت باز تا يك و جب فاصله دهد، و اگر زن است پاها را به هم بچسباند.

(چهارم) قرائت^(۱)

چه سوره یا ذکرى باید خوانده شود؟

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، انسان باید اول حمد و بعد از آن يك سوره تمام بخواند، و در نماز سوره والضحی و الم نشرح، و همچنین سوره فیل و لایلاف، يك سوره حساب می‌شود.

فراموش کردن حمد و سوره

سؤال: اگر نمازگزار حمد یا سوره یا هر دو را فراموش کند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کند و بعد از رسیدن به رکوع

۱. در قرائت سه مطلب است:

الف - چه باید خوانده شود.

ب - جهر و اخفات (آهسته و بلند خواندن).

ج - صحیح خواندن نماز.

بفهمد، نمازش صحیح است.

سوره و نماز مستحبی

در نماز مستحبی خواندن سوره لازم نیست، اگرچه آن نماز به واسطه نذر کردن و مانند آن واجب شده باشد، ولی در بعضی از نمازهای مستحبی، مثل نماز وحشت^(۱) که سوره مخصوص دارد، اگر بخواهد به دستور آن نماز رفتار کرده باشد، باید همان سوره را بخواند.

در رکعت سوم و چهارم نماز می‌تواند فقط يك حمد بخواند، یا يك مرتبه تسبیحات اربعه بگوید: **(سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ)** و بهتر آن است که سه مرتبه بگوید، و می‌تواند در يك رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید، و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند. در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را يك مرتبه بگوید.

آهسته و بلند خواندن

<p>آنچه واجب است بلند خوانده شود، که عبارتست از: حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء برای مرد.</p> <p>آنچه واجب است آهسته خوانده شود، که عبارتست از: حمد و سوره نماز ظهر و عصر و حمد یا تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نمازها برای مرد و زن.</p>	<p>آهسته و بلند خواندن</p>
<p>۱- حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء برای زن در صورتی که نامحرم صدایش را نشنود.</p> <p>۲- ذکر و دعا و تشهد و سلام.</p>	

آنچه اختیاری است که عبارتست از:

بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند بخواند، و بر

۱. نمازی که در شب اول قبر برای میت می‌خوانند.

مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند.
مرد باید در نماز صبح و مغرب و عشاء مواظب باشد که تمام کلمات حمد و سوره حتی حرف آخر آنها را بلند بخواند.

اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند عمداً آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته بخواند عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است، ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد صحیح است، و اگر در بین خواندن حمد و سوره هم بفهمد اشتباه کرده، لازم نیست مقداری را که خوانده دوباره بخواند.

صحیح خواندن نماز

انسان باید نماز را یاد بگیرد که صحیح به جا آورد، و کسی که به هیچ وجه نمی تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید به هر طور که می تواند بخواند، و احتیاط مستحب آن است که آنچه را امام از مأموم^(۱) تحمّل^(۲) می کند، اگر نتواند یاد بگیرد، نماز را به جماعت به جا آورد.

اگر انسان کلمه ای را صحیح بداند، و در نماز همان طور بخواند، و بعد بفهمد غلط خوانده، در صورتی که در اعتقاد به صحت قاصر^(۳) بوده، نمازش صحیح است، و احتیاط مستحب آن است که دوباره بخواند، و اگر وقت گذشته قضا نماید، و در

۱. مأموم یعنی کسی که به امام جماعت اقتداء کرده است.

۲. یعنی حمد و سوره در نماز که امام می خواند و مأموم ساکت است.

۳. مثلاً اصلاً به ذهنش نمی رسیده که آن کلمه غلط باشد و در یادگیری نماز کوتاهی نکرده باشد.

نکته: رعایت همه قواعد تجوید در نماز لازم نیست ولی باید کلمات و حروف در نماز به نحوی ادا شود که اگر پیش کسانی که زبان آنها عربی است بخواند، بگویند صحیح است. بنابراین اگر کسی در نماز بجای حرف (ص) بگوید (س) و مانند اینها، در زبان عربی این حرف صحیح ادا نشده است.

صورتی که مقصّر بوده باید دوباره بخواند، و اگر وقت گذشته قضا نماید.

آداب قرائت

مستحب است در رکعت اول پیش از خواندن حمد بگوید: **(أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ)** و در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر (بسم الله) را بلند بگویند، و حمد و سوره را شمرده بخوانند، و در آخر هر آیه وقف کند، یعنی آن آیه را به آیه بعد نچسباند، و در حال خواندن حمد و سوره به معنای آیه توجه داشته باشد، و اگر نماز را به جماعت می خوانند بعد از تمام شدن حمد امام، و اگر فرادا می خوانند بعد از آن که حمد خودش تمام شد بگوید **(الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ)** و بعد از خواندن سوره (قل هو الله احد) يك يا دو يا سه مرتبه **(كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي)** یا سه مرتبه **(كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا)** بگویند، و بعد از خواندن سوره کمی صبر کند بعد تکبیر پیش از رکوع را بگویند یا قنوت را بخوانند.

مستحب است در تمام نمازها در رکعت اول، سوره (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) و در رکعت دوم سوره (قل هو الله احد) را بخوانند.

خواندن سوره (قل هو الله احد) به يك نفس مکروه است.

سوره ای را که در رکعت اول خوانده مکروه است در رکعت دوم بخوانند، ولی اگر

سوره (قل هو الله احد) را در هر دو رکعت بخوانند مکروه نیست.

(پنجم) رکوع

در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه ای خم شود که سر انگشتها به زانو برسد، و

این عمل را رکوع می گویند، و احوط آن است که بتواند دست را به زانو بگذارد.

اگر به اندازه رکوع خم شود ولی سر انگشتها را به زانو نگذارد، اشکال ندارد.

کسی که نشسته رکوع می کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوها

برسد، و احوط آن است که به قدری خم شود که اگر ایستاده رکوع می‌کرد به همان مقدار خم می‌شد.



ذکر رکوع

در حال اختیار واجب است در رکوع سه مرتبه **(سُبْحَانَ اللَّهِ)** یا یک مرتبه **(سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ)** یا هر ذکری که به این مقدار باشد بگوید، و احتیاط مستحب آن است که تسبیح را به صورتی که بیان شد بر ذکر دیگر مقدم بدارد، و در تنگی وقت و در حال ناچاری گفتن یک **(سُبْحَانَ اللَّهِ)** کافیت.

ذکر رکوع باید دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود، و مستحب است آن را **(سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ)** سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگوید.

آرام بودن بدن

در ذکر رکوع باید به مقدار ذکر واجب بدن آرام باشد، و در ذکر مستحب هم اگر آن را به قصد ذکری که برای رکوع دستور داده‌اند بگوید، بنابر احتیاط واجب آرام بودن بدن لازم است، و اگر به قصد مطلق ذکر بگوید لازم نیست.

ایستادن بعد از رکوع

بعد از تمام شدن ذکر رکوع باید راست بایستد، و بعد از آن که بدن آرام گرفت به سجده رود، و اگر عمداً پیش از ایستادن یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده رود نمازش باطل است.

(ششم) سجود



نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده کند، یعنی پیشانی را به قصد خضوع به زمین بگذارد، و در سجده نماز واجب است که کف دو دست و دو زانو و دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد.

در حال اختیار واجب است در سجده سه مرتبه **(سُبْحَانَ اللَّهِ)** یا یک مرتبه **(سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ)** یا هر ذکری که به این مقدار باشد بگوید، و احتیاط مستحب آن است که تسبیح را بر مطلق ذکر مقدم بدارد، و باید این کلمات دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود، و مستحب است **(سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ)** را

سه یا پنج یا هفت مرتبه یا بیشتر بگوید.

آرام بودن بدن

در سجود باید به مقدار ذکر واجب بدن آرام باشد، و همچنین - بنا بر احتیاط واجب - در موقع گفتن ذکر مستحب، در صورتی که آن را به قصد ذکر در سجده بگوید. بعد از تمام شدن ذکر سجده اول باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

چرک بودن مُهر

سؤال: اگر مُهر چرک باشد سجده صحیح است؟

جواب: باید بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند، چیزی فاصله نباشد، پس اگر مُهر به قدری چرک باشد که پیشانی به خود مُهر نرسد، سجده باطل است، ولی اگر مثلاً رنگ مُهر تغییر کرده باشد اشکال ندارد.



پاک بودن جای سجده

مُهر یا چیز دیگری که بر آن سجده می‌کند باید پاک باشد، ولی اگر مثلاً مُهر را روی فرش نجس بگذارد، یا یک طرف مُهر نجس باشد و پیشانی را به طرف پاک آن بگذارد، اشکال ندارد.

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است

خاک



چوب



سنگ

سجده باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی و پوشاکی که از زمین می‌روید - مانند چوب و برگ درخت - باشد و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی، مانند گندم و جو و پنبه، و چیزهایی که زمین و رویدنی از زمین بر آنها صدق نمی‌کند، مانند طلا و نقره و قیر و زفت و امثال اینها صحیح نیست، و همچنین است بنا بر احتیاط واجب سجده بر سنگهای گرانبها مانند زمرد و فیروزه.

سجده بر کاغذ

سؤال: آیا سجده بر کاغذ صحیح است؟

جواب: اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است - مثلاً از کاه - ساخته

باشند، می شود بر آن سجده کرد، ولی سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده باشد محلّ اشکال^(۱) است.

بهترین چیز برای سجده

برای سجده بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام می باشد، بعد از آن خاک، بعد از خاک سنگ، و بعد از سنگ گیاه است.



اگر در سجده اول مُهر به پیشانی بچسبید، باید برای سجده دوم مُهر را بردارد.

۱. یعنی بنا بر احتیاط واجب سجده بر آن صحیح نیست.



نکته: سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام می باشد، و بعضی از مردم که مقابل قبر امامان علیهم السلام پیشانی را به زمین می گذارند، اگر برای شکر خداوند متعال باشد اشکال ندارد، وگرنه حرام است.

مستحبات سجده

در سجده چند چیز مستحب است:

۱ - کسی که ایستاده نماز می خواند بعد از آن که سر از رکوع برداشت و کاملاً ایستاد، و کسی که نشسته نماز می خواند بعد از آن که کاملاً نشست، برای رفتن به سجده تکبیر بگوید.

۲ - بینی را به مهر یا چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد.

۳ - بعد از هر سجده وقتی نشست و بدنش آرام گرفت تکبیر بگوید.

۴ - بعد از سجده اول بدنش که آرام گرفت «**أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَآتُوبُ إِلَيْهِ**»

بگوید.

۵ - در سجده‌ها صلوات بفرستد.

(هفتم) تشهد



در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و مستحب، و رکعت سوم نماز مغرب، و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشاء باید انسان بعد از سجده دوم تشهد بخواند، یعنی بگوید: «**أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**» و احتیاط واجب آن است که به غیر کیفیت ذکر شده نگوید.

کلمات تشهد باید به عربی صحیح و به طوری که معمول است پشت سر هم گفته شود.

(هشتم) سلام نماز

بعد از تشهد رکعت آخر نماز مستحب است در حالی که نشسته و بدن آرام است

بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» و بعد از آن باید بگوید: ^(۱) «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» یا بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْنُكُمْ» و مستحب است که به جمله «السَّلَامُ عَلَيْنُكُمْ» جمله «و رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» را اضافه نماید، و در صورتی که «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» را اول بگوید مستحب است که بعد از آن «السَّلَامُ عَلَيْنُكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ» را هم بگوید.

(نهم) ترتیب

اگر عمداً ترتیب نماز را به هم بزند، نماز باطل می‌شود، مثل آن که سوره را پیش از حمد بخواند، مگر اینکه به هم خوردن ترتیب در غیر دو رکن باشد و آن شخص هم جاهل قاصر باشد، که در این صورت نماز صحیح است.

(دهم) موالات

انسان باید نماز را با موالات بخواند، یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سرهم به جا آورد و بین آنها به اندازه‌ای فاصله نیندازد که صورت نماز به هم بخورد، و همچنین چیزهایی را که در نماز می‌خواند، به طوری که معمول است پشت سرهم بخواند، و اگر به قدری بین آنها فاصله بیندازد که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است. ^(۲)

نکته: طول دادن رکوع و سجود، و خواندن سوره‌های بزرگ موالات را به هم نمی‌زند.

۱. واجب است بگوید:

۲. واجب یازدهم در نماز (ذکر) است که در طی مسائل دیگر بیان شد.

قنوت



در تمام نمازهای واجب و مستحب، بعد از قرائت و قبل از رکوع رکعت دوم مستحب است قنوت بخواند، و در نماز شفع^(۱) احوط آن است که به رجاء^(۲) مطلوبیت بخواند، و در نماز وتر با آن که يك رکعت می باشد، خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است.

۱. دو رکعت نماز مستحبی است که بعد از هشت رکعت نافله شب خوانده می شود.

۲. به امید اینکه در نزد خداوند متعال مطلوب باشد.

حالت دستها در قنوت

مستحب است در قنوت دستها را مقابل صورت، و کف آنها را رو به آسمان و پهلوی هم نگهدارد، و غیر شست، انگشتهای دیگر را به هم بچسباند، و به کف دستها نگاه کند.



در قنوت هر چه بر زبان بیاید از دعا و مناجات و ذکر، اگرچه يك (سبحان الله) باشد کافیت.

مبطلات نماز

دوازده چیز نماز را باطل می‌کند، و آنها را مبطلات می‌گویند:

- (اول) آن که در بین نماز یکی از شرطهای آن از بین برود، مثلاً در بین نماز بفهمد ساترش^(۱) غصبی است.
- (دوم) آن که در بین نماز عمدتاً یا سهواً یا از روی ناچاری چیزی که وضو یا غسل

۱. یعنی چیزی که با آن عورتش را می‌پوشاند.

را باطل می‌کند پیش آید.

(سوم) آن است که دستها را به قصد اینکه جزء نماز باشد روی هم بگذارد، مگر این که جاهل قاصر باشد، و همچنین - بنابر احتیاط واجب - در صورتی که به قصد عبودیت^(۱) به جا آورد، مگر اینکه جاهل قاصر باشد.

(چهارم) آن است که بعد از خواندن حمد - در صورتی که قصد دعا نکند و یا به قصد اینکه جزء نماز باشد - آمین بگوید، بلکه گفتن آن بعد از خواندن حمد به قصد دعا هم محل اشکال است، ولی اگر جاهل قاصر باشد، و یا اشتهاً و یا از روی تقیه^(۲) بگوید، نماز اشکال ندارد.

(پنجم) آن است که عمداً پشت به قبله کند، یا به طرف راست یا چپ قبله برگردد، بلکه اگر عمداً به قدری برگردد که نگویند رو به قبله است، اگرچه به طرف راست یا چپ نرسد، نمازش باطل است.

(ششم) آن است که عمداً تکلم کند.

(هفتم) از مبطلات نماز خنده با صدا و عمدی است، مگر این که جاهل قاصر باشد، و چنانچه عمداً بی صدا یا سهواً باصدا بخندد، نمازش اشکال ندارد.

(هشتم) بنابر احتیاط واجب آن است که برای کار دنیا عمداً گریه کند، مگر اینکه جاهل قاصر باشد، و اگر از ترس خدا یا برای آخرت گریه کند از بهترین اعمال است.

(نهم) از مبطلات نماز کاری است که صورت نماز را به هم بزند، به طوری که عرفاً نگویند نماز می‌خواند - مثل به هوا پریدن و مانند آن - عمداً باشد یا از روی فراموشی، ولی کاری که صورت نماز را به هم نزند، مثل اشاره کردن به دست اشکال ندارد.

۱. به قصد عبادت خداوند تعالی. (یعنی دست روی هم و بر شکم یا سینه قرار دادن را به قصد اینکه عبادت خداوند است انجام دهد)

۲. تقیه یعنی برای حفظ جان یا مال یا عرض خود یا نفس محترمه دیگر - یعنی کسی که حفظ جاننش لازم است - از خطرات مجبور باشد کاری که جایز نیست را انجام دهد.

(دهم) از مبطلات نماز خوردن و آشامیدن است.



(یازدهم) از مبطلات نماز شك در رکعت‌های نماز دو رکعتی - مانند نماز صبح و نماز مسافر - یا سه رکعتی، یا در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی است، در صورتی که نمازگزار در حال شك باقی بماند.

(دوازدهم) آن است که رکن نماز را عمداً یا سهواً کم کند، یا چیزی را که رکن نیست عمداً کم یا زیاد نماید، مگر اینکه جاهل قاصر باشد، و اگر رکوع یا دو سجده از يك رکعت را عمداً یا سهواً زیاد کند نمازش باطل می‌شود، ولی زیاد کردن تکبیرة الإحرام سهواً مبطل نماز نیست، و بطلان نماز به زیادی عمدی آن از جاهل قاصر محل اشکال است.

نکته: اگر بعد از نماز شك کند که در بین نماز کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده یا نه، نمازش صحیح است.

شکیات

شکیات نماز بیست و سه قسم است: هشت قسم آن شکهایی است که نماز را باطل می‌کند هرچند بطلان در بعضی از آنها مبنی بر احتیاط^(۱) است، و به شش قسم آن نباید اعتنا کرد، و نه قسم دیگر آن صحیح است.

- ۱- شک در شماره رکعت‌های نماز دو رکعتی واجب.
- ۲- شک در شماره رکعت‌های نماز سه رکعتی.
- ۳- در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر.
- ۴- در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن ذکر سجده دوم شک کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر.
- ۵- شک در رکعت‌های نماز که نداند چند رکعت خوانده است.
- ۶- شک بین دو و پنج، یا دو و بیشتر از پنج، ولی در این شک - بنا بر احتیاط واجب - بنا را بر دو بگذارد و نماز را تمام کند، و اعاده نماید.
- ۷- شک بین سه و شش، و سه و بیشتر از شش، ولی در این شک - بنا بر احتیاط واجب - بنا را بر سه بگذارد و نماز را تمام کند و اعاده نماید.
- ۸- شک بین چهار و شش، و چهار و بیشتر از شش که احتیاط واجب آن است بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند، و اعاده نماید.

شکهایی که نماز را باطل می‌کند عبارتند از:

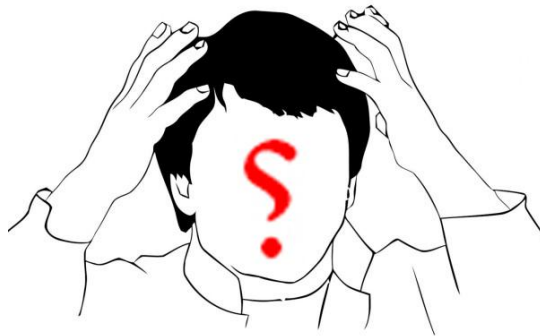
۱. یعنی در بعضی موارد نماز بنا بر احتیاط واجب باطل می‌شود.

- شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد
عبارتند از:
- ۱- شک بعد از محل
 - ۲- شک بعد از سلام نماز
 - ۳- شک بعد از وقت نماز
 - ۴- شک کثیر الشک
 - ۵- شک امام و ماموم در شماره رکعت‌های نماز
 - ۶- شک در نماز مستحبی و نماز احتیاط

- شک‌های صحیح
عبارتند از:
- ۱- بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم شک کند که دو رکعت خوانده است یا سه رکعت.
 - ۲- شک بین دو و چهار بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم.
 - ۳- شک بین دو و سه و چهار بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم.
 - ۴- شک بین چهار و پنج بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم.
 - ۵- شک بین سه و چهار.
 - ۶- شک بین چهار و پنج در حالی که ایستاده است.
 - ۷- شک بین سه و پنج در حالی که ایستاده است.
 - ۸- شک بین سه و چهار و پنج در حالی که ایستاده است.
 - ۹- شک بین پنج و شش در حالی که ایستاده است.

توضیح شکهای باطل کننده

بعضی از شکهایی که نماز را باطل می‌کند از این قرار است:



(اول) شك در شماره رکعت‌های نماز دو رکعتی واجب، مثل نماز صبح و نماز مسافر، ولی شك در شماره رکعت‌های نماز مستحب و نماز احتیاط نماز را باطل نمی‌کند.

(دوم) شك در شماره رکعت‌های نماز سه رکعتی.

(سوم) آن که در نماز چهار رکعتی شك کند که يك رکعت خوانده یا بیشتر.

(چهارم) آن که در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن ذکر سجده دوم شك کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر.

(پنجم) شك در رکعت‌های نماز که نداند چند رکعت خوانده است.

نکته: اگر یکی از شکهای باطل کننده برای انسان پیش آید، باید به قدری فکر کند که آن شك مستقر^(۱) شود و بعد از آن می‌تواند نماز را به هم بزند، و بهتر آن است که به قدری فکر کند که صورت نماز به هم بخورد.

۱. یعنی پابرجا بماند و ذهن او به يك طرف مایل نشود.

توضیح شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد

شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد از این قرار است:

- (اول) شك در چیزی که محل به جا آوردن آن گذشته است، مثل آن که در رکوع شك کند که حمد را خوانده یا نه.
- (دوم) شك بعد از سلام نماز.
- (سوم) شك بعد از گذشتن وقت نماز.
- (چهارم) شك کثیر الشك، یعنی کسی که زیاد شك می کند.
- (پنجم) شك امام در شماره رکعت های نماز، در صورتی که مأموم شماره آنها را بداند، و همچنین شك مأموم در صورتی که امام شماره رکعت های نماز را بداند.
- (ششم) شك در نمازهای مستحبی و نماز احتیاط.

توضیح شکهای صحیح

در نُه صورت، اگر در شماره رکعت های نماز چهار رکعتی شك کند، باید فکر نماید، و بنابر احتیاط واجب تأخیر نیندازد، پس اگر یقین یا گمان به يك طرف شك پیدا کرد، همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند، وگرنه به دستورهایی که بیان می شود عمل نماید، و بعضی از آن نُه صورت از این قرار است:

(اول) آن که بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم شك کند که دو رکعت خوانده است یا سه رکعت که باید بنا بگذارد سه رکعت خوانده است و يك رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز يك رکعت نماز احتیاط ایستاده به جا آورد.

(دوم) شك بین سه و چهار که در هر جای نماز باشد باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند، و بنابر مشهور بعد از نماز يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد، ولی احتیاط واجب آن است که دو رکعت نماز نشسته را

اختیار کند.

(سوم) شك بين چهار و پنج بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم، که باید بنا را بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو به جا آورد.

(چهارم) شك بين چهار و پنج در حالی که ایستاده است، که باید بنشیند و تشهد بخواند و سلام نماز را بدهد، و بنا بر مشهور بعد از نماز يك رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد، ولی احتیاط واجب آن است که دو رکعت نماز نشسته را اختیار کند.

نکته: اگر یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید نباید نماز را بشکند، بلکه به دستوری که برای آن شك هست عمل نماید.

نماز احتیاط

کسی که نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و تکبیر بگوید و حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید، پس اگر يك رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده تشهد بخواند و سلام دهد.

نماز احتیاط سوره و قنوت ندارد، و باید آن را آهسته بخواند و نیت آن را به زبان نیاورد، و بنا بر احتیاط واجب «بسم الله» آن را هم آهسته بگوید.

سجده سهو

برای پنج چیز بعد از سلام نماز، باید دو سجده سهو به دستوری که می آید به جا آورد:

(اول) آن که در بین نماز سهواً حرف بزند.

(دوم) آن که تشهد را فراموش کند.

(سوم) آن که در نماز چهار رکعتی بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم، شك

کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، و همچنین در شك بین پنج و شش در حال ایستادن.

(چهارم) آن که بنا بر احتیاط واجب جایی که نباید سلام نماز را بدهد - مثلاً در رکعت اول - سهوا سلام بدهد.

(پنجم) آن که بنا بر احتیاط واجب يك سجده را فراموش کند، و همچنین برای هر چیزی که در نماز اشتباهاً کم یا زیاد کند.

دستور سجده سهو

دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز فوراً تیت سجده سهو کند، و پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد، و احتیاط واجب آن است که سایر مواضع سجده را هم بر زمین بگذارد و این ذکر را بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ» و بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و ذکری را که گذشت بگوید، و بنشیند و بعد از تشهد سلام دهد، و احتیاط واجب آن است که تشهد به نحو متعارف باشد و در سلام بگوید: «اَلْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ».

نماز مسافر^(۱)

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشاء را با هشت شرط شکسته به جا آورد، یعنی دو رکعت بخواند.

شرایط شکسته شدن نماز

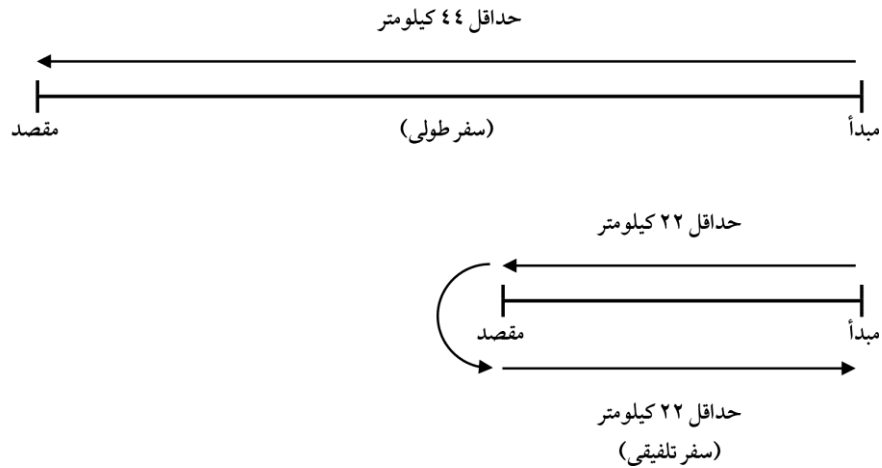
شرط اول: آن که سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد، و فرسخ شرعی

۱. در نماز مسافر چهار مطلب مطرح است:

الف - شرایط شکسته شدن نماز ب - کثیر السفر

ج - وطن د - قصد ده روز

تقریباً کمتر از پنج کیلومتر و نیم است.^(۱)



شرط دوم: آن که از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد، پس اگر به جایی که کمتر از هشت فرسخ است مسافرت کند و بعد از رسیدن به آن جا قصد کند به جایی برود که با مقداری که آمده هشت فرسخ می شود، چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته، باید نماز را تمام بخواند.

شرط سوم: آن که در بین راه از قصد سفر خود برنگردد.

شرط چهارم: آن که نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد، یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند.

شرط پنجم: آن که برای کار حرام سفر نکند. مانند سفری که موجب اذیت پدر یا مادر باشد.

۱. هشت فرسخ شرعی تقریباً ۴۴ کیلومتر است. بنابراین اگر انسان به جایی سفر کند که قصد دارد در آنجا ده روز بماند و مسافت تا آنجا ۴۴ کیلومتر یا بیشتر است و یا مسیر رفت آن حداقل ۲۲ کیلومتر و مسیر برگشت آنهم ۲۲ کیلومتر یا بیشتر باشد، نمازش شکسته است.

شرط ششم: از کسانی نباشد که خانه به دوشند، مانند صحرا نشینها که در بیابانها گردش می کنند و هر جا آب و خوراک برای خود و احشامشان پیدا کنند می مانند، و بعد از چندی به جای دیگر می روند.

شرط هفتم: آن که شغل او مسافرت نباشد، و همچنین باید شغل او هم در سفر نباشد.^(۱)

شرط هشتم: آن که به حدّ ترخص^(۲) برسد، یعنی از وطنش به قدری دور شود که

۱. کسانی که زیاد سفر می کنند سه دسته اند:

(اول) کسی که شغل او سفر کردن است، مثل راننده و خلبان.

(دوم) کسی که شغل او در سفر است، مثل کسی که زمین کشاورزی او در ۵۰ کیلومتری محل سکونتش قرار دارد و به آنجا رفت و آمد می کند.

(سوم) کسی که نه شغل او سفر کردن است و نه شغل او در سفر است، بلکه برای کارهای شخصی یا برای تفریح یا زیارت زیاد سفر می کند.

و اما اول: مثل راننده و خلبان و مانند اینها، اگر تعداد سفرهای آنها به مقداری باشد که عرفاً بگویند شغل آنها سفر است، باید نمازشان را تمام بخوانند. یعنی حداقل نیمی از ایام هفته یا ماه را سفر کنند.

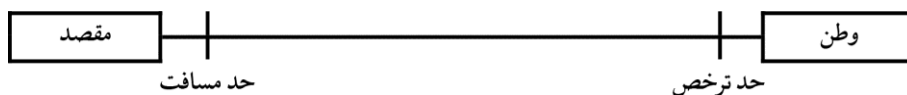
و اما دوم: مثل کسی که شغلش در سفر است اگر حالت او به نحوی است که اکثر روزها، یا مثلاً یک روز در میان برای انجام کار سفر می کند باید نمازش را تمام بخواند، البته باید دوره کار او بنا بر احتیاط واجب از سه ماه کمتر نباشد. طلاب و دانشجویان و دانش آموزان هم اگر اکثر روزها برای درس خواندن مسافرت می کنند، حکم کسی را دارند که شغلش در سفر است.

کسی که شغلش سفر کردن است - مثل راننده - و همچنین کسی که شغل او در سفر است، چنانچه در بین سفرهای شغلی، به یک سفر غیر شغلی بروند - مثلاً برای تفریح یا زیارت - نماز آنها شکسته است.

و اما سوم: کسی که نه شغل او سفر کردن است و نه شغل او در سفر، باید در سفر نمازهای خود را شکسته بخواند، اگرچه زیاد سفر کند. (مگر آن که سفرش از حضورش در وطن بیشتر باشد که در این صورت با شرایط و خصوصیات نمازش تمام است).

۲. حدّ ترخص با حدّ مسافت نباید اشتباه شود. حد ترخص مقداری است که بیان شد و حدّ مسافت هشت

اذان شهر را نشنود، و وقتی اهل شهر را نبیند یقیناً به حدّ ترخص رسیده است، ولی باید مانعی نباشد.



وطن

محلی را که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده وطن اوست، ولی اگر در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، اختیار کردن برای زندگی معتبر نیست، بلکه تا اعراض^(۱) نکرده وطن اوست.

اصلی: جایی که انسان به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، البته صرف تولد کافی نیست و باید مقداری در آن محل زندگی کرده باشد.
اتخاذی: محلی که انسان برای اقامت و زندگی دائم انتخاب کرده است.
حکمی: جایی که انسان برای مدت محدودی - بنابر احتیاط واجب حد اقل دو سال - برای زندگی انتخاب کرده و مثل وطن در آن زندگی می‌کند. این مکان برای او وطن به حساب نمی‌آید ولی احکام وطن در آن جاری است.

اقسام وطن

جایی که در حکم وطن است

جایی را که انسان محل زندگی خود قرار داده و مثل کسی که آنجا وطن اوست در آن جا زندگی می‌کند، که اگر مسافرتی برای او پیش آید دوباره به همانجا برمی‌گردد -



فرسخ شرعی است. بنابراین اگر کسی قصد دارد که هشت فرسخ شرعی یا بیشتر سفر کند چنانچه از حدّ ترخص عبور کند نمازش شکسته می‌شود، ولی اگر کسی قصد هشت فرسخ را ندارد، هر چند از حدّ ترخص عبور نماید نمازش کامل است.

۱. اگر انسان احتمال عقلایی ندهد که در آینده دوباره برای زندگی دائمی به وطن قبلی خود برگردد، می‌گویند آن شخص از وطن خود اعراض کرده است، که در این صورت اگر به آنجا سفر کند نمازش شکسته است.

اگرچه قصد نداشته باشد که همیشه در آنجا بماند - وطن او نیست، ولی احکام وطن بر آن جاری می‌شود.

اعراض از وطن

اگر به جایی برسد که وطن او بوده و از آن جا صرف نظر کرده، حکم وطن بر آن جاری نیست.

قصد ده روز^(۱)

مسافری که قصد دارد ده روز پشت سر هم در محلی بماند، یا می‌داند که بدون اختیار ده روز در محلی می‌ماند، در آن محل باید نماز را تمام بخواند.

کسی که تصمیم دارد ده روز در محلی بماند، اگر احتمال بدهد که برای ماندن او مانعی پیدا شود و احتمال او عقلایی^(۲) باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

برگشتن از قصد ده روز

سؤال: اگر از قصد ده روز برگردد وظیفه او چیست؟

جواب: اگر مسافری قصد کند ده روز در محلی بماند، چنانچه پیش از خواندن يك نماز چهار رکعتی ادائی از ماندن منصرف شود یا مردّد شود که در آنجا بماند یا به جای دیگر برود، باید نماز را شکسته بخواند، ولی اگر بعد از خواندن يك نماز چهار

۱. اگر کسی در بین روز وارد محلی بشود در صورتی قصد ده روز او صحیح است که بخواهد ۲۴۰ ساعت در آن محل بماند، مثلاً اگر ساعت ده صبح وارد آن محل شده باشد، چنانچه بخواهد تا ده صبح روز یازدهم بماند، قصد ده روز او صحیح است. ولی اگر کسی قبل از اذان صبح وارد شهری بشود، اگر قصد داشته باشد تا غروب روز دهم در آن شهر بماند، قصد ده روز او صحیح است، اگر چه ماندن او کمتر از ۲۴۰ ساعت می‌شود.

۲. یعنی احتمالی که در نظر مردم مورد اعتنا باشد.

رکعتی ادائی از ماندن منصرف شود یا مردّد شود، تا وقتی که در آنجا هست باید نماز را تمام بخواند.

ماندن بیشتر از ده روز

مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند، تا وقتی که مسافرت نکرده باید نمازش را تمام بخواند، و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

مسائل متفرقه نماز مسافر

۱- مسافری که نمی‌داند باید نماز را شکسته بخواند، اگر تمام بخواند نمازش صحیح است.

۲- کسی که می‌داند مسافر است و باید نماز را شکسته بخواند، اگر عمداً تمام بخواند، نمازش باطل است، و اگر فراموش کند که نماز مسافر شکسته است و تمام بخواند، چنانچه در وقت یادش بیاید باید اعاده کند، و اگر بعد از وقت یادش بیاید قضا بر او نیست.

۳- اگر مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشاء او قضا شود، باید آن را دو رکعتی قضا نماید، اگر چه در غیر سفر بخواند قضای آن را به جا آورد و اگر از کسی که مسافر نیست یکی از این سه نماز قضا شود، باید چهار رکعتی قضا نماید، اگر چه در سفر بخواند آن را قضا نماید.

نماز قضا^(۱)

کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده باید قضای آن را به جا آورد.

۱. خواندن نماز قضا وقت خاصی ندارد و انسان می‌تواند در هر وقت از شبانه روز نماز قضا بخواند، مثلاً می‌تواند صبح قضای نماز ظهر را بخواند، یا شب نماز صبح را قضا نماید.

همچنین اگر بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده، باید قضای آن را به جا آورد.

سؤال: آیا واجب است انسان نماز قضا شده را فوراً بخواند؟

جواب: کسی که نماز قضا دارد باید در خواندن آن کوتاهی نکند، ولی واجب نیست فوراً آن را به جا آورد.

نماز قضا و نماز مستحبی

کسی که نماز قضا دارد می تواند نماز مستحبی بخواند.

ترتیب در نماز قضا

سؤال: آیا نمازهای قضا باید به ترتیب خوانده شود؟

جواب: در قضای نمازهای یومیه ترتیب لازم نیست، مگر در نمازهایی که در ادای آنها ترتیب هست مثل نماز ظهر و عصر، یا مغرب و عشاء از يك روز، اگرچه احتیاط مستحب در غیر اینها نیز مراعات ترتیب است.

سؤال: آیا می شود نماز قضای انسان را شخص دیگری بخواند؟

جواب: تا انسان زنده است اگر چه از قضای نمازهای خود عاجز باشد، دیگری نمی تواند نمازهای او را قضا نماید.

نماز قضا با جماعت

نماز قضا را با جماعت می شود خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا، و لازم نیست هر دو يك نماز را بخوانند، مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند، اشکال ندارد.

نماز قضای پدر

اگر پدر نمازهای واجب خود را به جا نیاورده باشد، و می‌توانسته است قضا کند - و بنا بر احتیاط - هر چند از روی نافرمانی ترك کرده باشد، یا صحیح به جا نیاورده باشد، بر پسر بزرگترش واجب است که بعد از مرگش به جا آورد، یا برای او اجیر بگیرد، و قضای نمازهای مادر بر او واجب نیست هر چند احوط است.

نماز جماعت

اهمیت نماز جماعت

مستحب است نمازهای واجب، خصوصاً نمازهای یومیه را با جماعت بخوانند، و در نماز صبح و عشاء و برای همسایه مسجد، و کسی که صدای اذان را می‌شنود بیشتر سفارش شده است، و همچنین به حسب بعضی از روایات در نماز مغرب. نماز با جماعت افضل است از نماز فرادا به بیست و چهار درجه و برابر است با بیست و پنج نماز، و در بعضی از روایات قریب به این مضمون وارد شده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که به مسجدی برود به طلب نماز جماعت، برای او به هر قدمی هفتاد هزار حسنه است، و مثل آن از درجات، پس اگر بمیرد و او بر این حال باشد خداوند موکل می‌کند بر او هفتاد هزار ملك را که به قبر او بروند و بشارت به او بدهند و در تهیای قبر مونس او باشند و استغفار کنند برای او تا روزی که مبعوث می‌شود».

بی‌اعتنایی به نماز جماعت

حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست، و سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترك کند.

اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کنند که نماز را با جماعت بخواند، در صورتی که

ترك آن موجب ایذاء آنها شود، مخالفت آنها حرام است.

شرایط امام جماعت

امام جماعت باید بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و عادل و حلال زاده باشد و قرائت نمازش صحیح باشد در صورتی که اقتدا در دو رکعت اول و دوم باشد و قرائت مأموم هم صحیح باشد، و همچنین بنا بر احتیاط واجب در غیر این صورت، و نیز اگر مأموم مرد است امام او هم باید مرد باشد، و امامت زن برای زن در غیر نماز میّت کراهت دارد.

نکته: امامی را که عادل می دانسته، اگر شك کند که به عدالت خود باقی است یا نه، می تواند به او اقتدا نماید.

احکام جماعت

۱- موقعی که امام جماعت نماز یومیه می خواند، هر کدام از نمازهای یومیه را می شود به او اقتدا کرد.

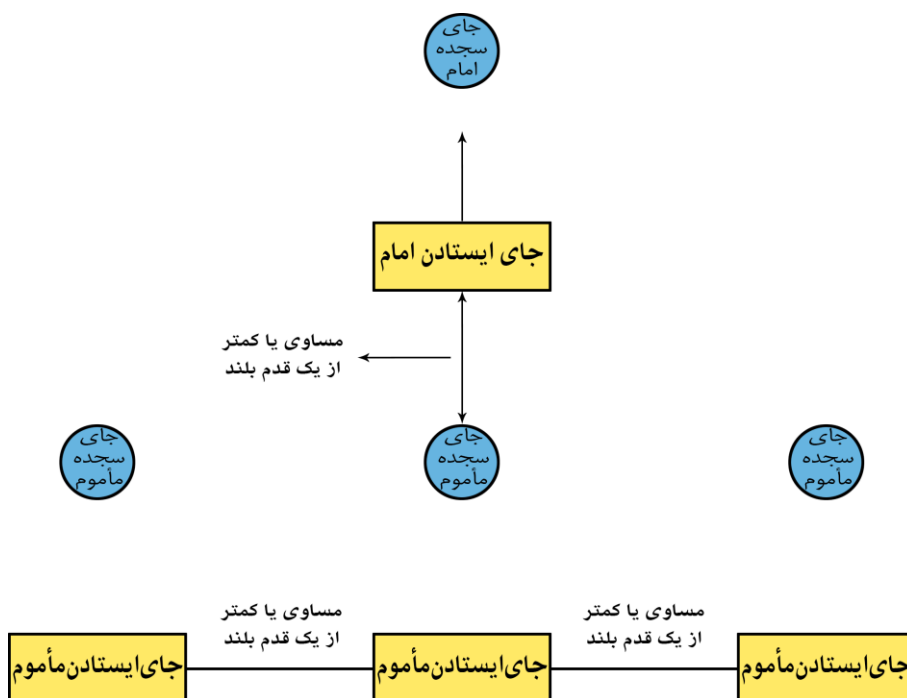
۲- اگر انسان نداند نمازی را که کسی می خواند نماز واجب یومیه است یا نماز مستحب، نمی تواند به او اقتدا کند.

۳- بعد از تکبیر امام، اگر صف جلو آماده نماز و تکبیر گفتن باشد، کسی که در صف بعد ایستاده می تواند تکبیر بگوید، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا کسی یا کسانی که از صف جلو واسطه اتصال او هستند تکبیر بگویند.

۴- اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به رکوع امام برسد، اگرچه ذکر امام تمام شده باشد نماز و جماعتش صحیح است، و يك رکعت حساب می شود، اما اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امام نرسد، نمازش باطل است.

۵- اقوی آن است که بین جای سجده مأموم و جای ایستادن امام بیش از اندازه ای

که به يك قدم بلند طی می شود فاصله نباشد، و همچنین است اگر انسان به واسطه مأمومی که جلوی او ایستاده به امام متصل باشد.



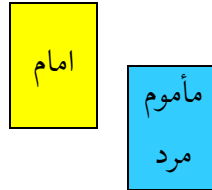
۶- مأموم باید غیر از حمد و سوره، همه چیزهای نماز را خودش بخواند.

۷- مأموم نباید تکبیرة الاحرام را پیش از امام بگوید، بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده تکبیر نگوید.

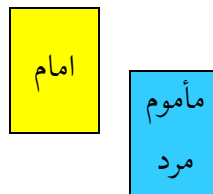
۸- مأموم باید غیر از آنچه در نماز خوانده می شود، کارهای دیگر آن را مانند رکوع و سجود با امام یا کمی بعد از امام به جا آورد.

وظیفه امام و مأموم در نماز جماعت

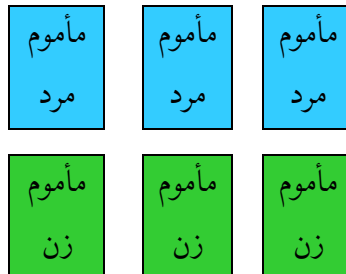
بنابر احتیاط واجب، اگر مأموم یک مرد باشد طرف راست امام بایستد.



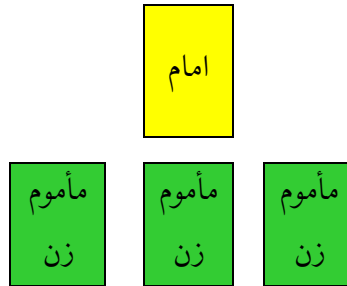
و اگر مأموم یک مرد و یک زن یا یک مرد و چند زن باشند، مرد طرف راست امام بایستد و بقیه پشت سر امام بایستند.



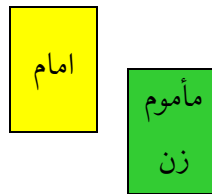
و اگر چند مرد و یک یا چند زن باشند، مردها پشت سر امام و زنها پشت سر مردها بایستند.



و اگر یک یا چند زن باشد، پشت سر امام بایستد.



و در صورتی که مأموم یک زن باشد، مستحب است پشت سر در طرف راست امام طوری بایستد که جای سجده‌اش محاذی زانو یا قدم امام باشد.



نماز آیات

نماز آیات به واسطه چهار چیز واجب می‌شود:

(اول) گرفتن خورشید.



(دوم) گرفتن ماه



(سوم) زلزله



(چهارم) رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها از آیات آسمانی، در

صورتی که بیشتر مردم از آنها بترسند.



نکته: چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است، در هر جایی اتفاق بیفتند، فقط مردم همان جا باید نماز آیات بخوانند، و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست.

دستور نماز آیات

نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد.

در نماز آیات ممکن است انسان بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد، آیه‌های **یک** سوره را پنج قسمت کند، و یک آیه یا بیشتر یا کمتر از آن را بخواند و به رکوع رود و سر بردارد و بدون اینکه حمد بخواند قسمت دوم از همان سوره را بخواند و به رکوع رود، و همین طور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام نماید. مثلاً به قصد سوره «قل هو الله احد»، ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ بگوید و به رکوع رود، بعد بایستد و بگوید: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ دوباره به رکوع رود و بعد از رکوع بایستد و بگوید: ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾ باز به رکوع رود و بایستد و بگوید ﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ﴾ و به رکوع برود، و سر بردارد و بگوید: ﴿وَلَمْ يَلِدْ﴾

يُكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿۱۸۷﴾ و بعد از آن به رکوع پنجم رود و بعد از سر برداشتن دو سجده کند، و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و بعد از سجده دوم تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

احکام روزه

روزه آن است که انسان از اذان صبح تا مغرب، از چیزهایی که بعد بیان می شود به قصد قربت و با اخلاص خودداری نماید.



نیت

لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب خود بگذارند، یا مثلاً بگویند فردا روزه می‌گیرم، بلکه همین قدر که بنا داشته باشد به قصد قربت و با اخلاص از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد کافیهست، و برای آن که یقین کند تمام این مدت را روزه بوده، باید مقداری پیش از اذان صبح و مقداری هم بعد از مغرب از انجام کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری نماید.

وقت نیت

سؤال: وقت نیت روزه ماه رمضان چه وقتی است؟

جواب: انسان می‌تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند، و همچنین می‌تواند شب اول ماه نیت روزه همه ماه را بنماید و تجدید نیت هر شب لازم نیست و بقای همان نیت کفایت می‌کند.

وقت نیت روزه ماه رمضان در شب اول، از اول شب است تا اذان صبح، و در غیر شب اول می‌شود قبل از اول شب هم نیت کرد، مثلاً عصر روز قبل نیت داشته باشد که فردا را روزه بگیرد قربةً الی الله، و بر این نیت باقی باشد اگرچه تا بعد از اذان صبح خوابش ببرد.

وقت نیت روزه مستحبی

وقت نیت روزه مستحبی، از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به استتار قرص^(۱) وقت مانده باشد.

وقت نیت روزه قضا

اگر برای روزه واجب غیر معینی - مثل روزه كفاره و روزه قضا - عمداً تا نزدیک ظهر

۱. یعنی قرص خورشید پنهان شود، و منظور هنگام غروب است.

نیت نکند، اشکال ندارد.^(۱)

روزه یوم الشک

روزی را که انسان شك دارد آخر شعبان است یا اول ماه رمضان، واجب نیست روزه بگیرد.

<p>واجب معین، مثل روزه ماه رمضان که مهلت نیت آن تا قبل از اذان صبح است. واجب غیر معین، مثل روزه قضا که مهلت نیت آن تا قبل از اذان ظهر است، مگر در روزه استیجاری که باید بنا بر احتیاط واجب تا قبل از اذان صبح نیت کند. مستحبی، که مهلت نیت آن تا قبل از غروب است.</p>	}	<p>روزه بر سه قسم است:</p>
---	---	--------------------------------

چیزهایی که روزه را باطل می کند

تُه چیز روزه را باطل می کند، هر چند بطلان در بعضی آنها بنا بر احتیاط است:
(اول) خوردن و آشامیدن



اگر روزه دار با التفات به این که روزه دارد عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می شود.

۱. بنابراین اگر مبطلی به جا نیاورده تا قبل از ظهر می توان برای روزه قضا نیت کرد.

اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.^(۱)

روزه و ضعف

سؤال: آیا انسان می‌تواند به خاطر ضعف روزه را بخورد؟

جواب: انسان نمی‌تواند برای ضعف روزه را بخورد، ولی اگر ضعف به قدری باشد

که برای روزه‌دار عُرْفاً قابل تحمّل نباشد، خوردن روزه اشکال ندارد.

(دوم) جماع^(۲)

(سوم) استمناء^(۳)

(چهارم) دروغ بستن به خدا و پیغمبر ﷺ

(پنجم) رساندن غبار به حلق

(ششم) فرو بردن سر در آب

(هفتم) باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح

(هشتم) اماله کردن^(۴)

(نهم) قی کردن^(۵)

هرگاه روزه‌دار عمدتاً قی کند روزه‌اش باطل می‌شود، ولی اگر سهواً یا بی اختیار قی

کند اشکال ندارد.

۱. چه روزه واجب معین باشد، چه روزه قضا و چه روزه مستحبی.

۲. عمل زناشوئی.

۳. خودارضائی که منی خارج شود.

۴. استعمال کردن دارو و امثال آن که مایع باشد از راه مقعد.

۵. یعنی استفراغ کردن.

کفاره روزه

کفاره^(۱) افطار روزه ماه رمضان این است که يك بنده آزاد کند، یا دو ماه روزه بگیرد، یا شصت فقیر را سیر کند، یا به هر کدام يك مُد طعام، یعنی گندم یا آرد یا نان یا خرما و مانند اینها بدهد.

کفاره جمع

سؤال اگر روزه‌دار به چیز حرامی روزه‌اش را باطل کند چه کفاره‌ای بر او واجب می‌شود؟

جواب: اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند بنا بر احتیاط کفاره جمع بر او واجب می‌شود، یعنی باید يك بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند، یا به هر کدام آنها يك مُد طعام بدهد.

کفاره باطل کردن روزه قضا

کسی که قضای روزه ماه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، باید به ده فقیر هر کدام يك مُد طعام بدهد، و اگر نمی‌تواند باید سه روز روزه بگیرد و احوط آن است که پی در پی باشد.

نکته: انسان نباید در به جا آوردن کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوراً آن را انجام دهد^(۲).

۱. اگر کسی روزه خود را عمداً با کار حلالی باطل کند باید کفاره آن را به جا آورد.

۲. چند نکته در مورد کفاره:

(اول) هر مُد طعام تقریباً ۷۵۰ گرم است.

(دوم) کفاره باید به صورت جنس به فقیر داده شود (گندم یا آرد یا نان یا خرما و مانند اینها) و اگر کسی پول آن را به فقیر بدهد کفاره حساب نمی‌شود.

(سوم) اگر بخواهد به شصت فقیر طعام بدهد باید به هر نفر ۷۵۰ گرم طعام بدهد که مجموع آن می‌شود

روزه قضا

در قضای روزه ماه رمضان انسان می‌تواند پیش از ظهر روزه خود را باطل نماید، ولی اگر وقت قضا تنگ باشد^(۱) - بنا بر احتیاط واجب - نمی‌تواند باطل نماید.

فدیة تأخیر

سؤال: در چه صورتی فدیة تأخیر واجب می‌شود؟

جواب: اگر در ماه رمضان به واسطه عذری روزه نگیرد، و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود، و تا ماه رمضان سال آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید روزه را قضا کند، و برای هر روز يك مُد طعام به فقیر بدهد^(۲).

اگر قضای روزه ماه رمضان را چند سال تأخیر بیندازد باید قضا را بگیرد و از جهت تأخیر در سال اول برای هر روز يك مُد طعام به فقیر بدهد، و اما از جهت تأخیر سال بعدی چیزی بر او واجب نیست.

وظیفه مریض

سؤال: کسی همیشه مریض است وظیفه او نسبت به روزه چیست؟

جواب: اگر به واسطه مرضی روزه ماه رمضان را نگیرد، و مرض او تا ماه رمضان سال بعد طول بکشد، قضای روزه‌هایی را که نگرفته بر او واجب نیست، و باید برای هر روز يك مد طعام به فقیر بدهد.

کسی که باید برای هر روز يك مُد طعام به فقیر بدهد، می‌تواند كفاره چند روز را به يك فقیر بدهد.



۴۵ کیلوگرم، و نمی‌تواند همه را به يك فقیر بدهد.

۱. مثلاً پنج روزه قضا دارد و فقط پنج روز به ماه رمضان باقی مانده است.

۲. به این مُد طعام كفاره تأخیر می‌گویند.

نکته: بعد از مرگ پدر، پسر بزرگتر باید قضای روزه او را به جا آورد.

روزه مسافر

مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد، و مسافری که نمازش را تمام می خواند - مثل کسی که شغلش مسافرت یا سفر او سفر معصیت است - باید در سفر روزه بگیرد.

حکم مسافرت در ماه رمضان

مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی مکروه است.

سؤال: حکم روزه کسی که در سفر روزه گرفته است چیست؟

جواب: کسی که نمی داند روزه مسافر باطل است، اگر در سفر روزه بگیرد و در بین روز مسأله را بفهمد، روزه اش باطل می شود، و اگر تا مغرب نفهمد روزه اش صحیح است.

سؤال: در چه وقتی از روز اگر انسان مسافرت کند روزه اش باطل می شود؟

جواب: اگر روزه دار بعد از ظهر مسافرت نماید، باید روزه خود را تمام کند، و اگر پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به حدّ ترخص برسد روزه اش باطل می شود^(۱).

۱. بنابراین نباید تا قبل از اینکه به حد ترخص برسد کاری که روزه را باطل می کند انجام بدهد.

احکام خمس



در هفت چیز خمس واجب می‌شود که فقط احکام يك مورد آن که بیشتر مورد نیاز است بیان می‌شود، و آن مورد، منفعت کسب است.

- | | |
|-------------------------------------|-------|
| ۱- منفعت کسب | } خمس |
| ۲- معدن | |
| ۳- گنج | |
| ۴- مال حلال مخلوط به حرام | |
| ۵- جواهری که با غواصی به دست می‌آید | |
| ۶- غنیمت جنگ | |
| ۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد | |

منفعت کسب

هرگاه انسان از تجارت یا صنعت یا کسبه‌های دیگر مالی به دست آورد، اگرچه مثلاً اجرت به جا آوردن نماز و روزه می‌تی باشد، چنانچه از مخارج سال خود و عیالاتش زیاد بیاید، باید خمس - یعنی پنج يك - آن را بدهد.

خمس هدیه

سؤال: آیا هدیه هم خمس دارد؟

جواب: اگر از غیر کسب مالی به دست آورد، مثلاً چیزی به او ببخشند، در صورتی که آن بخشیده شده قدر و قیمت معتابهی^(۱) نزد مردم داشته باشد و از مخارج سالش زیاد بیاید، خمس آن را باید بدهد.

ذخیره به خاطر قناعت

اگر به واسطه قناعت کردن چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

مواردی که خمس ندارد

آنچه از منافع کسب در بین سال به مصرف خوراك و پوشاك و اثاثیه و خرید منزل و ازدواج فرزند و جهیزیه دختر و زیارت و مانند اینها از اموری که از مخارج آن سال حساب می‌شود می‌رسد - در صورتی که از شأن او زیاد نباشد - خمس ندارد. و همچنین مالی را که انسان به مصرف نذر و کفاره می‌رساند، جزء مخارج سالانه است، و نیز مالی را که به کسی می‌بخشد یا جایزه می‌دهد - در صورتی که از شأن او زیاد نباشد - از مخارج سالانه حساب می‌شود.

سؤال: آیا خمس هر مالی را باید از خود آن مال بدهند یا اینکه می‌شود از مال دیگر داد یا پول آن را حساب کنند و بدهند؟

۱. یعنی قیمت قابل توجهی داشته باشد.

جواب: انسان می‌تواند خمس هر چیز را از همان چیز بدهد، یا به مقدار قیمت خمسی که بدهکار است پول رایج بدهد، و بنابر احتیاط واجب از چیز دیگر ندهد مگر با اذن حاکم شرع.^(۱)

سؤال: تصرف در مالی که به آن خمس تعلق گرفته چه حکمی دارد؟

جواب: کسی که خمس به مال او تعلق گرفت و سال بر او گذشت، تا خمس آن را نداده است نمی‌تواند در آن مال تصرف کند، اگرچه قصد دادن خمس را داشته باشد، مگر با اذن حاکم شرع.

سؤال: آیا اموال بچه نابالغ خمس دارد؟

جواب: اگر بچه صغیر سرمایه‌ای داشته باشد و از آن منافی به دست آید، خمس به آن تعلق می‌گیرد، و بر ولی است که خمس آن را بدهد، و اگر نداد آن صغیر بعد از بلوغ باید بپردازد.^(۲)

۱. یعنی مجتهد جامع شرایط.

۲. یعنی پدر یا پدر بزرگ پدری.

نکته: در بحث خمس لازم است چند مطلب روشن شود:

مطلب اول: پرداخت خمس بر چه کسانی واجب است؟ **مطلب دوم:** به چه چیزی خمس تعلق می‌گیرد؟

مطلب سوم: سال خمسی مطلب چهارم: مصرف خمس

و اما **مطلب اول:** پرداخت خمس بر هر کسی که درآمدی داشته باشد و آن درآمد از مخارج سالیانه‌اش زیاد بیاید واجب می‌شود، و در این مسأله فرقی بین زن و مرد و متأهل و مجرد و شاغل و بیکار و فقیر و غنی نیست.

مطلب دوم: خمس به هر مالی که انسان به دست آورد و از مخارج سالیانه‌اش زیاد بیاید تعلق می‌گیرد و به سرمایه و ابزار کار و محل کار خمس تعلق می‌گیرد حتی اگر زندگی شخص و خانواده او وابسته به آن باشد باز هم بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بپردازد.

و اما چیزهایی که خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد عبارتند از:



۱- مؤونه زندگی: آنچه از درآمد بین سال صرف موارد زیر می شود جزء مؤونه سال حساب شده و خمس ندارد:

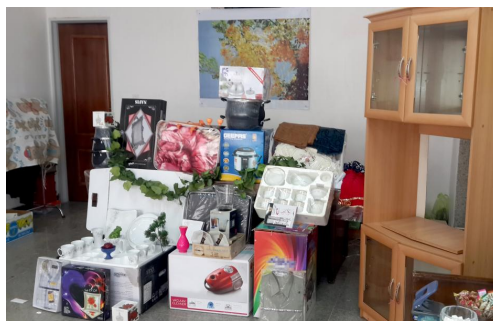


* وسیله سواری مورد نیاز
* زیارت
* جایزه و مانند اینها.

* مسکن
* جهیزیه
* هدیه

* پوشاک
* ازدواج
* کفاره

* خوراک
* اثاثیه
* نذر





البته باید توجه داشت که وقتی این موارد خمس ندارد که به اندازه شأن انسان باشد. بنابراین اگر کسی در شأن او يك منزل با قیمت متعارف است، اگر با درآمد بین سال منزلی تهیه کند که از شأن او بیشتر است باید خمس مازاد بر شأنش را بپردازد.

۲- ارث، مگر ارثی باشد که انسان انتظار آن را ندارد یا از قبل به مال میت خمس تعلق گرفته و پرداخت نکرده باشد.

۳- مهر

۴- هدیه‌ای که به انسان می‌دهند ولی قیمت آن مورد اعتنا نباشد.

۵- ديه اعضا بدن، مثلاً اگر دست کسی را قطع کنند، ديه‌ای که بابت آن می‌گیرد خمس ندارد، ولی ديه فوت بنابر احتیاط واجب درآمد سال است که اگر صرف در مؤونه همان سال نشود خمس دارد.

مطلب سوم: سال خمس

اگر کسی که شغل و درآمد مستمری ندارد مالی به دست آورد، چنانچه دوازده ماه از آن بگذرد و در مخارج زندگی او مصرف نشود خمس به آن تعلق می‌گیرد. بنابراین سال خمس برای کسی که شغل و درآمد مستمری ندارد یعنی گذشتن دوازده ماه از حصول درآمد، یعنی برای هر مالی که به دست می‌آورد می‌تواند يك سال جداگانه قرار می‌دهد و لازم نیست خمس اموالش را در يك روز محاسبه کند.

ولی کسانی که شغل و درآمد مستمری دارند بعد از گذشتن دوازده ماه از اولین درآمد، سال خمس آنها فرا می‌رسد و آن روز به عنوان سر سال خمس برای همه اموال آنها حساب می‌شود، یعنی باید همه اموالی که تا آن روز در مخارج زندگی مصرف نشده است را محاسبه کنند، و نمی‌توانند برای هر درآمدی يك سال جداگانه قرار بدهند. مثلاً کارمند روز اول شروع به کار ابتدای سال خمس اوست.

مطلب چهارم: مصرف خمس

خمس که به مال انسان تعلق می‌گیرد دو قسمت می‌شود که يك قسمت آن سهم امام زمان علیه السلام است و قسمت دیگر سهم سادات فقیر، و سهم امام زمان علیه السلام را باید در این زمان به مجتهد جامع الشرائط بدهند و بنابر احتیاط واجب به اعلم بدهند و سهم سادات را یا به مرجع تقلید بدهند یا اگر می‌خواهند خودشان به مصرف سادات فقیر برسانند بنابر احتیاط واجب از مرجع تقلید اجازه بگیرند.

احکام زکات



زکات در نه چیز واجب است: (اول) گندم، (دوم) جو، (سوم) خرما، (چهارم) کشمش، (پنجم) طلا، (ششم) نقره، (هفتم) شتر، (هشتم) گاو، (نهم) گوسفند، و اگر کسی مالک یکی از نه چیز باشد، با شرایطی، باید مقداری که معین شده به یکی از مصرفهایی که دستور داده‌اند برساند.

زکات در صورتی واجب می‌شود که مال به مقدار نصاب برسد^(۱).

۱. نصاب گندم و جو و خرما و کشمش تقریباً ۸۴۷ کیلوگرم می‌باشد.

مقدار زکات

اگر گندم و جو و خرما و انگور^(۱) از آب باران یا نهر مشروب شود، یا از رطوبت زمین استفاده کند، زکات آن ده يك است، و اگر بادلو و مانند آن آبیاری شود زکات آن بیست يك است.



موارد مصرف زکات

زکات در هشت مورد صرف می‌شود که بعضی از آنها عبارتند از:

(اول) فقیر

(دوم) مسکین

(سوم) فی سبیل الله^(۲)

(چهارم) ابن السبیل، یعنی مسافری که در سفر در مانده شده.

زکات فطره

کسی که موقع غروب شب عید فطر بالغ و عاقل است و فقیر و بنده کسی نیست، به این معنی که ماه رمضان را - اگر چه به يك آن تا تحقق غروب - با این شرایط درك

۱. اگر انگور به مقداری باشد که چنانچه کشمش بشود به حد نصاب می‌رسد، باید زکات آن را بدهند.

۲. بنابر احتیاط واجب اگر فقیر در محل باشد نمی‌توان زکات را در این مورد مصرف کرد.

کند، باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، هر نفری يك صاع - که تقریباً سه کیلوگرم است - گندم یا آرد یا خرما یا کشمش یا برنج و مانند اینها به مستحق بدهد، و بنابر احتیاط واجب غذای معمول محلش باشد، و اگر پول یکی از اینها را هم بدهد کافیست.



احکام امر به معروف و نهی از منکر

از بزرگترین واجبات بر مکلفین امر به معروف و نهی از منکر است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^(۱) (و مردان و زنان مؤمن، بعضی از ایشان دوستان بعضی دیگر هستند، امر می‌کنند به معروف و نهی می‌کنند از منکر).

امر به معروف و نهی از منکر راه انبیای خداست، و به این فریضه الهیه، بقیه فرایض و مقررات دین اجرا می‌شود، و کسب و کار حلال، و امنیت جان و عرض و مال مردم حفظ، و حقّ به حقدار می‌رسد، و زمین از لوث منکرات و بدیها تطهیر و به معروف و خوبیها آباد می‌شود.

و به روایتی از امام ششم علیه السلام اکتفا می‌شود که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چگونه است حال شما، زمانی که زنان شما فاسد، و جوانان شما فاسق شوند، و حال آن که امر به معروف و نهی از منکر نکرده‌اید؟ گفته شد: چنان خواهد شد یا رسول الله؟»

۱. سوره توبه، آیه ۷۱.

فرمود: بلی، و بدتر از آن هم خواهد شد، چگونه است حال شما، زمانی که امر کنید به منکر، و نهی کنید از معروف؟

گفته شد: یا رسول الله چنان خواهد شد؟

فرمود: بلی، و بدتر از آن هم خواهد شد، چگونه است حال شما زمانی که معروف را منکر و منکر را معروف ببینید!»

امر به معروف و نهی از منکر با شرایطی که بیان می‌شود، واجب کفایی است، به این معنی که اگر به مقدار کافی کسانی این وظیفه را انجام دادند از دیگران تکلیف ساقط می‌شود، و گرنه همه گناهکارند.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

و جوب امر به معروف و نهی از منکر مشروط به شرایطی است:

(اول) آن که امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر، عالم به معروف و منکر باشد، پس جاهل به معروف و منکر نباید متصدی امر و نهی شود، و امر و نهی جاهل به معروف و منکر، خود منکری است که باید از آن نهی شود.

(دوم) آن که احتمال تأثیر بدهد، و اگر بدانند تارك معروف و فاعل منکر، به امر و نهی ترتیب اثر نمی‌دهد، واجب نیست.

(سوم) آن که تارك معروف، و فاعل منکر، از ترك و فعل منصرف نباشد، ولی اگر برایش انصراف حاصل شده باشد، یا احتمال انصراف باشد، واجب نیست.

(چهارم) آن که در ترك معروف و فعل منکر معذور نباشد، و معذور مثل آن است که مقلد کسی باشد که آن فعل را واجب یا حرام نمی‌داند، هر چند به حسب اجتهاد یا تقلید آمر یا ناهی - امر کننده و نهی کننده - واجب و حرام باشد.

(پنجم) آن که اگر نداند امر و نهی او تأثیر می‌کند، ضرری - از امر و نهی او - بر جان یا عرض یا مال مسلمانی وارد نشود، و اگر بدانند تأثیر می‌کند، باید اهمّ و مهم را

ملاحظه نماید، پس چنانچه امر به معروف و نهی از منکر - از جهت اهمیت فعل معروف و ترك منکر - شرعاً اهم از آن ضرر باشد، وجوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی شود.

شک در شرایط

هرگاه شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، برای مکلف - به علم یا اطمینان - ثابت شد، امر به معروف و نهی از منکر واجب می شود، و اگر وجود یکی از شرایط مشکوک باشد واجب نیست.

اگر تارك معروف و فاعل منکر ادعا کند که در ترك و فعل عذر شرعی دارد، امر و نهی واجب نیست.

بر هر مسلمانی واجب است از بدعت گذاران در دین، و کسانی که موجب افساد در دین و تزلزل عقاید حق هستند، اظهار برائت و بیزاری کند، و دیگران را از فتنه و فساد آنان بر حذر دارد.

حرمت تجسس

سرکشی کردن به خانه دیگران و تجسس برای اطلاع از ترك معروف و فعل منکر جایز نیست.

سختی شدید

امر به معروف و نهی از منکر، در مواردی که برای امر کننده و نهی کننده موجب حرج و مشقت غیر قابل تحمل از نظر عرف باشد، واجب نیست، مگر در اموری که اهمیت آنها در شرع مقدس به مرتبه ای باشد که تکلیف به آنها به واسطه حرج رفع نشود، مانند حفظ دین و نفوس مسلمین.

وظیفه انسان در مقابل خانواده اش

بر هر مکلفی به مقتضای فرمان خداوند متعال ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ

وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَفُودَهَا النَّاسُ وَالْمَجَارَةُ^(۱) (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نگهدارید خود را و اهل خود را از آتشی که آتش افروز آن مردم و سنگ است)، واجب موکد است که اهل خود را امر به معروف و نهی از منکر کند، و به آنچه خود را به آن امر می‌کند، آنان را امر کند، و از آنچه خود را نهی می‌کند، آنان را نهی نماید.

مراحل امر به معروف و نهی از منکر

بر هر مکلفی واجب است که به قلب خود، از منکر کراهت داشته باشد، هر چند نتواند از آن جلوگیری نماید.

و در مقام امر به معروف و نهی از منکر، اول به اظهار کراهت قلبی، هر چند به ترك معاشرت با تارك معروف و فاعل منکر، و به وسیله زبان به موعظه و نصیحت، و بیان ثواب معروف و عذاب منکر، او را وادار به معروف نماید، و از منکر باز دارد. و اگر این دو اثر نکرد، و جلوگیری متوقف بر زدن بود، باید به گونه‌ای باشد که موجب دیه و قصاص نشود، وگرنه، چنانچه - مثلاً - موجب جراحی شود، در صورتی که به عمد باشد، مجروح می‌تواند قصاص کند و اگر از روی خطا باشد، می‌تواند دیه بگیرد.

وظیفه امر به معروف و ناهی از منکر

وظیفه امر به معروف و ناهی از منکر آن است که در امر به معروف و نهی از منکر غرض شارع مقدس را - که ارشاد گمراه و اصلاح فاسد است - در نظر داشته باشد، و این مهم حاصل نمی‌شود، مگر به آن که مبتلا به گناه را مانند عضو فاسد پیکر خود بدانند، و همچنان که به علاج پاره تن خود می‌پردازد، به معالجه مبتلایان به مفسد و امراض روحی بپردازد، و امر به معروف و ناهی از منکر نباید غفلت کند که شاید در

۱. سوره تحریم، آیه ۶.

صحیفه عمل آن گناهکار حسنه‌ای باشد که خدا او را به آن ببخشد، و در دفتر عمل خودش سینه‌ای (گناهی) باشد که او را به آن مواخذه کند.
نکته: امر به معروف در مستحبات مستحب است.

بعضی از گناهان کبیره

هرچند هر گناهی بزرگ است - چون عظمت و جلال و کبریای خداوند، محدود به حدی نیست، پس نافرمانی خداوند متعال هم با توجه به این که معصیت خداوند علیّ عظیم است، بزرگ است، و روایت شده: «نظر نکن به آنچه معصیت کردی، بلکه بین چه کسی را معصیت کردی» - ولی در مقایسه گناهان به یکدیگر، بعضی بزرگتر و عذاب آن شدیدتر است، و بر برخی از گناهان به طور صریح یا ضمنی، تهدید و وعید به عذاب و آتش شده، و یا در روایات وارد از اهل بیت عصمت و طهارت از آنها تعبیر به کبیره شده است، و به مقتضای آیه کریمه ﴿إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ﴾^(۱) (اگر دوری کنید از گناهان کبیره‌ای که نهی شده‌اید از آن، می‌پوشانیم از شما بدیها و سیئات شما را) اجتناب از آنها موجب آمرزش گناهان دیگر است.

و بعضی از فقهاء (اعلی الله مقامهم) آنها را تا هفتاد و بعضی بیشتر از آن شمرده اند، و قسمتی از آنها که بیشتر مورد ابتلاست ذکر می‌شود:

- ۱- شرك و كفر به خداوند متعال، که با هیچ گناه کبیره‌ای قابل قیاس نیست.
- ۲- یأس و ناامیدی از روح و رحمت خداوند متعال.
- ۳- قسم دروغ به خداوند متعال.

۱. سوره نساء، آیه ۳۱.

- ۴ - انکار آنچه خداوند نازل فرموده است.
- ۵ - دروغ بستن به خدا و رسول ﷺ و اوصیا.
- ۶ - اصرار بر گناهان صغیره.
- ۷ - ترك عمدی نماز و سایر واجبات الهیه.
- ۸ - اشتغال به لهو، مانند غنا و تار زدن.
- ۹ - اسراف.
- ۱۰ - شرب خمر.
- ۱۱ - غنا.
- ۱۲ - عقوق والدین (اذیت و بدرفتاری با پدر و مادر).
- ۱۳ - زنا.
- ۱۴ - دزدی.
- ۱۵ - ربا.
- ۱۶ - کم فروشی.
- ۱۷ - غشّ مسلمین.^(۱)
- ۱۸ - ناسزا گفتن به مؤمن و اهانت به مؤمن و ذلیل کردن او.
- ۱۹ - بهتان بر مؤمن (تهمت زدن به مؤمن).
- ۲۰ - غیبت، و آن ذکر عیبِ مستور و پوشیده مؤمن، در غیاب او است، چه آن عیب را به گفتار بیان کند، یا به رفتار بفهماند، هرچند در اظهار عیب مؤمن قصد اهانت و هتك حیثیت نداشته باشد و اگر به قصد اهانت، عیب مؤمن را اظهار نماید، دو گناه مرتکب شده است.

۱. مثل این که در شیر آب بریزد و به مردم بفروشد.

احکام خرید و فروش

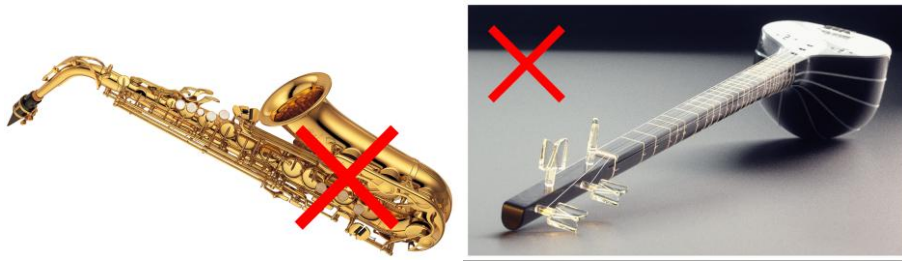


کسی که مال ندارد و مخارجی بر او واجب است - مثل خرج زن و بچه - باید کسب کند، و برای کارهای مستحب، مانند وسعت دادن به عیالات و دستگیری از

فقرا، کسب کردن مستحب است.

خرید و فروش حرام

- ۱- معامله مشروبات مسکر حرام و باطل است.
- ۲- خرید و فروش آلات لهو مثل تار و ساز حرام است^(۱).



- ۳- معامله چیزی که منافع معمولی آن فقط کار حرام باشد - مانند اسباب قمار - باطل و حرام است.



- ۴- معامله‌ای که در آن ربا باشد باطل و حرام است.

شرایط فروشنده و خریدار

برای فروشنده و خریدار چند چیز شرط است:

۱. و همچنین باطل است.

(اول) آن که بالغ باشند.

(دوم) آن که عاقل باشند.

(سوم) آن که سفیه نباشد، یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند.

(چهارم) آن که کسی آنها را اکراه^(۱) به ناحق نکرده باشد.

(ششم) آن که جنس و عوضی را که می دهند مالک باشند.

شرایط جنس و عوض آن

جنسی را که می فروشند و چیزی را که عوض آن می گیرند پنج شرط دارد:

(اول) آن که مقدار آن با وزن یا پیمانانه یا شماره و مانند اینها معلوم باشد.



(دوم) آن که بتوانند آن را تحویل دهند.

۱. به زور وادار کردن.

(سوم) خصوصیتی که در جنس و عوض است و به واسطه آن قیمت اختلاف پیدا می‌کند، معین نمایند.

(چهارم) آن که مِلْکِ طَلَق^(۱) باشد، پس مالی که وقف شده فروش آن جایز نیست.

(پنجم) خود جنس را بفروشد نه منفعت آن را.

نکته: قسم خوردن در معامله اگر راست باشد مکروه است، و اگر دروغ باشد حرام است.

احکام ازدواج



به واسطه عقد ازدواج زن و مرد به یکدیگر حلال می‌شوند، و آن بر دو قسم است:
دائم و غیر دائم.

حکم ازدواج

سؤال: آیا ازدواج کردن واجب است یا مستحب؟

جواب: کسی که به واسطه نداشتن زن به حرام می‌افتد، واجب است زن بگیرد.

احکام و شرایط عقد

۱- در زناشویی - چه دائم و چه غیر دائم - باید صیغه خوانده شود، و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست.

صیغه عقد

صیغه عقد را می‌توانند خود زن و مرد بخوانند یا دیگری را وکیل کنند که از طرف آنان بخواند.

سؤال: آیا صیغه عقد باید عربی باشد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب صیغه عقد باید به عربی صحیح خوانده شود.
۲- زن و مرد باید به ازدواج راضی باشند.

اجازه پدر

سؤال: آیا دختر باید با اجازه پدرش ازدواج کند؟

جواب: دختری که به حدّ بلوغ رسیده و رشیده است - یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهد - اگر بخواهد شوهر کند، چنانچه باکره^(۱) باشد - بنابر احتیاط واجب - باید از پدر یا جدّ پدری خود اجازه بگیرد، و اجازه مادر و برادر لازم نیست.

احکام نگاه کردن



نگاه کردن مرد به بدن و موی زن نامحرم - چه با قصد لذّت و چه بدون آن، و چه

۱. یعنی دختری که قبلاً عروسی نکرده و دوشیزه باشد.

با ترس وقوع در حرام و چه بدون آن - حرام است، و نگاه کردن به صورت و دستهای او اگر به قصد لذت باشد یا ترس وقوع در حرام داشته باشد، حرام است.

نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام است مگر به جاهایی که سیره متشرّعه و متدینین بر پوشاندن آن نیست، مانند سر و صورت و گردن و دستها و ساق پاها، که نگاه کردن زن به این مواضع بدون قصد لذت و ترس وقوع در حرام جایز است.

زن باید موی و بدن خود را از نامحرم بپوشاند^(۱).

نگاه کردن به عورت دیگری - حتی به عورت بچه ممیزی که خوب و بد را می فهمد - حرام است.

۱. البته پوشاندن صورت و دستها تا میچ در بعضی موارد واجب است. برای اطلاع بیشتر به توضیح المسائل، قسمت احکام نگاه کردن مراجعه نمایید.

احکام خوردنیها و آشامیدنیها

خوردنیها و آشامیدنیها پنج قسم است:

قسم اول: حیوانات دریایی

اگر ماهی فلس دار^(۱) را زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد اگر چه به کشتن او باشد بیرون آب پاک و خوردن آن حلال است.



۱. پولک دار.

و خوردن میگو هم حلال است.



ولی خوردن گوشت ماهی که پولک ندارد حرام است.

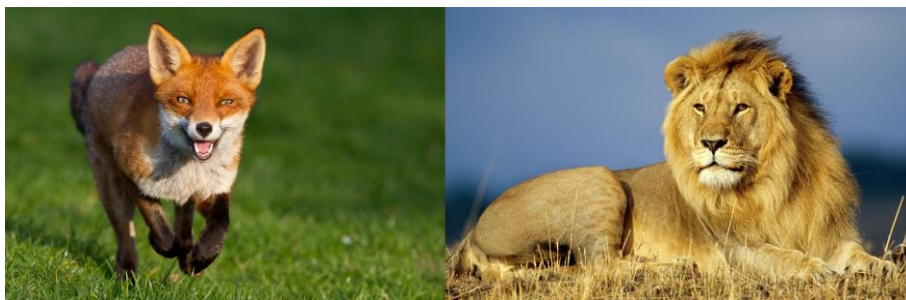


قسم دوم: چهارپایان

گاو و گوسفند و شتر و بز و بز کوهی حلال گوشت هستند.



حیوانات درنده مانند شیر و روباه حرام گوشت هستند.



گوشت خرگوش و جوجه تیغی حرام است.



خوردن حشرات نیز حرام است.



قسم سوم: پرندگان

خوردن گوشت مرغ خانگی و کبوتر و اقسام گنجشک حلال است.



شبپره (خفاش) و طاووس و جمیع انواع کلاغ و هر پرنده‌ای که مثل شاهین و عقاب و باز چنگال دارد حرام است.



کشتن پرستو و هدهد و خوردن گوشت آنها مکروه است.



قسم چهارم: چیزهای جامد

خوردن چیزهای نجس حرام است.

خوردن گِل حرام است، و خوردن کمی از تربت حضرت سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام که بیشتر از مقدار يك نخود متوسط نباشد برای استشفاء اشکال ندارد، و بهتر این است که تربت را در مقداری از آب - مثلاً - حلّ نمایند که مستهلك شود و بعد آن را بیاشامند.

خوردن چیزهای جامدی که مست کننده باشد حرام است.

قسم پنجم: چیزهای مایع

آشامیدن شراب و غیر آن از مسکرات حرام است. و همچنین آشامیدن فقاع و آشامیدن خون حرام است.

مستحبات غذا خوردن



چند چیز در غذا خوردن مستحب است:

(اول) در اول غذا خوردن بسم الله بگویند، ولی اگر سر یک سفره چند جور غذا باشد، در وقت خوردن هر کدام آنها گفتن بسم الله مستحب است.

(دوم) با دست راست غذا بخورد.

(سوم) غذا را خوب بجود.

(چهارم) در اول غذا و آخر آن نمک بخورد.

(پنجم) میوه را پیش از خوردن با آب بشوید.

(ششم) بعد از غذا خوردن خداوند عالم را حمد کند.



مکروهات غذا خوردن

- چند چیز در غذا خوردن مکروه است:
- (اول) در حال سیری غذا بخورد.
- (دوم) پر خوردن.
- (سوم) نگاه کردن به دیگران در موقع غذا خوردن.
- (چهارم) خوردن غذای داغ.
- (پنجم) فوت کردن به چیزی که می خورد یا می آشامد.

(ششم) پاره کردن نان با کارد.



مستحبات آب خوردن

در آشامیدن آب چند چیز مستحب است:

(اول) پیش از آشامیدن آب بسم الله، و بعد از آن الحمد لله بگوید.

(دوم) بعد از آشامیدن آب حضرت ابی عبدالله علیه السلام و اهل بیت ایشان را یاد کند، و

قاتلان آن حضرت را لعنت نماید.

(سوم) از روی میل آب بیاشامد.

(چهارم) به سه نفس آب بیاشامد.

(پنجم) در روز ایستاده آب بیاشامد.

زیاد آشامیدن آب، و آشامیدن آن بعد از غذای چرب، و آشامیدن آب با دست

چپ مذموم^(۱) است.

۱. یعنی سرزنش شده است.

پرسشها و پاسخها تقلید

بقاء بر تقلید

سؤال ۱: بچه ممیزی که هنوز بالغ نشده از مجتهدی تقلید می کرده است، آیا بعد از فوت آن مجتهد می تواند بر تقلید او باقی باشد؟

جواب: تقلید او صحیح بوده و می تواند بر تقلید آن مجتهد باقی باشد، و حتی اگر آن مجتهد اعلم را در زمانی که ممیز بوده درک کرده باشد ولی از او تقلید نکرده باشد باز هم بر تقلید او باقی می ماند، مگر این که برایش ثابت شود که مجتهد زنده از مجتهد فوت شده اعلم است.

عوض کردن مرجع تقلید

سؤال ۲: آیا می شود انسان مرجع تقلید خودش را عوض کند؟

جواب: وظیفه ی انسان تقلید از اعلم مجتهدین جامع الشرائط است و اگر از چنین مجتهدی تقلید می کند نمی تواند به غیر او رجوع کند، و اگر از غیر او تقلید

می‌کند تقلیدش صحیح نیست و باید به اعلم رجوع نماید.

تبعیض در تقلید

سؤال ۳: آیا می‌شود بعضی مسائل را از یک مجتهد و بعضی مسائل را از مجتهد دیگری تقلید کرد؟

جواب: باید همه مسائل را از اعلم مجتهدین جامع الشرائط تقلید کرد مگر اینکه فتوای اعلم با غیر اعلم در مسأله‌ای یکی باشد (و هر دو مجتهد جامع الشرائط باشند) که در آن مسأله، استناد به هر دو، صحیح است.

طهارت و نجاست

شک در نجاست

سؤال ۴: صبح از که از خواب بیدار شدم احساس کردم لباس زیرم خیس است، آیا نجس حساب می‌شود؟

جواب: تا زمانی که علم یا اطمینان یا حجت شرعی نداشته باشید که آن رطوبت ادرار یا منی باشد آن رطوبت پاک است.

سؤال ۵: شخصی استبراء کرده و بعد از آن آبی از او خارج شده است، آیا آن آب نجس حساب می‌شود؟

جواب: سه حالت دارد:

حالت اول: می‌داند آن آب ادرار یا منی است، که در این حالت نجس است.

حالت دوم: می‌داند ادرار یا منی نیست، که در این حالت پاک است.

حالت سوم: شک دارد که ادرار یا منی یا رطوبت دیگری باشد، که در این حالت

هم پاک حساب می‌شود.

حکم الکل

سؤال ۶: استفاده از عطر یا ادکلن‌هایی که الکل دارند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر آن الکل صنعتی باشد پاک است، و همچنین اگر الکل طبی باشد که از شراب یا نبیذ یا فُقاق یا نجاست دیگری گرفته نشده باشد.



وضو

شستن صورت با دست چپ

سؤال ۷: آیا شستن صورت در وضو با دست چپ صحیح است؟

جواب: انسان می‌تواند صورتش را برای وضو با دست راست یا دست چپ یا حتی بدون استفاده از دست بشوید.

مانع رسیدن آب

سؤال ۸: اگر در اعضای وضو چیزی باشد و شک کنیم آیا آن چیز مانع

رسیدن آب است یا نه، وظیفه چیست؟
جواب: لازم است آن را برطرف نمایید.

اثر خودکار

سؤال ۹: آیا اثر خودکار بر روی دست مانع رسیدن آب در وضو است؟

جواب: این سؤال موضوعی است و تشخیص موضوع به عهده خود مکلف است
و به طور کلی سه حالت دارد:



حالت اول: می دانیم جرم ندارد و مانع رسیدن آب نمی شود، که در این حالت اشکال ندارد.

حالت دوم: می دانیم جرم دارد، که در این حالت لازم است برطرف شود.

حالت سوم: شک داریم جرم دارد که مانع شود یا نه، که در این حالت هم باید برای وضو برطرف شود.

ژل مو

سؤال ۱۰: شخصی به موهای سرش ژل می زند، آیا برای مسح سر اشکال

دارد؟

جواب: اگر مانع از رسیدن آب کف دست به محل مسح بشود، وضو باطل است.



لاک ناخن دست

سؤال ۱۱: خانمی روی ناخن‌های دستش لاک زده است، آیا وضوی او

صحیح است؟

جواب: خیر، وضو با لاک و هر چیز دیگری که مانع رسیدن آب به اعضای وضو

می‌شود صحیح نیست.

لاک روی ناخن پا

سؤال ۱۲: آیا مسح پا روی لاک ناخن‌ها صحیح است؟

جواب: خیر، باید برطرف شود. بلی، اگر چهار ناخن را لاک بزند و یک ناخن را

باز بگذارد و مسح پا را از سر همان انگشت لاک نزده تا بر آمدگی انجام بدهد وضوی

او صحیح است.

مسح سر با دست چپ

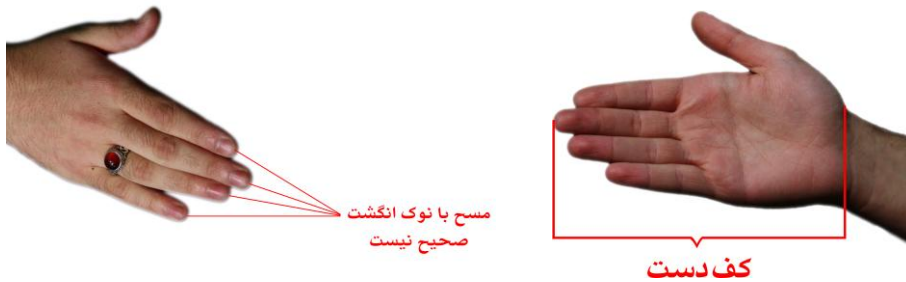
سؤال ۱۳: آیا مسح سر با دست چپ هم صحیح است؟

جواب: مسح سر بنابر احتیاط واجب باید با تری کف دست راست باشد.

منظور از کف دست

سؤال ۱۴: مسح سر و روی پاها با کف دست باشد. منظور از کف دست چیست؟ آیا انگشتان دست را هم شامل می‌شود یا خیر؟

جواب: مسح سر و روی پاها با هر قسمتی از کف دست انجام شود کافی است، چه با کف انگشتان باشد و چه با وسط کف دست. ولی دقت شود که با سر انگشت کافی نیست.



نماز

روش محاسبه نیمه شب شرعی

سؤال ۱۵: نیمه شب شرعی دقیقاً چه وقتی است؟

جواب: مجموع ساعات از اول غروب تا اذان صبح (بنابر احتیاط واجب) را جمع کرده و تقسیم به دو می‌کنیم، بعد آن را به غروب اضافه می‌کنیم.

مدّ در «وَلَا الضَّالِّينَ»

سؤال ۱۶: آیا رعایت مدّ در «وَلَا الضَّالِّينَ» لازم است؟

جواب: در الف آن مدّ لازم است، ولی مدّ در یاء آن (لین) بنابر احتیاط مستحب است.

گفتن یک بار «سُبْحَانَ اللَّهِ»

سؤال ۱۷: آیا در رکوع یا سجده می شود به جای سه بار (سبحان الله) فقط یک مرتبه آن را بگوییم؟

جواب: خیر، جایز نیست، مگر در تنگی وقت و در حال ناچاری.

قنوت

سؤال ۱۸: در نماز قنوت را فراموش کردم. آیا باید نمازم را دوباره بخوانم؟

جواب: قنوت در نماز مستحب است و ترک آن نماز را باطل نمی کند.

دعای فارسی در نماز

سؤال ۱۹: آیا جایز است انسان در نماز به زبان فارسی دعا کند؟

جواب: بلی جایز است، البته باید دعا به صورت مناجات با خدا باشد و خطاب به غیر خدا نباشد، ولی اگر فقط به غیر زبان عربی دعا کند به وظیفه استحبابی قنوت عمل نکرده است.

نماز آیات

سؤال ۲۰: آیا در نماز آیات می توانیم تنها بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را بگوییم و به رکوع برویم؟

جواب: بله اگر بسم الله الرحمن الرحيم را به قصد سوره ای که می خواهید بخوانید بگویید و به رکوع بروید کافی است.

شک در تعداد نماز قضا

سؤال ۲۱: اینجانب مقدار زیادی از نمازهایم را نخوانده ام و تعداد آن را هم نمی دانم، اکنون چه تعدادی باید نماز قضا بخوانم؟

جواب: مقدار آن را تخمین بزنید و اگر حداقل (مقدار متیقن) مقدار تخمینی را قضا نمایید کافی است. مثلاً نمی دانید یکسال است یا دو سال یا سه سال، که اگر یک سال نماز قضا بخوانید کافی است.

نماز مسافر

سؤال ۲۲: شخصی چند روز در ماه برای کار یا درس به جای دیگری سفر می‌کند، حکم نماز و روزه او در مسافرت چیست؟

جواب: اگر دوره مسافرت او از سه ماه کمتر نباشد و حداقل نیمی از ماه را در سفر باشد نماز او کامل و روزه او صحیح است.

توضیح:

مسافر نسبت به مدت دوره چند حالت دارد:

حالت اول: نمی‌داند چه مدتی می‌رود، که در این حالت نماز او شکسته است.

حالت دوم: می‌داند کمتر از یک ماه است، که در این حالت هم نمازش شکسته است.

حالت سوم: می‌داند بیشتر از یک ماه و کمتر از سه ماه است، که در این حالت اگر دو روز یا بیشتر از دو روز در هفته باشد بنا بر احتیاط واجب باید جمع کند بین نماز شکسته و نماز تمام.

حالت چهارم: می‌داند حداقل سه ماه است، که در این حالت اگر حداقل نیمی از ایام را در سفر باشد نمازش کامل و روزه اش صحیح است.

مسافر نسبت به تعداد سفرها در ماه چند حالت دارد:

حالت اول: نمی‌داند چه روز می‌رود، که در این حالت نمازش شکسته است.

حالت دوم: می‌داند از یک تا چهار روز است، که در این حالت هم نمازش شکسته است.

حالت سوم: می‌داند از پنج تا چهارده روز است، که در این حالت بنا بر احتیاط واجب باید جمع کند بین نماز شکسته و نماز تمام.

حالت چهارم: می‌داند حداقل پانزده روز است و حداقل سه ماه چنین سفری دارد که در این حالت نمازش کامل و روزه اش صحیح است.

حکم نماز در وطن پدر و مادر

سؤال ۲۳: ما گاهی وقتها در سال به روستایی میرویم که ۶۵ کیلومتر از شهرمان فاصله دارد و آنجا وطن پدر و مادرم حساب می شود و نماز آنها در آنجا کامل است، با توجه به این که من متولد شهر خودمان هستم و اینجا بزرگ شده ام نه در روستا، و تحت سرپرستی پدرم هستم، حکم نماز من در آن روستا چیست؟

جواب: تا زمانی که تحت سرپرستی پدرتان هستید و در زندگی مستقل نشده اید بنابر احتیاط واجب در آن روستا جمع کنید بین نماز شکسته و نماز تمام.

سؤال ۲۴: آیا ممکن است در روز جمعه حمد و سوره نماز ظهرمان را مانند نماز جمعه بلند بخوانیم؟

جواب: بله مستحب است در روز جمعه حمد و سوره نماز ظهر را بلند بخوانید البته این حکم مختص به نماز ظهر است و نماز عصر روز جمعه را باید آهسته بخوانید.

روزه

روزه مستحبی و روزه قضا

سؤال ۲۵: کسی که روزه قضا بر گردن دارد آیا می تواند روزه مستحبی بگیرد؟

جواب: خیر، نمی تواند.

استمناء در حال روزه

سؤال ۲۶: اگر کسی - نعوذ بالله - در حال روزه با خودش بازی کند و منی از

او خارج شود، روزه او چه حکمی دارد؟

جواب: چند حالت دارد:

حالت اول: از اول قصد داشته که منی خارج شود، در این حالت روزه‌اش باطل است و قضاء و کفاره بر او واجب است و بنا بر احتیاط واجب کفاره جمع بر او واجب است.

حالت دوم: از اول قصد نداشته که منی خارج شود، که چند صورت دارد: **صورت اول:** اطمینان داشته منی خارج می‌شود یا کاری که انجام داده معمولاً با آن کار منی خارج می‌شده، در این صورت هم قضا دارد و هم کفاره و بنا بر احتیاط واجب کفاره جمع دارد.

صورت دوم: اطمینان نداشته منی خارج می‌شود و کاری که انجام داده معمولاً با آن کار منی خارج نمی‌شده، در این صورت اگر احتمال می‌داده که منی خارج شود، در این صورت قضا دارد ولی کفاره ندارد.

صورت سوم: کاری که انجام داده معمولاً با آن کار منی خارج نمی‌شده، و مطمئن بوده که منی خارج نمی‌شود، در این صورت روزه‌اش باطل نمی‌شود.

اعتکاف

سؤال ۲۷: در چه مکانهایی اعتکاف صحیح است؟

جواب: اعتکاف باید در یکی از مکانهای زیر باشد:

- ۱- مسجد الحرام - ۲- مسجد النبی ﷺ - ۳- مسجد کوفه - ۴- مسجد بصره - ۵-

مسجد جامع.



اعتکاف در مسجد دانشگاه

سؤال ۲۸: آیا می شود در مسجد دانشگاه اعتکاف کرد؟

جواب: خیر، صحیح نیست.

خارج شدن از محل اعتکاف

سؤال ۲۹: آیا معتکف می تواند برای امتحان مهم درسی از مسجد خارج

شود؟

جواب: اگر از نظر عرفی آن امتحان مهم و ضروری است اشکال ندارد.

خمس

خمس پول تو جیبی

سؤال ۳۰: آیا پول تو جیبی که از پدر یا مادرمان می گیریم خمس دارد؟

جواب: دو حالت دارد:

حالت اول: آن پول را به شما نمی بخشند، بلکه به شما می دهند که اگر نیاز

داشتید مصرف کنید. در این حالت اگر این مال تا آخر سال مصرف نشد، باید خمس

آن توسط کسی که آن را به شما داده پرداخت شود.

حالت دوم: آن پول را به شما می بخشند، که دو صورت دارد:

صورت اول: ارزش آن کم است - مثلاً ده یا بیست هزار تومان - در این صورت

خمس ندارد.

صورت دوم: قدر و قیمت مورد اعتنایی نزد مردم دارد، که در این صورت اگر تا سر

سال آن را مصرف نکردید، باید خمس آن را پرداخت نمایید.

خمس پولی که برای جهیزیه کنار گذاشته می شود
سؤال ۳۱: آیا به پس اندازی که برای خرید جهیزیه دختر کنار گذاشته
می شود خمس دارد؟



جواب: در صورتی که دختر می خواهد ازدواج نماید بدون پس انداز نمی توانید
جهیزیه را تهیه نمایید - نه الآن و نه در زمان خودش - به آن پول خمس تعلق
نمی گیرد.

پس انداز برای ازدواج

سؤال ۳۲: آیا به مالی که برای ازدواج کنار گذاشته شده است خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: بلی، اگر تا سر سال خرج نشود خمس به آن تعلق می‌گیرد.

خمس کتاب و دفتر

سؤال ۳۳: آیا به کتاب و دفتری که خریداری کرده‌ایم خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر تا سر سال به آن نیاز نداشته‌اید یا از آن استفاده نکرده‌اید خمس به آن

تعلق می‌گیرد. ولی کتابهایی که به صورت دوره‌ای است، اگر به بعضی از جلد‌های آن

نیاز داشته‌اید و از آن استفاده کرده باشید، به جلد‌های دیگر هم خمس تعلق نمی‌گیرد.



خرید و فروش

خرید و فروش فیلم

سؤال ۳۴: خرید و فروش فیلمهای سانسور نشده چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که آن فیلمها شهوت انگیز باشد، یا باعث ترویج فحشاء و منکرات و فساد و کفر شود حرام است.



خرید و فروش وسائل موسیقی

سؤال ۳۵: خرید و فروش وسائل موسیقی و همچنین نواختن آنها چه

حکمی دارد؟

جواب: خرید و فروش آن حرام و باطل است، و همچنین نواختن آنها، حتی اگر

برای استفاده شخصی باشد.



خرید و فروش سازهای کوچک

سؤال ۳۶: خرید و فروش سازهای کوچک که برای بازی بچه‌ها است چه حکمی دارد؟



جواب: بنا بر احتیاط واجب جایز نمی‌باشد.

خرید و فروش مجسمه

سؤال ۳۷: لطفاً حکم مجسمه‌سازی، آموزش آن، نگهداری آن، و خرید و

فروش آن را بیان فرمایید.



- ۱- ساختن مجسمه جاندار - انسان و حیوان حرام است.
- ۲- گرفتن اجرت برای ساختن آن حرام است.
- ۳- خرید و فروش و نگهداری آن جایز است. اگرچه ترک آن بهتر است.

خرید و فروش عروسک

سؤال ۳۸: خرید و فروش و نگهداری انواع عروسک‌ها - چه انسانی و چه

حیوانی - چه حکمی دارد؟



جواب: خرید و فروش و نگهداری آن‌ها جایز است، اگرچه احتیاط مستحب این است که این کار را ترک نمایند.

معامله با بچه نابالغ

سؤال ۳۹: آیا خرید و فروش با بچه نابالغ صحیح است؟

جواب: چند حالت دارد:

حالت اول: بچه خودش مستقلاً با مال خودش معامله کند، که در این حالت معامله باطل است.

حالت دوم: معامله با ولیّ بچه و در مال بچه باشد و بچه فقط صیغه معامله را جاری می‌کند، که در این حالت معامله صحیح است.

حالت سوم: اگر معامله در مال خودش نباشد و بچه ممیز وکاله از طرف صاحب مال معامله کند، معامله صحیح است.

حالت چهارم: اگر بچه فقط وسیله باشد که جنس را به مشتری و پول را به فروشنده برساند، در این حالت اگر مطمئن باشند که بچه مال را به دو طرف می‌رساند، معامله صحیح است، حتی اگر بچه ممیز هم نباشد.

ولی بچه

سؤال ۴۰: چه کسی می‌تواند برای بچه معامله کند؟

جواب: ۱- پدر

۲- پدر بزرگ پدری

۳- وصی پدر یا پدر بزرگ که او را قیم قرار داده است.

۴- وکیل پدر یا پدر بزرگ پدری

و بنابر احتیاط واجب باید خرید و فروش به مصلحت بچه باشد.

تصرف مادر در مال صغیر

سؤال ۴۱: آیا مادر یا برادر می‌توانند در اموال بچه نابالغ تصرف کنند و برای او خرید و فروش نمایند؟

جواب: خیر، مگر این که از پدر یا پدر بزرگ پدری اجازه آن کار را داشته باشند.

شرکت‌های هرمی

سؤال ۴۲: حکم شرعی معامله با شرکتهای هرمی چیست؟

جواب: بنابر احتیاط واجب مؤکد معامله کردن با این شرکت‌ها جایز نیست، و این احتیاط قابل رجوع به مجتهد دیگر نیست.

بازاریابی شبکه‌ای

سؤال ۴۳: حکم بازاریابی شبکه‌ای چیست؟

جواب: بنابر احتیاط واجب صحیح نیست و این احتیاط قابل رجوع به مجتهد دیگر نیست.

خرید و فروش اجناس اسرائیلی

سؤال ۴۴: خرید و فروش محصولات وابسته به اسرائیل چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که تقویت اسرائیل گردد جایز نیست.

اجاره

اجرت کار حرام

سؤال ۴۵: حکم آموزش موسیقی به دیگران چیست؟

جواب: آموزش موسیقی و گرفتن پول برای آن حرام است.



سؤال ۴۶: حکم تراشیدن ریش و گرفتن أُجرت برای آن چیست؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب تراشیدن ریش چانه یا قسمتی از آن جایز نیست، و همچنین گرفتن أُجرت برای آن بنا بر احتیاط واجب حرام است. ولی اگر قسمت چانه را تراشد و فقط اطراف صورت را بتراشد اشکال ندارد.



دو نکته:

(اول) اگر انسان به مقداری ریش بگذارد که عرفاً (مردم) بگویند این شخص ریش دارد کافی است، ولی اگر آنقدر آن را کوتاه کند که عرفاً صدق نکند که ریش دارد، این کار بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. و در این مسأله فرقی نمی‌کند که ریش را با تیغ بتراشد یا با ماشین صفر و مانند آن بزند.

(دوم) گذاشتن ریش پرفسوری (در تمام قسمت چانه) - به اندازه‌ای که عرفاً صدق بکند که شخص ریش دارد - کافی است.

اجیر شدن بچه نابالغ

سؤال ۴۷: آیا می‌شود بچه صغیری را برای انجام کاری اجیر نمود؟

جواب: با اجازه ولی او اشکال ندارد.

اشیاء گم شده

سؤال ۴۸: زنجیر طلایی را در خیابان پیدا کردم، وظیفه من چیست؟

جواب: در صورتی که احتمال می‌دهید با اعلان صاحبش پیدا می‌شود باید به مدت یک سال آن را در جاهایی که احتمال پیدا شدن صاحبش هست اعلان کنید (مثلاً نوشته‌ای به در مغازه بزنید) و اگر صاحبش در این مدت پیدا نشد می‌توانید یکی از سه کار زیر را انجام بدهید:

(اول) یا به صورت امانت آن را نگهداری نمایید.

(دوم) یا آن را به فقیر صدقه بدهید، و اگر صاحبش پیدا شد می‌تواند به صدقه راضی شود یا عوض مالش را بگیرد و ثواب صدقه برای صدقه دهنده باشد.

(سوم) یا آن را برای خود بردارید ولی هر وقت صاحبش پیدا شد حق دارد بگیرد.

مسائل متفرقه

کروات

سؤال ۴۹: آیا بستن کروات جایز است؟

جواب: اگر کروات شعار غیر مسلمانان حساب شود جایز نیست، و اگر شعار آنان نباشد اشکال ندارد. و تشخیص موضوع به عهده خود مکلف است.



غنا و موسیقی

سؤال ۵۰: حکم شرعی غنا و موسیقی چیست؟

جواب: هر صدایی که مناسب با مجالس لهو و لعب باشد ایجاد آن و شنیدن آن حرام است.



شرکت در مجالس عروسی

سؤال ۵۱: حکم شرکت کردن در مجالس عروسی که در آن موسیقی لهوی

پخش می شود چیست؟

جواب: شرکت در آن جلسه حرام است.

حکم رقص

سؤال ۵۲: آیا رقص حرام است؟

جواب: چند حالت دارد:

حالت اول: رقص مرد برای مرد، که بنا بر احتیاط واجب حرام است.

حالت دوم: رقص زن برای زن، که بنا بر احتیاط واجب حرام است.

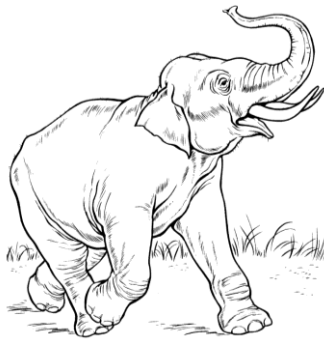
حالت سوم: رقص مرد در مقابل زن ها و رقص زن در مقابل مرد ها، که حرام است.

حالت چهارم: رقص زن در مقابل شوهرش، که اشکال ندارد.

حکم نقاشی انسان

سؤال ۵۳: آیا نقاشی کشیدن از انسان یا حیوان جایز است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب باید از نقاشی کردن انسان یا حیوان اجتناب شود.



بازی با شطرنج

سؤال ۵۴: آیا بازی با شطرنج و نرد جایز است؟

جواب: در صورتی که به صورت بُرد و باخت مالی باشد حرام است، و در صورتی که بدون بُرد و باخت مالی باشد - فقط برای سرگرمی باشد و مالی را شرط نکرده باشند - بنابر احتیاط واجب اکید حرام است.



بازی با پاسور

سؤال ۵۵: بازی با پاسور چه حکمی دارد؟

جواب: اگر با بُرد و باخت مالی باشد حرام است، و اگر فقط برای سرگرمی و

بدون بُرد و باخت مالی باشد، بنا بر احتیاط واجب حرام است.



اطاعت از پدر و مادر

سؤال ۵۶: بنده می‌خواهم به وطن قبلی خودم برگردم، ولی پدر و مادرم مخالف هستند، آیا می‌توانم بدون رضایت آنها بروم؟
جواب: اگر باعث اذیت پدر و مادرتان شود حرام است.

حکم فحش

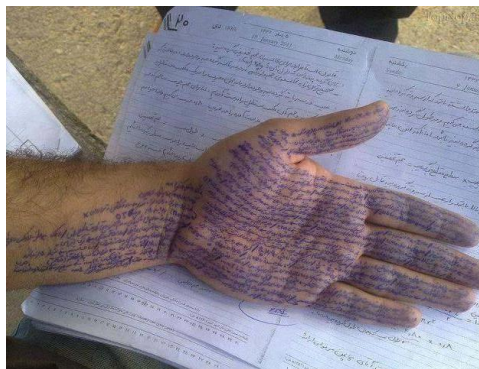
سؤال ۵۷: فحش دادن و ناسزا گفتن چه حکمی دارد؟

جواب: فحش دادن حرام است و فحش دادن به مؤمن از گناهان کبیره است و همچنین به کار بردن کلماتی که تصریح کردن به آنها در مکالمه با مردم زشت است حرام می‌باشد.

حکم تقلب در امتحان

سؤال ۵۸: آیا تقلب کردن در امتحان جایز است؟

جواب: حرام است.



سیگار کشیدن

سؤال ۵۹: آیا کشیدن سیگار و قلیان جایز است؟

جواب: در صورتی که ضرر قابل توجهی برای بدن داشته باشد جایز نیست.



آرایش زنانه

سؤال ۶۰: آیا پسران می‌توانند زیر ابرو بردارند؟

جواب: جایز نیست مرد طوری خودش را اصلاح و آرایش نماید که مثل زنها

شود. (بنابر احتیاط واجب)

تماشای فیلمهای مبتذل

سؤال ۶۱: حکم تماشای فیلمهای رقص و تصاویر مبتذل چیست؟

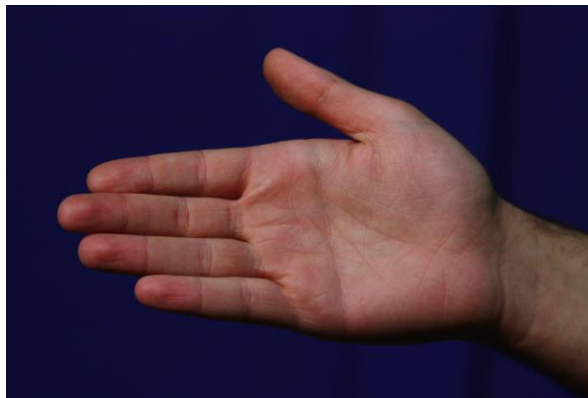


جواب: تماشای موارد مذکور حرام است.

دست دادن به نامحرم

سؤال ۶۲: آیا جایز است انسان به نامحرم دست بدهد؟

جواب: این کار حرام است.



حرف زدن با نامحرم

سؤال ۶۳: حکم حرف زدن و شوخی با نامحرم چیست؟

جواب: در صورتی که به قصد لذت حرف بزند، یا ترس افتادن در گناه داشته باشد

حرام است.

نگاه کردن به عکسهای اینترنتی

سؤال ۶۴: نگاه کردن به عکسهای اینترنتی - که بی حجاب هستند - چه

حکمی دارد؟

جواب: چند حالت دارد:

حالت اول: عکس زن مسلمان است و او را می شناسید، چنانچه بدون تلذذ و

بدون ترس افتادن به گناه باشد اگر از زنهایی است که چنانچه آنها را از نشان دادن

خود به نامحرم نهی کنند می پذیرد بنابر احتیاط واجب حرام است.

حالت دوم: عکس زن مسلمان است ولی او را نمی‌شناسید، که اگر با تلذذ یا ترس افتادن به گناه باشد حرام است.

حالت سوم: عکس زنهای غیر مسلمان است، که اگر با تلذذ یا ترس افتادن به گناه باشد حرام است.

حالت چهارم: عکس‌های مبتذل و جنسی است، که حرام است.

ازدواج با دختر بدون اجازه پدر

سؤال ۶۵: حکم ازدواج با دختر باکره بدون اجازه پدر یا پدر بزرگ پدری او چه حکمی دارد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب باطل است (یعنی بنا بر احتیاط واجب آثار همسری را نمیتوانند مترتب نمایند) و بنا بر احتیاط واجب اگر عقد موقت بوده باید مرد مابقی مدت را به دختر ببخشد و اگر عقد دائم بوده باید مرد، دختر را طلاق شرعی دهد.